

# مختصر آشنائی با عناصر مهم تعلیم و تربیہ

سید علی آقا «مشفق»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این گلزار نتوانی نشستن جاویدان پروین  
همان بهتر که بنشستی نهال چند بنشان

تقدیم به:

معلمین ام که مرا شیوه قلم گرفتن آموخت، بویژه اولین معلم حیاتم  
که در گهواره با زمزمه های شیرین وی الفبای زندگی را شناختم  
هم صنفی های عزیزم از لیسه دارالهدی لعل تا دارالمعلمین لعل  
همکاران و شاگردانم که محبت شان زیربنای عزت و غرورم گردید

صفحه مشخصات کتاب

## پیشگفتار

مسرت دارم که امروز کتابی را آماده نشر داریم که از دیر باز به اینطرف در باره اش می اندیشیدیم. نام زیبای این کتاب بنا بر علاقه خاص، حسن انتخاب و عطش آتشین گرد آورنده اش به معارف و عناصر تعلیم و تربیه گذاشته شده است. الحق که نامی بس نیکو و پسندیده هست؛ نامی که هرکس به این نام نیک آشنا هست و به خصوص رهروان کوی علم و عرفان؛ عاشقانه سالهاست که دنبالش میگشته اند. ولی بدون مبالغه تهیه و گرد آوری اینگونه معلومات جامع و فراگیر و مطابق سیر و حرکت زمان و عصر کنونی هرگز نه تنها که آسان نیست بلکه بسیار هم دشوار و هم زمانگیر و از جانب دیگر تلاش های پیگیر و زحمت فراوان و تلاشهای زیاد؛ مطالعات وسیع و تبحر لازم به علوم متداوله و به خصوص معلومات ویژه به اصول و فنون تعلیم و تربیه و شیوه تدریس را درقبال دارد. خوشبختانه نویسنده این کتاب هر چند یکی از نویسندگان تازه کار درین عرصه هست ولی استعداد خدا داد و نبوغ خارق آن در عرصه های گوناگون شعر و ادب و لغت و فنون ادبی و با آلاخره زحمت کشی های خستگی ناپذیر و مقاومت های دلیرانه آن در شرایط نهایت دشوار زنده گی و اختناق فرهنگی و سیاسی کشور نه تنها که این کاستی را رفع کرده بلکه با بسیار سر بلندی و افتخار توانسته است بسیار خوش بدرخشد و خیلی موفقانه هم این رسالت بزرگ را انجام دهد. که بدینوسیله میخواهم این موفقیت بزرگ و افتخار آفرین را صمیمانه و برادرانه برایش مبارکباد گفته تذکر بدهم که سیدعلی آقامشفق که تخلص عاطفه آفرینش مبین شخصیت مهربان او نسبت به مردم و ملتش میباشد؛ هم صنفی دوره های تحصیلات دوره های ابتدایی و ثانوی ام بوده است که خاطرات شیرین، نیک و نا فراموش شدنی و مانده گارش به مثابه یک شاگرد ممتاز صنف نه تنها در ذهن من بلکه در ذهن تک تک از همصنفی هایم تا هنوز مجسم بوده با قوت و نور تمام میدرخشد.

او که از همان آغاز دوره ابتدایی در مکتب یکی از پروانه گان و شمع فروزان معارف بود آرزو داشت تا بتواند تحصیلاتش را تا سطح تخصص و دکتورا ادامه بدهد. ولی دریغ و درد که اوضاع سیاسی و نظامی کشور نه تنها بر خلاف آرزوهای معصومانه و کودکانه او حرکت نکرد؛ بلکه بر خلاف آرزوی های همه جوانان و نو جوانان کشور به سمت دیگری تغییر کرد و داغ تحصیلات عالی همچنان در قلب مهر آفرین و معصومش باقیماند و آرزوهایش قربانی جنگ ها و بدبختی های شد که همه ملت ما در مورد آنها معلومات کافی دارند که نمیتوان درین مختصر از آنها ذکر کرد. اما سلام بر مشفق و سلام بر اراده آهنین او که هرگز در همه شرایط نهایت دشوار دست از تلاش و کوشش بر نداشت و با ابتکار عمل راه تحصیلات را در پیش گرفت تا اینکه بعد از چندین سال توانست مجددا شامل مکتب شود و اکنون افتخار فراغت را از دارالمعلمین لعل و سر جنگل دارد.

بنا بر این من که خود که یک تن از همصنفی های آقای مشفق هستم افتخار دارم که اقلاً توانسته ام زمینه های تالیپ و تنظیم این اثر گران بها و کم نظیر همصنفی عزیزم را که مدت های زیادی را بخاطر گرد آوری آن زحمت کشیده و از منابع و مأخذ فراوان معتبر و مؤثق حد اعظم استفاده مؤثر را نموده است فرا

هم نموده ام .  
اطمینان دارم که با وصف موجود بودن برخی اشتباهات تاپی و طباعتی اهل معارف و فرهنگ میتوانند ازین اثر دلپسند و سرچشمه زلال اهل علم و معرفت استفاده درست و مثمر نمایند . و سفارش دوستانه ام برای همه علاقمندان این کتاب و بخصوص استادان بزرگوار این است تا مطالعه و استفاده ازین کتاب را که نیاز تدریس و تعلیم امروز هست در سر لوحه کارهای مهم تربیتی و آموزشی شان قرار دهند . تا بتوانند در پرتو کسب دانش های مسلکی شان به مثابه معلمان همپراز جهان کنونی و عصر نوین و قرن نوین شان در جهان عرض وجود نمایند .

با عرض احترام  
سید اکبر "امیری" لعلی  
چغچران- غور

## مقدمه

ظهور انسان در عرصه زندگی با دوچهره آموزنده و آموزش دهنده در عین زمان از شگفتی های خلقت اوست انسان همزمان با تأثیر گزاری در رشد و تربیت دیگران ، در رشد و تربیتش از دیگران ، جامعه و محیطش تأثیر می پذیرد ، این گرایش انسان به یادگیری و یاد دهی قدامت به بلندای تاریخ خلقت خود انسان دارد و آغازین مرحله این نطفه با حضور انسان در گستره حیاتش پیوند خورده است و فرایند یادگیری و یاد دهی از نخستین روز حیات اولین انسان آغاز گردیده است ، بنابراین اولین انسان ؛ اولین یادگیرنده کلاس تکوین و تشریح است در حالیکه اولین یاد دهنده انسان ها نیز بوده است چنانچه با جمله « و علم الادم اسماء... الایه » او یک شاگرد است در حالیکه مأموریت او در انجام رسالتش در قبال سرنوشت فرزندان او اولین چهره یاد دهنده را متبلور می سازد .

با تکیه بر این نگرش به شاگرد بودن انسان در عین معلم بودنش از دیر باز باورمند می شویم و یقین داریم که انسان ها دائماً خواسته و نخواستی در حال تعلیم و تعلم است و این سیر بلاوقفه بشر بر روی ریل آموختن و آموختاندن برای رسیدن به هدف اصلی که همان سعادت دائمی و همه جانبه است ، تعلیم و تربیه سازماندهی شده را به عنوان اصل نیاز های انسانی به دعوت می طلبد چه این که فرایند یادگیری و یاد دهی یک نیاز کاملاً غریزی و طبیعی است و در صورت عدم توجه در رفع نواقص آن ، هر نوع انحراف در آن متصور است ، زیرا به نسبت تحمیلی و طبیعی بودن یادگیری و یاد دهی گاهی بشر در مسیر آموزشش علی الرغم میلش چیز های می آموزد که به جایی تعالی بشر خطرات را متوجه وی می سازد چنانچه حضرت علی ابن ابی

طالب می فرماید: «کقطر المافی الأصداف درأ وفي فم الافاعي صار سماً». «دانش مثل قطره باران است که در دهان صدف گوهر و در دهان افعی زهر کشنده می شود»

سعادت آورترین سیر حیاتی بشر همین برنامه تعلیم و تربیه است در صورتی که از عوامل بیرونی مثل قدرت، گرایش اقتصادی، اهداف مادی و سیاسی... که سیر تکامل یادگیری و یاد دهی را به انحراف می کشد؛ منزّه باشد چنانچه با ظهور رنسانس و شکست زنجیر فلسفه مکتب اسکولاستیک، مشیت های آهین، خشم آلود و منطقی «دیکارت» و اندیشه فوران زده و پرطلامت «بیکن» و قلم سیار و توانمند «ولتر» کنفرانس ها و فریاد های داغ و هیجان انگیز «ویکتور هوگو» اندیشه های فرومانده کشیشان مسیحیت را در انزوای تاریک معابد و اعماق خفقان زده محراب های کلیسا منهزم ساخت و متکی به قدرت یادگیری و یاد دهی «پاپین ها» مهار انرژی بخارا را به دنبال کشید و به استخدام انسان در آورد از دریچه یادگیری و یاد دهی «نیوتونها» پرده از اسرار سحر انگیز جازبه برداشت و «لامارکها» و «داروین ها» موضوع ترانسفورمیزوم و تکامل را بصورت قطع و در قالب حتمی ترین فرضیه علمی به صحنه مبارزات علمی کشید همه نشأت گرفته از همان آزادی علم از بندهای خرافات بود و این انقلاب بزرگ علمی در افوق اندیشه های طوفان زده که اندامشان در زیر شلاق «انگیزسیون» کشیها و دستگاه تفتیش عقاید کلیسا بخود می پیچید، علم را خدای دیگری ساخت و به جای خدای مذهب بر اریکه قدرت دنیای غرب و اروپا خدای تکیه زد که از چشم های او نور الکتریسته می درخشد و قدرت شنوایی اش به مدرن ترین سیستم های مخابراتی شنوا است در حالیکه در دستش چکش صنعت را می فشارد به روی ریل سیاست و اقتصاد ایستاده و به اعماق تاریک آسمان چشم دوخته است و در کنارش فرزندان ناخلف اسرائیل با لغو فرامین ده گانه موسوی به تکریم از این خداوندگار جدید علم زانو زده است.

اما افسوس قدرت این خداوندگار پرصلابت، در خدمت رژیم های مدرن، سروکار انسانیت را تا هنوز با دود و آتش، خون و آهن، مطبخ و مکث در مسلخ نا برابری نگه داشته و هرگز عشق و عاطفه، ایمان و باور نیافریده و ضامین فریادهای «دیکارت» و نطق های آتشین «ویکتور هوگو» نشد و به همین جهت «ویلیام مک دوگال» پس از عمری پژوهش فریاد می زند: «تیره گی های جهان امروز معلول تجاوز علوم طبیعی به همه سرچشمه های زندگی است است» و متفکران هم مانند «راسیل، کاریل، جاندوی، سروکین، هربرت مارکوس و...» معتقدند که علوم طبیعی در سیه سازی روزگار بشر به نسبت انحراف از سیر اصلی اش دست دارد، علم که به قول «پگل» در انحصار قدرت تولید و ابزار سرمایه داری باشد چنین سرنوشتی و چنین وجهه زشت دارد.

لذا توجه، اهتمام و اهمیت دادن به امور علمی به اضافه تربیت آنهم تربیت مبتنی بر ارزش های اسلام که با هر نسلی و هر قرن سازگار است؛ یک ضرورت حیاتی و زیر ساخت تفکر سالم انسانی به شمار می رود زیرا در منطق این دین علم و عالم بر خاک و افلاک، برجان و تن، بر اندرون و بیرون، بر طبیعت و ماورا نظر دارد و از دانشمندان چهره ترسیم می کند که چون «داوود» هم زره بسازد و هم داوری کند چون «سلیمان» هم حصیر ببافت و هم حکومت کند، چون «ابراهیم» هم چوپان خلق باشد و هم رهبر خلق، چون «موسی» هم آب از چاه بکشد و هم ده فرمان آرد، چون «مسیح» هم نجار باشد و هم هدایتگر و چون «محمد» هم کالای بازرگانی این جهان به بازار شام سرنوشت ببرد و هم کالا آن جهان به چهارسوی آرمان انسانیت آرد.

بنابراین قدرت هاباید در اختیار علم باشد، نه علم در اختیار و خادم قدرت زیرا اگر علم خادم قدرت شد از روزه مادی به جهان انسانیت نظر خواهد کرد و آن دید وسیع علمی که در افق

همه ارزش های بشر نهفته است به ظلمت خواهد گرایید ، در صورت که علم مرکب سواری برای قدرت ها گردد و راننده آن سیاست مداران طماع و بی اعتبار باشند به تعبیر پیامبر اسلام : «لعنت بر این مرکب ، سواری و راننده آن » زیرا این علم هرگز ضامن اجرای برادری ، برابری ، مساوات ، عشق ، محبت ، همدیگر پذیری ، لغو مرز های نژاد، مذهب و جغرافیا نخواهد شد.

افغانستان گهواره تربیت و پرورش «مولانا» سرزمین «زرتشت» فریاد گر گفتار ، کردار و پندار نیک ، زاد گاه «سیدجمال» نابغه و متفکر شرق ، پرورش گاه « سنائی ها ، انصاری ها ، سیداسماعیل » و صدها فرزند نیک نام دیگر چرا هنوز در پرده درامه های تراژدی نابرابری و تهی دستی نمایش داده می شود ؟ از ده ها علل یکی هم همین انحصار علم در چنبره قدرت های حاکم وقت بوده که رشد تعلیم و تربیه را در سده های اخیر بویژه «3» دهه اخیر در بحران عقب گرد یا درجاء زدن زنجیر ساخت و نتیجه بس جبران ناپذیر عقب مانده گی را به ملت افغان به ارمغان آورد چنانچه در بستر علم امروز با هیچ کشوری جرئت مقایسه کردن برای ما وجود ندارد تاجایی که بعد از «9» سال روی کارشدن نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اراده و رأی مردم ، هنوز هم چهره تعلیم و تربیه با همان غبار گذشته پوشانده است و نبود مراکز علمی ، کدر های مسلکی و ظرفیت های پذیرش که پاسخ گوی نیاز های موجود و جبران مافات برای فرصت های از دست رفته باشد وجود ندارد ، بدون شك این چالش بزرگ مرهون همان بی توجهی رژیم های گذشته به دور نمایی پر بار تعلیم و تربیه است .

باور دارم امروز هم کاری با تعلیم و تربیه و فعالیت در بهبودی فرایند یادگیری و یاددهی تنها وظیفه وزارت جلیله معارف نه ، بلکه وظیفه همه ماست به ویژه اندیشمندان ، قلم به دستان و صاحب نظران که در عرصه تعلیم و تربیه چیزی می دانند تا با نظریات خود گامی در اعمار مجدد نظام آموزشی موفق بر دارند و در بلنذای آبشار تعلیم و تربیه با موج از احساسات پاک نجات از امروز و رفتن به فردای زیبا و روشن هم گام گردند هر چند حضور شان قطره در دریا باشد باز هم بی اثر نخواهد بود.

برادر و خواهر گرامی :

باور دارم که تدوین کتب و ارائه نظریات در بستر تعلیم و تربیه به صورت علمی آن باید از طریق متخصصین و صاحب نظران صورت بگیرد و این اثر که مولف آن بیشتر از «9» سال تجربه در عرصه تعلیم و تربیه آنهم با تحصیلات پایین و غیر مسلکی ندارد ، هرگز نمی تواند کتاب جامع و موثر برای فرهنگیان و معارف باشد امّامی تواند برای عزیزان که مثل خودم از تجربیات کم در عرصه تعلیم و تربیه برخوردارند و براساس نیاز های امروزی معارف نه براساس مسلک ، وارد صحنه تعلیم و تربیه شده اند زمینه ساز آشنایی مقدماتی و یالاقل آدرس برای شناخت عناصر مهم تعلیم و تربیه باشد ، می دانم که عامل مهم تحقق امر تعلیم و تربیه معلم است و معلم خود وقت از عهده این مهم بر می آید که با خصوصیات یاد دهنده و یاد گیرنده میتود و امکانات یادگیری که همان عناصر مهم تعلیم و تربیه است ، آشنایی کامل داشته باشد چنانچه یکی از موفقیت های معلمین علاوه بر داشتن صلاحیت های عمومی و علمی ، مجهز بودن به ظرفیت های مسلکی ، قابلیت ها و توانایی های حرفه یی است ، بناءً سروران گرامی و اساتید که در سطوح پایین تحصیل و تجربه قرار دارند ، شاید با مطالعه این اثر با ویژه گی های معلم ، شاگرد ، میتود و لوازم تدریسی اگر بصورت غیر مسلکی و تحصیلی هم شده آشنایی مختصر پیدا کنند .

خواننده عالیقدر در جهت انگیزه و تعذیر باید متذکر شد اینکه :



1- عدم تجربه در عرصهٔ تعلیم و تربیه ، قلت بضاعت علمی ، دوری از امکانات فرهنگی ، کتابخانه ، اینترنت ... وچالش های اجباری زنده گی مجموعه عوامل بود که هرگز اجازهٔ درسر پروراندن خیال تألیف کتاب در این زمینه را بمن نمی داد اما شوق و عشق شدیدم به تعلیم و تربیه ناخواسته وادارم می کرد تا در فرصت های مناسب که در محافل و ورکشاپ های آموزشی اشتراک می کردم ویا در خانه کتب را که در مورد تعلیم و تربیه نوشته شده و یا اشاره دارد ، ورق زده و مطالب را که برای شغل معلمی لازم است بیرون نویسم و برای استفاده شخصی تنظیم نمایم به این اساس کتاب حاضر که کار انجام شده برای استفاده شخصی بود ، نه برای چاپ و نشر ، دارای نواقص فنی و مسلکی زیاد است ، امید به دیده عفو و اصلاح مطالعه کنید نه از راه نقد و انتقاد ، زیرا در ادامهٔ این راه به محبت شما از طریق تشویق و همکاری نیازمندیم .

2- اکثراً منابع و مأخذ که تکیه گاه این کتاب بود ، در همین حال و هوایی عدم تصمیم نشروچاپ فراموش شده که وسیلتاً از آنده بزرگان که آثارشان پشتوانهٔ این اثر بود و به نسبت که علتش ذکر شد ، از اسم خود و کتاب شان نام برده نشده باکمال حقارت پوزش می طلبم ، مراببخشند .

3- عدم تسلسل عبارات مطالب و نبود تلفیق و پیوند های ادبی بین جملات و احیاناً مغایرت عناوین قبل و بعد را به حساب کم تجربه گی ما در عرصهٔ نویسندگی بگذارید ، چنانچه گفته اند : « خُدماصفاوَدَع ماکدر » مطالب قابل خواندن را خوانده و از معایب آن صرف نظر نمایید .

4- موضوع این اثر صرف همان آشنایی با صفات و مشخصات معلم ، شاگرد ، میتود و لوازم تدریس است و الزاماً برای معلمین دورهٔ ابتدایی ، متوسطه و شاید هم لیسه قابل استفاده باشد . در اخیر ضمن اینکه من باید مسؤلیت تمام کمی و کاستی های این اثر را شخصاً به عهده بگیرم لازم می دانم که از سه یار و همسنگرم سپاسگذاری کنم .

1- از برادر و همصنفي اندیشمندم سیداکبر «امیری» که ارزنده ترین لحظات زنده گی خویش را که همان فراغت از مشغله های رسمی اش بود ؛ صرف تایپ این اثر نمود چنانچه اخلاق نیکویش به حیث همکارم از دوران «بصیرت» و «دارالهدا» در ذهنم مانده گار است این بار باهمان عواطف دوران همصنفي اش با تشویق و همکاری ام این اثر را از انحصار مطالعات شخصی بیرون آورد و نام زیبایی رفاقت را با این همیاری در دل سنگ فرش های رفاقت مانده گار ساخت .

2- از برادر و استاد اندیشمندم غلام ربانی «هدفمند» استاد دارالمعلمین عالی غور که به پاس رفاقت ها و دوستی ها زحمت تنظیم و اصلاحات تاییپی این اثر را به عهده گرفت ضمن این که سخت مصروفیت کاری و مشغله های فرهنگی داشت مرانیز یاری رساند و از این ره خدمت به تعلیم و تربیه که الحق هدف خودش است ، نمود .

سیدعلی آقا «مشفق»

لعل و سرچنگل / / 1389/

معلم

تعلیم و تربیه

میتود و مواد

شاگرد

مور اگر عرفان بیاموزد سلیمان میشود  
سنگ زیر تربیت لعل بدخشان میشود

بخش اول:

# تعليم و تربيه

## تعلیم و تربیه از دیدگاه قرآن

دین اسلام که درگستره تاریخ با مزایا و اولویت های خاص با درنظرداشت نیازهای کلی و جامع انسان در هر عصر و زمان آمده است با تکیه بر اینکه تعلیم و تعلم زیربنای رشد و تکامل جامعه بشریت است با دستور بخوان (1) آغاز میشود و براینگونه می فرماید اول باید با سواد شد زیبا اینکه بجای اینکه اول بگوید مسلمان شوید میگوید باسواد شوید ، درآینه قرآن وقتی به تعلیم و تربیت نظر میکنیم می بینم که خداوند می فرماید : قسم به قلم و آنچه می نویسید . همه میداند که تحول عجیب و حیرت انگیز زندگی بشر از زمان شروع شد که بر روی کاغذ رد پای قلم رادیدند و همین حرکت قلم بر روی کاغذ و سنگ تاریخ زندگی بشر را از دوران ماقبل تاریخ جداکرد، نوک قلم در صفحه کاغذ در جهت مثبت زمینه ساز تکامل حیات انسان و در جهت منفی سبب تباهی جوامع می گردد زیرا:

قلم حافظ علوم و دانش ها ، پاسدار افکار اندیشمندان ، حلقه اتصال فکری علما ، وپل ارتباطی گذشته و آینده بشر است وقتی ارتباط آسمان و زمین نیز از طریق لوح و قلم حاصل شده است قلم انسانهای را که از نظر زمان و مکان از هم جدا زندگی می کند به دیگری پیوند می زند گویا تمام بشر را در طول تاریخ و در تمام صفحه زمین در یک کتابخانه بزرگ جمع می بینیم. قلم راز دار بشر ، خزانه دار علوم و جمع آوری کننده تجربیات قرون و اعصار است ، واگر قرآن به آن سوگند یاد می کند به همین دلیل است. زیرا سوگند به یک امر مهم و با عظمت یاد می شود سوگند قرآن به قلم تنها به خود قلم نیست بلکه محصول و چکیده های آن راکه همان تعلیم و تربیه است نیز در بر می گیرد، لذا قرآن که سند بدون رقیب اسلام و منبع وحی است برای اهمیت دادن به تعلیم و تربیه به ابزار آن سوگند میخورد تا عظمت تعلیم و تربیه را بیشتر به نمایش بگذارد.

ما از دریای اشارات و آیات که در قرآن در مورد ارزش تعلیم و تربیه وجود دارد به همین یگ آیه اکتفا می کنیم که ((آیا برابر اند کسانی که میدانند با کسانی که نمی داند ؟)) یعنی در فرهنگ قرآن میان آدم باسواد و بی سواد تفاوت از زمین تا آسمان است.

## ارزش تعلیم و تربیه در آینه نهج البلاغه

امام علی (ع) که در مقام علمی وی دوست و دشمن معترف است چنانچه در حدیث از پیامبر به عنوان دروازه شهر علم پیامبر مطرح شده همانگونه از زبان گوهر با وی دریا های حکمت و علوم دینی و دنیای جاری شده بازبان مبارک در یک جمله ارزش علم را بیان می فرماید و می گوید : ((کسی که مرا یک حرف بیاموزد مولا و صاحب اختیار من است (1) این کلام حضرت در حقیقت بیانگر ارج نهادن به ارزش علم است و اگر نه بخاطر شخص این حرف را نمی زند بل برای احترام به عمل نیک شخص که همان تعلیم و تربیه است ، این جمله پراز عظمت را ابراز می فرماید .

نهج البلاغه که بعد از قرآن جامع ترین و کامل ترین کتاب در عرصه های مختلف در زندگی بشر است ، در قسمت های مختلف توجه و اشارات آن مرد نامتناهی بشریت را در مورد علم ، تعلیم و تربیه در قالب خطبه ، نامه و کلمات قصار به آینه دید انسانها می گذارد ، حضرت گاهی بشر را تشویق می کند تا در صرفه جوی وقت و مصرف آن در کسب دانش کوشا باشد و فرصت ها را

نشانه ای از تقوا و ایمان میداند و می فرماید : واز نشانه های پرهیزگاران اینست که ..... دارای ایمان پراز یقین حریص درکسب دانش ، باداشتن علم برد بار است.

از نظر امام سوال کردن و بحث روی مجهولات بویژه درزمینه علمی ارزش بسزای دارد چنانچه می فرماید : (( برای فهمیدن پیرس نه برای آزار دادن ، که نادان آموزش گیرنده همانند دانا است )) آن بزرگوار علی رغم بعضی از خشکه مقدس ها که آموزش و رفتن دنبال علوم این دنیا را مغایر با مقدسات میداند ، تاکید می کند که باید علوم که در نهاد انسان به ودیعت گذاشته شده است با علوم متداول و مروج وقت توام گردد والا موثر نیست چنانچه می گوید : (( علم دوگونه است : علم فطری علم اکتسابی ، علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نیست )) امام بالا رفتن ظرفیت فکری و اندوخته های علمی را در بحث و تبادل نظر میداند و طرفدار سوال از متفکرین و علماست چنانچه می فرماید : « . . . و اگر یکی سوال کردند و نمی داند ، شرم نکند و بگوید نمی دانم ».

بویژه این فرموده حضرت برای یک معلم قابل دقت است ، زیرا موضوع را شاگرد بعنوان سوال مطرح می کند ، بجای اینکه جواب غیر واقعیت به او بدهد باید به او جواب نمی دانم و آماده شدن برای پیدا کردن جواب را بدهد و از سوال و جواب باشاگردان هرگز نباید خسته شد و به آنها جواب باخشونت داد چنانچه فرماید : (( بادانشمندان فراوان گفت وگوکن و با حکیمان فراوان بحث کن . . . ))

در نظر امام حیات جاویدانه گی انسان بستگی به آموزش دارد، آنانکه دارای علم و هنرنند زندگان هستند که بعد از مرگ نیز در میان جامعه حضور دارد و انسان های بی سواد ولو با ثروت و قدرت زندگی کنند در صورت عدم سواد مرده ای بیش نیست چنانچه می فرماید : (( ای کمیل : ثروت اندوزان بی تقوا مرده اند گرچه بظاهر زنده اند ، اما دانشمندان تا زمین بر قرار است زنده اند ، بدنهای شان گرچه در زمین پنهان است ، اما یاد آنها در دلها همیشه زنده است ))

با ارانه این کوتاهی توان گفت از دیدگاه نهج البلاغه تعلیم و تربیه و ثمره آن که همان علم است ارزش بی نهایت دارد.

1

## تعلیم تربیه از نظر پیامبر و امامان

تعلیم و تربیه نیروی مثبت انسانی است از این راه از نظر اسلام بقدری اهمیت دارد که به اندازه آن هیچ عملی را ماجور نساخته اند و گه گاهی می بینیم که در عرصه تعلیم و تربیه معلمین و متعلمین از شهدا که در فرهنگ اسلام نهایت اجرا دارند نیز پیشی می گیرند چنانچه پیامبر فرمود:

1- تواتر<sup>1</sup>

2- خطبه 15/بند 12

3- خطبه 193/بند 16

4- حکمت 320

5- حکمت 338

6- حکمت 82/بند 2

7- نامه 53/ بند 40

8- حکمت 147/ بند

قلم دانشمندان برخون شهدا اولویت دارد و یا امام صادق می فرماید صحبت باعالم ولوصحبت علمی نباشد عبادت است :

به اینگونه اسلام با ارج گذاری که نسبت به ارزش علمادار می خواهد بفهماند که بایی سوادى مخالف است و با فرهنگ و تمدن موافق و از همان آغاز اسلام با کلمه خواندن ، و دستور به آموزش آمد و گفت با علم و کمال خودت را برای مبارزه باجهل آماده سازو با تفکر در برابر خلقت و رفع مجهولات زندگی پیروزشوید امام صادق فرمود ((یک ساعت فکرکردن از عبادت هفتاد سال بالاتر است.

در احادیث که از پیامبر آمده است آنحضرت با جمله ها و عبارات حکیمانه و متکی به وحی تمام قیودات و موانع را از راه تعلیم و تربیه سالم انسان سازو موردقبول عقل برداشته است ، گاهی می گوید ((آموزش در مرد و زن مسلمان واجب است )) تا این نعمت بزرگ منحصر به قشر نباشد می فرماید : ((علم رابیموزید ولو درچین باشد)) یعنی ارزش و اهمیت آموختن بقدری است که فاصله های مکانی نمی تواند عذر برای نیاموختن شود و گاهی می فرماید: ((ازگهواره تا گور علم بیاموزید )) یعنی موانع سنی دلیل براین نیست که انسان نیاموزد و باید خودش را

در هر مقطع به آموختن آماده ساخت و درجای دیگر می فرماید : کلمات حکیمانه رابیموزید ولو از مشرک باشد زیرا در تکامل فکر و رشد استعداد باید از هر منبع درجهت مثبت آن استفاده کرد.

## تعلیم و تربیه از نگاه بزرگان

### زردشت(600\_100)ق م

تعلیم و تربیت باید چنان باشد که:

1- انسان دشمن خود را دوست کند.

2- نادان را دانا کند.

3- از انسان پلید انسان پاک بسازد.

و یا گفتار نیک ، پندار نیک و کردار نیک بار آورید

### ابن سینا بلخی (370\_428)هه

ارزش و هدف تعلیم و تربیه را در پنج نکته متمرکز میدانند ، ایمان ، اخلاق نیک ، صحت ، سواد ، هنرپیشه .

### افلاطون متولد (428) سال قبل از میلاد

تعلیم و تربیه شخص باید طوری باشد که به قضاوت وجدان خویش از گمان اهداف روگردانیده و به عوض آن خود را ربه سابق علم و دانش آراسته سازد و هم صاحب علم و دانش ، شجاعت ، خودنگهداری و عدالت شود .

### امام غزالی (1111\_1058) هه

تعلیم و تربیه که مکفیت زن و مرد است باید بصورت انجام شود که اطفال خود را به اعمال بهتر متوجه نموده و از اعمال نادرست جلوگیری نماید .

### جان آموس کامینوس (1672\_1592) م

تعلیم و تربیه باید از راه حواس پنجگانه ، قوه عقلی و الهام توأم صورت گیرد تا مؤثریت بیشتر داشته باشد.

### ژانژاک روسو (1778\_1712) م

هدف تعلیم تربیه این است که انسان طبعی پروریش یابد چنانچه در ذات خود مخلوق پاک دین است .

### هنریخ پستالوزی (1827\_1742) م

- برای کارگیری از تعلیم و تربیه باید به نکات ذیل دقت شود :
- 1- آموزش از طریق حواس مختلف
  - 2- در آموزش زبان کلمات و نصاب باید با اشیا نمایش داده شود
  - 3- از اجرا ساده شروع تدریجا به اجرا پیچیده درس باید رفت
  - 4- به اطفال فرصت یاد گیری نکات جدید داده شود
  - 5- روش های که استعمال می شود از هدف تعلیم تربیه خارج نشود

### هربارت (1841\_1776) م

وی معتقد بوده که : مغز انسان هنگام ولایت صاف و خاص است ، تصورات به نوبه خود از محیط و ما حول وارد آن می شود لذا تعلیم و تربیه همان راهی است که بهترین تصورات و دانستنی ها را در مغز طفل باید گنجانید. وی در میتود تدریس رویش را پیشنهاد نمود که بنام مراحل منطقی هربارت معروف است که در صورت رعایت آن تدریس از کیفیت خاص برخوردار خواهد شد:

- 1- خود را آماده ساختن : ایجاد انگیزه دروا دار سازی شاگردان به درس.
- 2- پیشکش نمودن موضوع : ایجاد رابطه بین درس گذشته ودرس جدید و تقدیم درس نو.
- 3- یکجا کردن : برشماری نکات مشترک و مفید درس گذشته ونو وتکرار آن.
- 4- عمومیت دادن : دسته بندی درس و خاص نمودن ونتیجه گیری.
- 5- موارد استعمال : آگاهی دادن شاگردان به اینکه این درس درکجا مورود استعمال دارد ودادن کار خانگی

## اهداف تعلیم و تربیه

- میدانیم که تعلیم و تربیه مثل هر فعالیت و کار دیگر بدون هدف نیست و به صورت کل از لا به لای سیر در جریان تعلیم و تربیه می توان خلاصه از اهداف آن را چنین نوشت.
- 1- عضو سالم جامعه را پرورش میدهد.
  - 2- تربیت افراد متخصص اقتصادی در زمینه های انکشاف برنامه های کشور.
  - 3- پرورش افراد بشر دوست، صلح طلب دانسته به ارزش های انسانی.
  - 4- تربیت افراد فرمان بردار ، قانون پذیر تطبیق گر قانون و مبارزه با تعصب .
  - 5- پرورش افراد متعهد به ارزش های ملی و سرمایه های تاریخی و فرهنگی کشور.

## تعریف تربیت

هنوز هم دردنیای تعلیم و تربیه فلاسفه ودانشمندان تعریفی جامع ، کلی و مورد قبول همه رادرزمینه تربیت ارائه نکرده است اما آنچه تاهنوز میتوان از آن به عنوان یک تعریف نسبتاً کلی برای تربیت ارائه نموداینست :

تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها وعوامل برای شکوفا کردن وبه فعلیت رساندن استعداد های با القوه انسان و حرکت تکامل او بسوی هدف مطلوب ، ومنطقی براصول معین برنامه ای منظم وسنجیده.

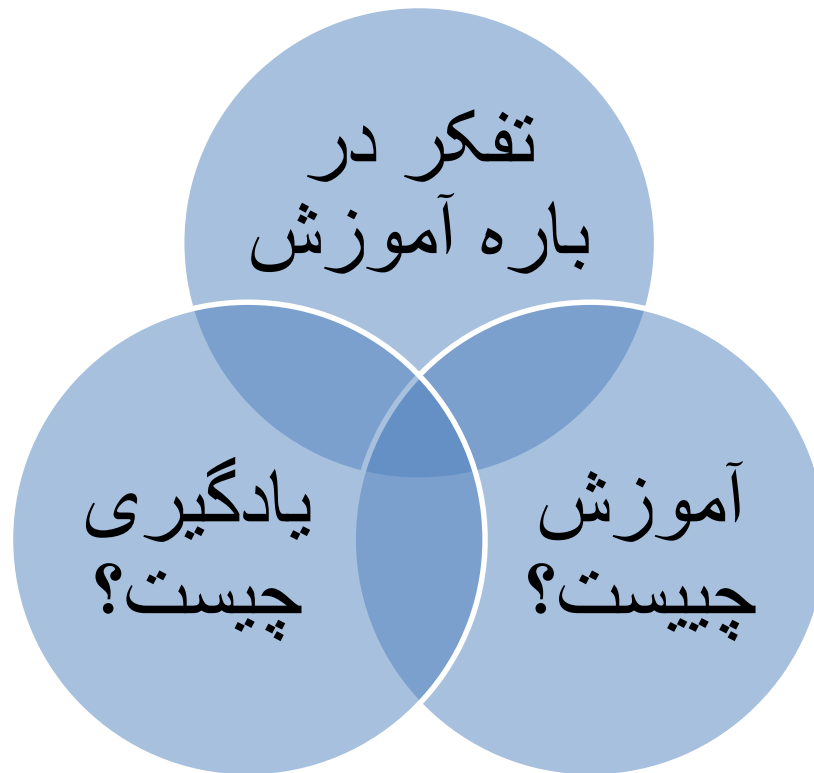
## تعریف تعلیم

در لغت به معنی : آموختن ، آگاه شدن، آموزاندن است : و در اصطلاح نصاب تعلیمی کوشش است که معلم برای انتقال معلومات خاص به شاگردان بکارمی برد که بستگی به ظرفیت علمی ، مهارت ومحتوای درس دارد. راز طرقی و شرط تحقق آن آگاهی وشعورمتعلم است .

## ارتباط تعلیم و تربیت



ظاهراً هر دو کلمه را یکجا بر مرادف هم استعمال می کنیم اما در حقیقت هیچ وقت نمی توان هر دو را یک معنی کرد زیرا تعلیم جزئی است که تربیت بصورت کل برای آن مطرح است و یا تعلیم با پلان درجه و زمان مشخص صورت میگیرد و تربیت ساحه وسیع زمانی ، مکانی و فراتر از محدوده انسان را شامل می شود



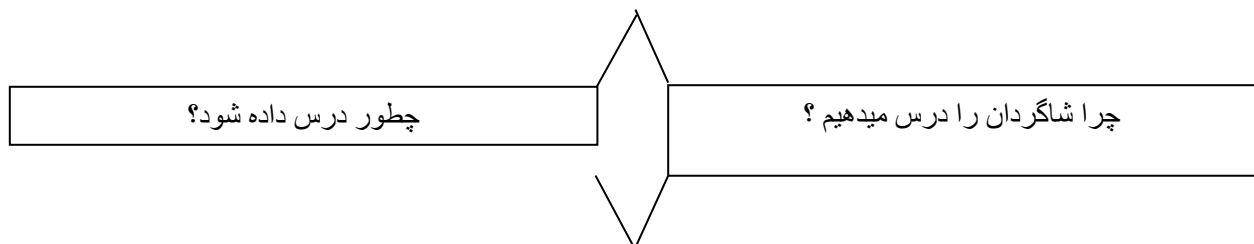
**آموزش چیست؟**

- 1- انتقال دانش آموزش است.
- 2- آموزش عبارت از تغییر سلوک مثبت در شخص

**یادگیری چیست؟**

- 1- تغییر سلوک و توانمندی در کار
- 2- یادگرفتن از محیط و ماحول زندگی
- 3- فعالیت های ممکنه در تغییر سلوک

**چهار اصل اساسی تعلیم :**



- ج 1 - بخاطر عدم معلومات در مغز شاگردان ، فراگیری سواد برای آنها و ساختن نیروهای فعال آینده جامعه.
- ج 2- درس بشکل ساده و عوام فهم، با پلان درس و شکل دوجانبه درس داده شود.
- ج 3 - مسایل قابل استفاده و موضوع درسی مفیدنه موارد اضافه.
- ج 4 - به شاگردان که ضمن اقتضای سنی برای فرا گیری آماده اند و نیاز به رهنمای دارند.

## آموزش و اهمیت آن در زنده گی انسان ها:

### آموزش چیست :-

آموزش ابزار است که انسانها به وسیله آن به زنده گی حرفه ای خود رونق میدهد و آینده را مطابق به میل و آرزوی خویش مهار میکند و برآن تسلط میابد.

یا به عباره دیگر آموزش یعنی یاد دادن برای یاد گرفتن مطلب یا موضوع به قصد تغییر .

آموزش یا درس دادن و به تعبیر بهتر یاد دادن و یاد گرفتن امری است که همه انسانها به نحوی به آن درگیری

داشته اند ، درگیر دارند و در گیری خواهند داشت چون هیچ گاه زنده گی انسانها خالی از آموزش نیست و هیچ انسان را نمیتوان یافت که یاد نگرفته باشد و یا یاد نداده باشد .

زیبای زنده گی هم در این است که انسانها مدام در حال یاد دادن و یاد گرفتن هستند یاد دادن و یاد گرفتن یعنی زنده بودن، هر قدر یاد دادن ها و یاد گرفتن ها بهتر صورت بگیرد زنده بودن معنا دار تر و از ارزش مند تر میشود.

زنده بودن ، معنا یعنی لذت بردن از زنده گی در تمام دوران حیات میباشد .

دانشمندان بزرگ تعلیم و تربیه را عقیده بر این است که آموزش تنها وسیله ای است که انسان در اختیار دارد

و به کمک آن میتواند به زنده گی یومی و حرفه ای خویش رنگ مثبت بدهد و توسط آن آینده را بسازد.

دانشمندان را عقیده بر این است که بدون آموزش انسانها بدون آینده است در جاهای که به آموزش کمتر توجه میشود دیده شده است که از کاروان تمدن بشریت خلیها فاصله دارند و بیشتر در رنج و تنگ دستی ، فقر و گرسنگی به سر می برد .  
این یک حقیقت مسلم است که انسان را عوامل و عناصر محیطی چون اشیاء انسان محیط طبیعی و اجتماع احاطه نموده است فلها هر انسان در ارتباط به عناصر اطراف و ماحول خویش قادر به زنده گی کردن می باشد.  
انسان در صورتی میتواند نیاز مندی های خویش را به طور کامل مرفوع سازد و به دست آورد که در خصوص تمامی عناصر ماحول خویش معلومات کافی در اختیار داشته باشد که این کار از طریق آموزش لازم و خوب مسیر شده میتواند.

## تاریخ چه پیدایش آموزش:

در مواقع که هنوز زبان به مثابه گفتار شکل نگرفته بود انسانها ناچار باحرکت دادن سر و دست یا بدن خود منظور و مقصد خود را به یکدیگر منتقل می ساختند که این عمل می توانست در همان وقت نقش خود را به مثابه یک آموزش ایفا کند.  
متعاقباً که زبان به مثابه گفتار شکل گرفت انسانها توسط زبان باهم بشکل خیلی ابتدای آموزش رابخاطر رفع نیازمندیهای گروهی ابتدای انجام میدادند تا اینکه انسانها به منظورارتباط بیشتر باهم وتفهم ومفاهیم درانجام امور متعدد واصوات را به کار گرفته وبه صورت بیان باهم تکلم می نمودند.  
زبان وگفتار ابتدایی برای انتقال مفاهیم وارتباط بین افراد وامکان انتقال معلومات ودانستنی ها راتحاد آسان ساخت . اما این انتقال مفاهیم بصورت شفاهی صورت می گرفت که ازین طریق امکان نداشت که مفکوره ای را به نسلی دیگرانتقال وارتباط بدهد این امر سبب شد تا مربیان ومعلمین اولیه به فکراین بیافتند وروش زنده گی رابشکل حفظ به آینده گان منتقل سازند از انتقال گفتار هم چون وسیله بین نسل موجود ونسل آینده بکار گیرند به این اساس کم کم تصاویری بجای هر کلمه ومفهوم ساختن که نخستین خط وزبان نوشتن به وجود آمد .  
برای اینکه خط دربالای شی حکت شود ویا ضبط شود تا انتقال آن آسانتر گردد از سنگ های صیقل داده شده ویا پوست حیوانات کاری گرفتند که برای اولین بار درتاریخ به عنوان وسیله گروهی ارتباط بکارگرفته شد ونقش بزرگ را درامکان آموزش وارتباط بین گروهی وسیع تر در زمان حال وآینده به عهده گرفت وازآن به بعد خواندن ونوشتن وحساب درزنده گی اجتماعی مردم ومبادلات وارتباطات روزانه اهمیت پیدا کرد وازهمین به بعد ارتباط میان معلم وشاگرد بشکل درست آن به میان آمد  
هرچه تاکنون پیرامون آن بحث نمودیم این بود که آموزش اولیه همان انتقال مفاهیم واهداف ذریعه اشاره بعداً ذریعه گفتار وسپس بشکل حفظ مفاهیم به آینده گان منتقل میگردد.  
بعد از اوایل قرن بیستم مخصوصاً پس از جنگ جهانی اول بعلت گسترش ارتباطات جهانی اکثر کشورهای جهان آموزش رابطور رسمی به عنوان یک امر مهم وسازنده پذیرفتند.

## آموزش از دیدگاه نظریات

ما ، زیر همین عنوان به مراحل گوناگون رشد آموزش و پرورش در عده ای از کشور های جهان بطور خلاصه اشاره می کنیم رشد که فلاسفه ، دانشمندان ، طراحان و معلمان بزرگ در مراحل مختلف بر حسب ضرورت مطرح و عمل کرده است که نتیجه نظام کنونی آموزش و پرورش حاصل چنین روندی است.

### 1 - آموزش از نظر ژان ژاک روسو:-

ژان ژاک روسو در سال ( 1712 ) در ژنوبه دنیا آمد و از فلاسفه مشهور قرن هجده هم به شمار می آید او معتقد است که انسان طبیعتاً پاک ، درست و نیک است و در جامعه و در ارتباط و معاشرت با دیگران به فساد و تباهی درمی آید فلذا آموزش و پرورش که هدف آن تأمین سعادت فرد باشد باید به اساس طبیعت اصلی استوار باشد.

### 2 - آموزش از نظر دیدرو:-

دیدرو درباره دانشگاه می گوید ، دانشگاه مؤسسه آموزشی عالی است که درب آن به روی همه افراد ملت بدون هیچگونه تبعیض و استثنا باز است، از نظر دیدرو آموزش باید اجباری و همگانی باشد، دیدرو محرومیت طبقات ضعیف جامعه را از آموزش و پرورش، تجاوز به حقوق انسانی میداند تقسیم آموزش به سه مرحله ای ابتدای، متوسط و دانشگاهی یا عالی از جمله طرح های آموزشی این فیلسوف است.

### 3 - آموزش از نظر باز دو:-

ژان برنارو باز دو در سال (1723) در شهرها مبورگ آلمان بدنیا آمد او در مورد آموزش و پرورش به این نظر بود که آموزش و پرورش نباید جنبه اکراه و اجبار داشته باشد و نه وسیله ای برای مکتب و فلسفه باشد باز دو تصمیم گرفت تا آموزش را با بازی و تفریح توأم کند ، باز دو با شاگردان خود به تفریح می پرداخت و با نشان دادن چرخها، حرکت های دورانی و نتایج آنرا برای شاگردان بیان میکرد او مفاهیم هندسی مثل سطح و حجم را با نشان دادن اشیا اطراف تفهیم می نمود و برای حساب از شمارش دانه گندم و نخود کاری گرفت و حواس شاگردان را به کاری انداخت

### 4 - آموزش از نظر کندر سه:-

کندر سه در سال (1743) در شهر آتن بدنیا آمد به اعتقاد او آموزش از اصول مسلم عدالت اجتماعی است بر اساس چنین اعتقاد پیشنهاد کرد که سازمان آموزش باید از نوسانات سیاسی و مذهبی برکنار باشد و با در نظر گرفتن اصول و آزادیها ی عقیده و فکر برای عموم مردم در همه سطوح مجانی باشد از همه نظریات آموزشی نظریه کندر سه کامل ترین و انقلابی ترین نظریه محسوب میشود.

### 5 - آموزش از دیدگاه ژان فردریک هر بارت:-

هر بارت متولد سال (1776) از مشهورترین مربیان آلمان در اواخر قرن هجده محسوب میشود. او معتقد است که استعداد ما در زاد وجود ندارد و اصولاً روح انسان در اصل هیچگونه تمایل ، احساس و اندیشه ندارد، کودک در آغاز تولد فاقد اراده میل به عمل و مکاشفه ذهنی است او می گوید شعور در نظر من همه چیز و هیچ چیز است ، همه چیز است زیرا در محلی قرار دارد که

همه اعصاب به آنجا منتهی میشود هیچ چیز است زیرا با وجود اشغال بهترین موقعیت ها در بدن انسان حکم صحنه نمایش حالی را دارد.

از نظر هاربارت افکار بتدریج از خارج به سطوح حساس ضمیر کودک نقش میبندد بنا براین آموزش و پرورش عبارتند از جمع آوری و ذخیره کردن معلومات و اطلاعات در ذهن کودک او معتقد است که آموزش همیشه مقدم بر تربیت است ، او می گوید که هر فرد دارای خصوصیات و شرایط منحصر بخود است بنا براین نمی توان همه افراد را یکنواخت تربیه کرده . او می گوید اگر آموزش در آغاز به علت بی تفاوتی معلم بصورت کار خسته کننده و رنج آور تلقی شود هیچ نتیجه ای نخواهد داشت.

## 6 - آموزش از دیدگاه جان دیویی :-

دیویی متولد سال (1859) و از متخصصان آموزش است از نظر او آموزش عبارت است از ارتباط با دنیای خارج فلذا چگونه میتوان این ارتباط را با عدم تحرک و سکون برقرار کرد، او میگوید در کنار دیدن و شنیدن بکار انداختن شاگرد ضرورت است و شاگردان باید بدونند ، فریاد بکشند، کار کنند و همیشه در حال جست و خیز باشند چون رشد شخصیت کوکرو رشگوفای آن جز در چهارچوب دموکراسی امکان پذیر نیست.

او معتقد است که دموکراسی اگر بر مبنای سکون و عدم تحرک پایه گذاری شده باشد ارزش ندارد چون نظم و تربیت به معنی نشستن و بی حرکت ماندن نیست و باید بهر طریق برای آموزش برای شاگرد رغبت ایجاد شود.

## 7 - آموزش از نظر ماکارنکو :-

انتوان ماکارنکو متولد سال (1888) در روسیه است او عقیده داشت که عاطفه و دلسوزی نباید در کار نظم و انضباط خلل وارد کند او نسبت لزوم فرمان برداری رعایت سکون و آرامش تاکید دارد و بر عکس نظریات دیویی علیه آزاد یهای بی بند و بار شاگردان مخالفت کرد و شلوغ کردن ، سرو صدا راه انداختن و شکستن شیشه و وسایل را توسط شاگردان را به بیماری صرع کودکان توجه کرده لازم نمی دانست و حمل بردموکراسی واقعی شاگردان نمی کرد.

## تعریف یادگیری:

عبارت از تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده است که از طریق تجربه بمیان می آید و لذا می توان گفت فعالیت که دارای این چهار ویژگی باشد یادگیری است

1- تغییر ایجاد کند.

2- پایدار باشد نه مقطعی .

3- در رفتار بالقوه تغییر ایجاد کند نه در رفتار و بالفعل.

4- بر اساس تجربه استوار باشد نه آبی و زودگذر.

## یادگیری و اهمیت آن

### یادگیری چیست ؟ :-

به عقیده روان شناسان یادگیری تغییری است که بر اثر تجربه یا آموزش در رفتار موجود زنده پدید میآید و به طور مستقیم قابل مشاهده و اندازه گیری نیست بلکه از تغییرات رفتار استنباط میشود.

در این تعریف مهم واژه که نظر را جلب میکند واژه تغییر است بدین معنی که رفتار فرد تا زمانی که چیزی را نیاموخته باشد با زمانی که چیزی را آموخته باشد متفاوت است بناً میتوانیم بگوییم که دیگرگونی های که نه تواند تغییر در رفتار داشته باشد یادگیری به شمار نمیرود. با وجودیکه هیلگارد روان شناس معروف یادگیری را دارای دو جنبه می داند جنبه عملی و جنبه نظری اما تصریح میکند که یادگیری فقد از جنبه عملی حاصل میشود بعضی روانشناسان یادگیری را دیگرگونی های نسبتاً پایدار در توانای ، گرایش و یا ظرفیت پاسخ دهی عنوان میکنند اما عده ای از روانشناسان عصب گرا، یادگیری را ساختار فیزیولوژی اعصاب میدانند که از استعداد ابزار پاسخ به میان میآید و ظاهری شود ، بناً هر چه تاکنون پیرامون تعریف یادگیری توضیح نمودیم طور ذیل تشریح میکنیم :

- 1 - یادگیری تغییر نسبتاً پایدار در رفتار است.
- 2 - یادگیری پدیده ایست که سبب تغییر در رفتار میشود بطور مستقیم قابل مشاهده و اندازه گیری نیست بلکه از تغییرات رفتار استنباط میشود.
- 3 - یادگیری تغییرات که بر اثر تجربه و یا آموزش در رفتار موجود زنده پدید میآید.
- 4 - یادگیری فرآیندی است که بوسیله آن انسان رفتار خود را در نتیجه یک تجربه تغییر میدهد.
- 5 - یادگیری دیگرگونی های نسبتاً پایدار در توانایی ، گرایش یا ظرفیت پاسخ دهی است.
- 6 - یادگیری تغییر نسبتاً پایدار بالقوه است که از تجربه ناشی میشود و نمیتواند آنرا به حالت های موقتی بدن مانند هر آنچه در اثر بیماری خستگی یا مصرف دواها ایجاد میشود نسبت داد.
- 7 - یادگیری تغییر نسبتاً پایدار بالقوه است که از نتیجه تمرین و تقویت شدن ایجاد میشود.

## مراحل یادگیری

هر بارت به این عقیده است که در یادگیری مراحل منظم و ابسط به یگدیگر وجود دارد بناً معلم موفق و توانا باید تمامی این مراحل را بشناسد ، به نظر او تدریس وقتی موثر است که این مراحل بدقت رعایت و انجام شود.

### 1 - مرحله آمادگی :-

برای اینکه افکار و تصورات مربوط به موضوع درس در وجدان آگاه شاگردان ایجاد گردد معلم باید به تکرار بیان و آموخته های قبلی ، آماده گی دریافت مطالب جدید را در شاگردان فراهم آورد، اگر معلم در خصوص خورشید درس میدهد قبلاً باید درباره فواید نور خورشید به شاگردان معلومات بدهد.

### 2 - مرحله عرض مطلب :-

معلم که مطالبی را پیرامون خورشید به شاگردان تدریس میکند لازم است تابا الفصل خورشید را به شاگردان نشان بدهد و برآمدن آنرا به شاگردان مجسم کند و برای شاگردان فواید نور آنرا بگوید و بعداً به حل مسایل پلان شده یش بپردازد،

### 3 - مرحله مقایسه و تجرید:-

اگر معلم و مرحله نخست را به خوبی انجام داده باشد شاگردان مشاهده میکنند که در این مطالب جدید و مطالب که قبلاً آموخته است شباهت های وجود دارد از این دو تصورات قدیم در ذهن یا وجود شاگرد باهم ارتباط پیدا میکند و به علت وابستگی شباهت طبیعی به یکدیگر پدید می یابد شاگردان درین جا باید ماهیت عوامل مشترک را که بین دودسته مطالب جاذبه طبیعی بدهد دریابند ، برگزیدن و جورکردن عوامل مشترک را تجربه گوید.

### 4 - مرحله تعمیم :-

دراین مرحله شاگردان میکوشند که عوامل مشترک میان آن دودسته مطالب را بصورت اصل یا حکم کلی بیان کند.

### 5 - مرحله کاربرد :-

دراین مرحله اصلی تازه های که آموخته شده است برای توضیح مطالب بیشتر و یا حل مسایل که مربوط به خورشید است بکارمیرود.

این کار را از راه تعیین وظایف خانه گی و یا حل مسایل میتوان انجام داد معلم درین مرحله ممکن است بعضی از سوالات را درمورد ی خورشید مطرح کند و یا انیکه بواسط حل مسایل موضوع را بیشتر تحقیق نماید.

بادر نظر داشت اهمیت مراحل یاد گیری پیروان ها ربارت می کوشد این مراحل را به عنوان روش کل تدریس به کاربرد و به معلمان و آموزگار ان یاد آوری میشود که از نقش کارساز ایجاد علاقه در شاگردان برای پیشرفت یادگیری غفلت نوزند.

## یادگیری از دیدگاه نظریات:

ما پیرامون رفتار گرای که اساسی ترین و مهمترین اصل یادگیری به شمداد می رود نظریات چند تن از برجسته ترین دانشمندان را می نویسیم .

### 1 - نظریه جان واتسون :-

جان واتسون روانشناس معروف امریکای (1878- 1958) فرد مقدم در نظریه رفتار گرای است او با مفاهیم ذهنی در پژوهشهای روانشناسی مخالفت ورزید او معتقد بودکه در روان شناسی مانند علوم دینی و تجربی رفتارمدرک عمل با شد وازارزش های عینی بهره جوید وهر امرکه مشهور ومحسوس نباشدبایدازمتن روان شناسی خارج گرددفقده رفتاریکه جنبه عینی داردمو ضوع اصلی روان شناسی واقع شوومنظور اوازررفتارهرگونه کنش وواکنش فعل وانفعال است که ازوجود زنده سرمی زند

راتسون باکلمه وراثت مخالف است اوهمواره به نقش سازنده وپراهمیت محیط درتکوین شخصیت اصلی،عقلی،اخلاقی،اجتماعی وعاطفی افراد اشاره میکندتا جایکه تضمین میکنم که بدون دخالت کلمه وراثت آبا و اجدادش ازآنها داکتران ورزیده ، روانشناسان معروف ، حقوقدانان ماهروحتی دزدان آدم کشان چیره دست تربیت کنم ، واتسون معتقد بود که تنها بااعمال قابل مشاهده میتوان ، علم رفتار،راندازه گرفت.

## 2 - نظریه اروین ری گاتری :-

(1946) این نظریه پرواز رفتار گرایی عقیده دارد که رفتار از ترکیب پیچیده حرکت های خاص به وجود می آید که آنرا عمل مینامند، نظریات اروین بر مبنای مطالب ذیل استوار است.

الف: توانایی:- گاتری تفاوت های فردی را در یاد گیری مهم و کار ساز میدانند و یا به عبارت دیگر اشاره به ابعاد مختلف شاگرد و تفاوت های فردی وی دارد.

ب: تمرین:- گاتری تمرین و تکرار مطالب را برای استحکام مطالب و تعمق آن مورد تایید قرار میدهد و عقیده دارد که مهارت ها از رشته عادت ها تشکیل یافته است . وی معتقد است که اگر چه هر یک از واحدهای بنیادی عادت با یکبار آموختن شکل میگیرد اما یادگیری به اثر تکرار به خوبی پیشرفت میکند.

ث: انگیزش:- انگیزش میتواند پاسخ درست را محکم و از ضعف آن بکاهد.

ت: ادراک:- ادراک زمانی حاصل میشود که بر مبنای آماده گی ها استوار باشد.

ج: انتقال:- برای اینکه بتوان در موقعیت های گوناگون عمل نمود باید به موقعیت های گوناگون تمرین کرد.

چ: فراموشی:- همه فراموشی ها از نتیجه یادگیری های جدید ناشی میشود که جانشین پاسخهای پیشین می شود، چون مهارت ها به تدریج آموخته می شود، فراموشی نیز به صورت تدریجی پدید می آید گاتری معتقد است که موضوع آموزش خصوصی و عمومی که باید هر وظیفه ای را به کوچکترین جز یا واحد آن تقسیم کنید سپس آن جز را آموزش بدهید، در چگونگی پایان درس معتقد است که هرگز به شاگرد اجازه ندهید که با پاسخ نادرست و نتیجه مبهم صحنه یادگیری را ترک کند و همیشه بکوشید آخرین پاسخ برایش پاسخ درست و مطلوب باشد.

## 2- نظریه ادوار ثوراندایک:

1968 این روانشناس امریکای معتقد است که رفتار مشهور معلول محرک های درونی است تا بیرونی ، به این معنی که محرک های درونی موجب کشش های شوند و موجود زنده را به فعالیت وا میدارد اما بطور کلی در امر یاد گیری عوامل درونی ، بدنی و روانی هر دو دخالت دارد و یاد گیری این دو موارد را به صورت های گوناگون به یکدیگر پیوند و ارتباط میدهد ، در یادگیری ممکن است عامل روانی با بدنی ، بدنی با روانی، روانی با روانی و بدنی با بدنی پیوند و وابستگی پیدا کند.

## قوانین ارایه شده توسط ثوراندایک قبل از سال (1930)

### 1 - قانون آماده گی :-

این قانون شامل آماده گی بدنی یا روانی فرد برای آغاز هرگونه فعالیت است که دربرگیرنده ای سه موضوع است.

الف : شاگردانی که آمادگی دارد آموختن یا فعالیت های مربوط به یادگیری برای آنها خوش آیند و دارای نتایج تحصیلی موفقیت آمیز است.

ب: اگر شاگرد برای فعالیت آمادگی ندارد و مجبور به آموختن گردد به احتمال زیاد نارضایتی و دل زدگی از کار موجب ناکامی تحصیلی او میگردد ، ثوراندایک معتقد است که آمادگی هم به رشد طبیعی و هم به تجربه شاگردان بستگی دارد.



پ: اگر شاگردان آمادگی نداشته باشد خستگی و بی میلی به آنها غلبه میکند و در نتیجه به آموختن پیشرفت ندارد.

## 2- قانون تمرین: -

در تحکیم پیوند محرک و پاسخ تمرین کردن اثر مستقیم دارد یا به عبارت دیگر به اساس این قانون هر قدر محرکی که پاسخ رضایت بخش به دنبال دارد بیشتر تکرار شود رابطه محرک و پاسخ استوار تر و پایدار تر میشود اما اگر تمرین نشود این رابطه سست و کم کم از بین میرود.

## 3- قانون گیرائی یا اثر:-

مهمترین قانون یادگیری قانون گیرائی است که از نظر یادگیری متضمن موفقیت و نتایج ثمر بخش برای شاگردان است ، ثوراندایک عوامل تقویت کننده را در یاد گیری مطلوب و موثر میدانند هرچه جایزه ( پاداش) و تقویت مثبت و بیشتر باشد پیوند محرک و پاسخ قویتر و یاد گیری بهتر انجام می شود بناء معلمان از پاداش دریغ نورزند.

## چگونه میتوان زمینه یادگیری بامعنی رامساعد ساخت؟

- 1 - معلم باید اصول وقوانین مهم نظریه های یادگیری رابداند وآگاه باشد که درچه شرایطی یادگیری آسان ترانجام میشود.
- 2 - معلم شاگردان راطورفعال اکتیف نگهدارد که باتکرار وتمرین مثبت به درک مفاهیم اساسی به پردازند.
- 3 - هدف ازآموزش این است که شاگردان تفکر منطقی پیداکنند وما نند یک مورخ ومحقق موضوع رابرسی وتحلیل نمایند.
- 4 - معلم باید زمینه های اجرای وسوال و جواب را دربین خود وشاگرد فراهم سازند.
- 5 - یکی ازشرایط اساسی یادگیری آماده گی ودارابودن رشد وتسلیط کافی درزمینه های مختلف بدنی ، اقلیمی واجتماعی است که معلم باید درآغاز درس این خصوصیات رادرشاگردان درنظرداشته باشد.
- 6 - نقش مسئولیت که شاگردان و یاگیرنده درجریان یاگیری وعهده میگیرد.
- 7 - دریادگیری بامعنی معلیمین به شاگردان کمک مینماید تا بتواند آنچه راکه درمکتب وپا درهر فعالیت تربیتی دیگر فراگرفته است. دربرخورد با موقعیت های جدید و وسایل تازه آنها را درمعرض اجرا بگذرد.
- 8 - معلم باید مهارتهای دیدن،خوب شنیدن،خوب فکرکردن وخوب استدلال کردن را بیآموزاند.
- 9 - معلم باید به شاگردان تفهیم نماید که از مطالب عمده و کلیدی درجریان درس برداشت تهیه نمایدودرزمان معین آنها را مرور نمایند.
- 10 - معلم باید به ایجاد جذبہ وشوق وكوشش شاگردان به درک مطالب توجه خاص به خرج دهد.
- 11 - معلم باید متعلیم را دربرابر ندانیستنیها قرار بدهد تا خودی متعلیم به عشق وعلاقه دانیستنیها را کشف نماید، متعلیم اگر این مطلب را از دیگران کشف کند مانع کشف او از دانیستنیها میشود.

12 - معلم باید درخصوص یادگیری دوجه دو یا گروهی توجه نماید تا شاگردان به پیروی از این شیوه خصوصیات تعاون و همکاری را بیاموزند.

### نکات مهم همکاری به یادگیری

- 1 - دریافت گزارشها.
  - 2 - تقسیم موضوعات.
  - 3 - مشخص کردن تفاوت ها.
  - 4 - مشخص کردن شباهتها.
  - 5 - توجه پیرامون خلاصه نویسی.
  - 6 - پیش بینی و تحلیل آینده.
  - 7 - حل مسایل.
  - 8 - فرصت برای ابراز عقاید
  - 9 - ارتباط میان موضوعات درس.
  - 10 - درک انتظارات شاگردان.
  - 11 - راییه مفاهیم بصورت آشکار.
  - 12 - تدریس با استفاده از هوش هفتگانه.
- نوت: مراحل هم یادگیری: از صفحه های اخیر در این جا آورده شده از بخش طفل و شاگرد.

زنده گی در صدف خویش گهر ساختن  
در دل شعله فروریختن ونگداختن است  
مذهب زنده دلان خواب پریشانی نیست  
از همین خواب جهانی دیگری ساختن است

"اقبال"

بخش دوم:

معلم

معلم و ارزشش در جامعه

## تعریف معلم:-

معلم مهمترین عامل ایجاد کننده، شرایط مطلوب یادگیری و یادهی است که بعد از شاگرد دومین عنصر واریده مهم نظام آموزشی و پرورش به شمار می رود و کار معلم غنی سازی فرهنگ است یا به عباره دیگر معلم همکار اول یادگیری شاگردان است، صحبت آموزشی امکانات وسیع را فراهم می کند، زمینه را مساعد میسازد و طریقه آموزشی را نشان میدهد. و یا به عباره دیگر معلم کسی است که آموزش را بصورت فردی و دسته جمعی انتقال می یابیه و در سلوک و روش شاگرد تغییر مطلوب و مثبت را رونما می سازد ویا معلم کسی است که با استفاده از اصول تدریس معلومات خود را در دماغ شاگردان انتقال می دهد و بلاخره معلم مدرس علوم ارزشمند است.

- الف: برای چه تدریس و رهنمایی می کند؟ (هدف)  
ب: چی را تدریس می کند؟ (موضوع)  
ج: برای که تدریس می کند؟ (شناخت شاگرد)  
د: چطور تدریس و رهنمای میکند؟ (اصول تدریس)

## اهمیت معلم از دیدگاه نظریات

فران یر دانشمند معروف آموزش و پرورش می گوید: معلمین ستون فقرات آموزش به حساب می آید لذا تعیین انتخاب معلم کار مشکل است چون معلم نباید مثل یک دائرةالمعارف و بانک اطلاعاتی در اختیار شاگردان باش بلکه همکار شاگردان باشد چون معلم عامل یاد گیری نیست بلکه سبب یادگیری است.

پروفیسور آن آل گیچ میگوید: یقیناً هیچ فردی غیر از معلم تأثیر نمیتواند بیشتر بر آنچه در مکاتب ما میگذرد داشته باشد چون معلم قدرت جادویی دارد و کاری که او میکند از عهده هیچ کس شدنی نیست.

قدرت درمان جادویی معلم رادر گزارش کمیسیون بین المللی آموزش و پرورش برای قرن بیست ویکم می خوانیم درین کمیسیون برگزیده گان آموزش و پرورش و مشاوران برجسته چهار گوشه جهان چهار درمان جادوی معلم را برشمرده اند و فیصله خودرا تحت عنوان چهار ستون آموزش و پرورش به سازمان یو نسکو توصیه کرده اند.

1- یاد میدهد تا بداند: اولین درمان جادویی معلم این است که به شاگردان این زمینه رامساعد می کند که در حین خرد سالی بعنوان فردای جامعه قدرت، دانش و آگاهی را افزایش می دهد.

2- یاد می دهد تا دانستنی ها را بکار گیرد:- دومین قدرت جادویی معلم اینست که به شاگردان این زمینه را مساعد می سازد و یاد می دهد تادر انتخاب حرفه فردای خویش دچار مشکل

نشوند و کار و حرفه خویش را به اساس توانمندی های فردی خویش که تضمین زنده گی بی سروصدا فردا باشد انتخاب نمایند.

3- یاد می دهد تا زنده گی کند:- سومین درمان جادویی این است که به شاگردان یاد می دهد تا در آینده بصورت پاک ، بی آرایش و سرشار از رضایت زند گی کند.

4- یاد می دهد باهم زنده گی کند:- چهارمین درمان جادویی معلم این است که یاد میدهد و این زمینه را مساعد می کند تا شاگردان در زندگی آینده بصورت مسالمت آمیز باهمی و آبرو مند زنده گی کند.

### بیانید اهمیت معلم را از زبان دکتر علی روؤف دانشمند ایرانی بشنویم:-

- 1- اگر هم وطن خوب پرورش یافته می خواهیم باید به معلم (یاددهنده) رجوع کنیم راه دومی وجود ندارد.
- 2- اگر میل به همزیستی سالم رفتارها و هنجار اجتماعی داریم باید معلم را بیابیم و به آن بها بدهیم.
- 3- اگر کارای بنام همبستگی و یکپارچه گی و بالاتر از آن در سطح جهان نیاز داریم باید از معلم خریداری نمائیم.
- 4- اگر بخواهیم همگام با تغییرات سریع جهان به پیش رویم در مان تنش های موجود اجتماعی بپردازیم باید به مطب معلم برویم و نسخه های شفا بخش آنرا قبول نمائیم. هرگاه از پیشرفت های چشم گیر که در ساحه علم و تخنیک پدید آمده است سخن به میان می آوریم، نباید نقش مهم را از این پیشرفت ها جدا بداریم، بلکه همیشه بخاطر داشته باشیم که تکامل هر کشور فقط ارتباط دارد به کیفیت معلمان آن که باید در تربیت آن توجه همیشگی و لازیم بعمل آید، چون تمام ارتقای تکنالوژی و علمی که در سطح جهان در تمامی قرون بوجود آمده است مرهون زحمات معلمان است.

### اوصاف معلم از دیدگاه نظریات

الف - اورال هوبارت ماد و در(1907-1982)داکتر روانشناس امریکای که دکتورای خود را در سال (1932)در رشته روانشناسی از دانشگاه (جانهاپکنیز)دریافت نموده است و بعداً بمقام ریاست انجمن روانشناسان امریکاه انجام وظیفه می نمود در زمینه یادگیری کتابهای مهمی از قبیل کاهش اضطراب و یادگیری (1940)نظریه یادگیری و پویایی شخصیت (1950)نظریه یادگیری در رفتار (1960) و بیش از (200) مقاله علمی و تحقیقی به نشر رسانیده است اوصاف یک معلم خوب را طور ذیل بیان نموده است.

- 1 - معلم را باید عامل انگیزش و محرک هیجانها به شمار آورده زیرا معلم در مقام خود فردی است که میتواند جلب توجه یا سلب علاقه کند، شخصیت معلم دارای اهمیت فرادایی است، معلم باید بتواند احساسات و هیجان شاگردان را برانگیزد و شاگردان را به مثابه عنصر فعال نگذارد.
- 2 - معلم باید واکنش های عاطفی (خوشی) ویا(امید) را در زمینه مواد درسی برانگیزد.
- 3 - معلم موفق کسی است که شاگردانش کتاب یا کتبهایش را با علاقه مندی مطالعه نمایند.

4 - معلم باید همچو یک هنرمند شاگردانش را شفته درس خودش سازد، معلم اگر از عهده این کار برنیاید معلم نیست.

5 - معلم خوب کسی است که در آموختن مواد درسی بخود و شاگردانش رنج ندهد.

6 - شاگردان تمامی گفته های یک معلم موفق را به احساس خوشی درک میکند و می آموزد و یا کنجکاو ی زیاد برای خود و برای دیگران بازگو میکند.

7 - معلم از طریق وضع ظاهری خویش، رفتار و کردار خویش، منش و شخصیت خویش میتواند ویژه گی ها و واکنش های مساعد (امید) و نا مساعد (ترس) را در وجود شاگردانش زنده سازد.

8 - معلم باید همیشه شاگردانش را دلخوش و امیدوار نگهدارد.

9 - معلم باید همیشه صریح و دور از ابهام صحبت کند.

10 - معلم باید حین تدریس از اصطلاحاتی مانند (روش اسلم است) یا (بطوریکه همه میدانیم) دوری جوید زیرا مطلب ایراده شده اگر برای شاگردان

روشن و مسلم نباشد نتیجه جز ابهام بیزاری چیز دیگر نخواهد داشت.

11 - معلم کاردان و ورزیده درس خود را در حدود فهم و درک شاگردان تنظیم می کند و سبب نا راضی و اضطراب شاگردان نمیشود.

12 - معلم باید در تدریس شیوه ای را بکار گیرد تا گرایش و نظر مساعد شاگردان به درس جلب گردد، این موضوع سبب می شود تا شاگردان به مطالعه پیگیری بیشتر به درس رغبت پیدا کند.

13 - معلم باید این زمینه را مساعد سازد تا شاگردان از درس ها یادداشت بردارد و بعد ها این یادداشت ها را به دقت بخواند و تکرار نماید و بلاخره پیرامون آن آزادانه به بحث بپردازد.

ب - پروفیسور جروم برونر در سال 1915 در شهر نیورک آمریکا متولد شده در سال 1941 موفق به اخذ درجه دوکتورا از دانشگاه (هاروارد) گردید در سال 1962 انجمن روانشناسان آمریکا او را به خاطر پژوهشهای ارزنده اش به دریافت جایزه ممتاز علمی مفتخر ساخت. این دانشمند بزرگ اوصاف یک معلم خوب را در شرح زیر میداند.

1 - کار مهم معلم عبارت است از تبدیل معلومات به صورتهای که در خور فهم درک شاگردان باشد.

2 - مواد آموزشی را معلم طور انتخاب کند که متناسب با نیروی ذهنی شاگردان باشد.

3 - هر اندیشه و یا هر مساله و یا هر شاخه از معلومات را می توان با تجدید سازمان بصورت قابل فهم در آورد و به یادگیرنده آموخت.

4 - بیهوده است اگر که بگویم به شاگردان دور اول ابتدائی حساب را آموخت اگر معلم حساب ریاضی را بصورت فهم و درک شاگردان در آورد آموختن آن بسیار آسان است.

5 - کار هنگامی دشوار است که مواد آموختنی فراتر از نیروی درک شاگردان باشد و نتواند مطالب بصورت درست درک کند.

ج - کارل راجرز (1902-1989) درارک پارک در ایالتی ایلی نیوز آمریکا دریک خانواده بسیار مذهبی دنیا آمد در سال 1924 مدرک A. B یا لسانس خود را از دانشگاه (ویکانیس) در یافت کرد و علاقه مند بود که در مقام روحانیت انجام وظیفه کند ولی پس از بازگشت از چین و شرکت در سیمینار های مذهبی سبب گردید که بدانش روانشناسی علاقه مند شود بدین جهت

وارد دانشگاه روانشناسی در نیویارک شد دوکتورای خود را در روانشناسی دریافت داشت، را جزر دارای مقالات و کتابهای فراوانی است که برخی از آنها عبارت اند (یادگیری با معنی آزادی (1963) آزادی برای آموختن (1969) نظریات را جزر درباره ای (1959) آموختن برای یک معلم خوب از این قرار است :-

- 1- کار معلم موفق و تسهیل کننده هنگامی موثر و ثمر بخش است که با شاگردان همکاری و مشارکت و پی گیر داشته باشد و گام بگام شاگرد حرکت نماید نه اینکه در مقام امر و نهی قرار گیرد و سبب تکلیف شاگردان گردد هرگاه چنین روابط میان شاگرد و معلم بوجود آمد می توان گفت که یک بنیاد اصلی و موثر برای برنامه های آموزشی پی ریزی شده است.
- 2- معلمان باید در تماس با شاگردان با احساس و عواطف به سخنان شاگردان بیشتر توجه کند به جای اینکه به انضباط و شیوه های تنبیه متوسل شود.
- 3- معلم موفق باید به حل مشکلات و همکاری با شاگردان علاقه نشان دهد.
- 4- معلم موفق باید بکوشد تا صنف از برابری و محیط سالم برخوردار باشد.
- 5- معلم باید دارای نقش تسهیل کننده باشد نه تعلیم دهنده آموزش.
- 6- معلم باید غمخوار، دلسوز و هم احساس شاگردان باشد.
- 7- معلم باید به رشد سالم شخصیتی و اجتماعی شاگرد تأکید ورزد و به آن علاقه نشان بدهد.
- 8 - معلم باید از مسابقه ها و امتحانهای سخت و سنگین میان شاگردان پرهیز نماید .
- 9 - معلم باید برای شاگردان تجربه های موفقیت آمیز را پیش بینی کند
- 10 - معلم باید آموزش را بسوی انکشاف و آفرینندگی جهت گیری نماید نه فقط در راه دریافت مطالب سازمان یافته قبلی
- 11 - معلم باید به آرزوهای معقول شاگردان و برای آنها در تصمیم گیری ها به دیده احترام نگاه کند.
- 12 - میان معلم و شاگرد باید اعتماد قوی قلبی وجود داشته باشد و این اعتماد همیشه مرا حل رشد خود را بیپیماید.

د - حجتی دانشمند ایرانی 1359 در کتاب تعلیم و تعلم در اسلام ویژه گی های یک معلم توانا را طور ذیل خلاصه میکند.

- 1 - خلوص نیت
- 2 - جهت یابی صحیح
- 3- خلق خوش
- 4- فروتنی
- 5 - عزت نفس
- 6 - همت و اقبال
- 7 - انجام موازین اخلاقی
- 8 - آرا مش و آرا مش گیری
- 9 - ایجاد فضای نشاط و صمیمیت
- 10 - صلاحیت های علمی
- 11 - داشتن انگیزه و انتقال آن به شاگردان
- 12 - دلسوزی نسبت به شاگردان
- 13 - تفقد از احوال شاگردان

- 14 - لطف و محبت به شاگردان
- 15 - اطلاع از مشخصات شاگردان
- 16 - تلاش در تفهیم مطالب
- 17 - احترام به شخصیت و افکار شاگردان
- 18 - رعایت وظایف شرعی و عرفی
- 19 - انعطاف پذیری
- 20 - جامعیت
- 21 - تعمق
- 22 - رعایت نظافت و پاکیزه گی
- 23 - آراستن ظاهر
- 24 - توجه به تفاوت های فردی شاگردان
- 25 - اعتراف به مسایل که نمیداند
- 26 - شروع درس با دعا
- 27 - ختم درس با دعا
- 28 - نصایح اجتماعی و اخلاقی به شاگردان
- 29 - قدردانی از شاگردان
- 30 - رعایت عدالت در صنف
- 31 - معلم باید دارای وجدان آگاه باشد
- 32 - بر تمام حرکات و فعلیهای که انجام میدهد تسلط کامل داشته باشد.
- 33 - برای شاگردان در تمام زمینه ها نمونه و سرمشق باشد
- 34 - دارای سطح آگاهی بلند باشد.
- 35 - رویه مناسبت و یکسان با تمام شاگردان داشته باشد
- 36 - دارای قوه قوی افاده باشد
- 37 - معلم خوب سخنور خوب است
- 38 - عدم موجودیت تکیه های مروج و مداوم در تدریس و صحبت
- 39 - در نظر داشتن اصل چگونه زنده گی کردن با دیگران
- 40 - در آموزش از شیوه های پرستاری و دیکتاتوریه رد و پرهیز کند. زیرا پرستار خوب همیشه با طفل به شکل یک امانت دار رفتار میکند اما چیزی به شاگرد یاد نمی دهد و معلم خود کامه و دیکتاتور به زعم خود همواره حرف و مقصد خود را به شاگردان تحمیل میکند.
- 41 - معلم موفق و واقعی بر خلاف هردو دسته باید دارای نقش انسان ساز منطقی، مردمی و محبت آمیز باشد و کار خورا بصورت شرکت فعا معلم و شاگرد انجام دهد.
- 42 - معلم باید مانند سرپرست یک از مایشگاه باشد که رهنمایی های مفید و سودمند آن در تنظیم و حل مسایل شاگردان کمک کند
- 43 - معلم بکوشد تا محیط مطلوب آموزشی را برای رشد بینش شاگردان فراهم آورد.
- 44 - همواره تشخیص کند که چه شیوه یا بینشی به رشد و پیشرفت شاگردان یاری میکند و یا جلوگیری میکند
- 45 - از روی علاقمندی با شاگردان تفاهم برقرار کند تا بتواند از ابعاد فضای زنده گی آنان نظر سنجیده و معقول با حاصل کند



46 - به رشد و پرورش شاگردان همت بگمارد تا بتواند شخصیت متعادل ، همآهنگ و متعالی شود

47 - از ساخت و پویایی فضا های زنده گی شاگردان آگاهی کافی داشته باشد.

## مشخصات یک آموزگار خوب

- 1 - صاحب اخلاق حسنه باشد
- 2 - پابند حاضری باشد
- 3 - آماده گی کامل در تمام مراحل داشته باشد
- 4 - جنبه تشویقی داشته باشد
- 5 - حاکمیت اصولی داشته باشد
- 6 - روحیه عالی داشته باشد
- 7 - مهربان باشد
- 8 - همکار خوب باشد
- 9 - با تقوی باشد
- 10 - راستگو باشد
- 11 - تبعیض نداشته باشد
- 12 - ممتثل باشد
- 13 - وقت شناس باشد
- 14 - ساده حرف بزند
- 15 - مبتکر باشد
- 16 - درس عملی داشته باشد (در حد ممکن)
- 17 - صدای خوب داشته باشد

## صفات معلم مسلکی :

- 1 - به دروس و مضمون خود لایق و حاکم باشد
  - 2 - به تدریس روزانه هدف واضح و روشن داشته باشد
  - 3 - پلان درسی منظم و مشرح داشته باشد
  - 4 - از روشهای جدید درسی کار بگیرد
  - 5 - از مقررات و قوانین معارف با خبر باشد
  - 6 - کار خانگی را به طور دوامدار و منظم داده و کنترل نماید
- چهار دسته از معلمین از نظر روش تدریس دانشمندان معلمین را از نظر روش تدریس به چهار دسته تقسیم نموده اند که قرار ذیل است:
- 1 - معلمان که در جریان درس بیشتر به شاگردان اتکا میکنند :

این گونه معلمین محور اصلی فعالیت خورا در صنف شاگردان قرار میدهد و سعی بر این دارد که یادگیری را بر اساس یادگیری چگونه انجام دادن در نظر بگیرد ، عناصر اصلی یادگیری بر اساس اولویت در این نگرش به ترتیب عبارت اند از : شاگرد + مطلب درس + منابع درس + معلم اینگونه معلمین بیشتر به مطلب و محتوای درسی تأکید دارند و تلاش می کنند تا تمام محتوای درسی را برای شاگردان انتقال دهند . اینگونه معلمان زیاد تر تأکید به ویژه گی ها و تفاوت های فرد شاگردان در تدریس دارد .

2 - معلمان که در حین درس اتکا به مطلب و محتوای درس دارند:

اینگونه معلمین بیشتر به مطلب و محتوای درسی تأکید دارند و تلاش میکنند تا تمام محتوای درسی را برای شاگردان انتقال دهند . اینگونه معلمان

بیشتر به اطلاعات پردازی تأکید داشته و ستون اصلی یادگیر را یادگیری چگونه دانستن در نظر میگیرند : عناصر اصلی یادگیری بر اساس اولویت درین نگرش عبارت اند از: مطلب + معلم + شاگرد + منابع درسی . لذا اینگونه معلمان نیز به دو دسته تقسیم میشوند .

1 - معلمان که از طریق ارایه مطالب علمی شاگردان را جذب میکنند

2- معلمان که بیشتر به مسایل کلی اجتماعی و فلسفی توجه دارند اینگونه معلمان آرمان شاگردان هستند و معلمان به اینگونه روش مورد توجه شاگردان است .

3 - معلمان که حین تدریس به خود اتکائی دارند: اینگونه معلمان محور اصلی فعالیت خو نظریات خو را میدانند و عناصر اصلی یادگیر را به ترتیب : معلم + مطلب + منابع + شاگرد میدانند .

4 - معلمان که در جریان تدریس به چهار اصل تدریس اتکا دارند: اینگونه معلمان محور

اصلی فعالیت خود را حین تدریس متمرکز به چهار اصل تدریس می نمایند که مانند

اطلاعات پردازی فردی ، اجتماعی و سیستم های رفتاری و چهار ستون یادگیری مانند

یادگیری چگونه دانستن ، چگونه انجام دادن ، چگونه با دیگرانزیستن و چگونه شدن. بهر

حال بطور کلی یکی از عوامل مهم که تأثیرات مثبت و منفی راپیش برد درس از خویش بجا

میگذارد همانه شخصیت معلم است که باید در رفتار و گفتارش نمونه و سرمشق خوب

و دارای ارزشهای فراوان برای شاگردان باشد . چون تجربه به اثبات رسانیده است که

اگرشاگرد زیر نظر استاد با شخصیت قرا رداشته باشد میتواند در سازمان خود یگر گونی های

جدید رارونماسازد.

## معلم و مطالعه :

یکی از صلاحیت های مورد نیاز معلم داشتن آگاهی و توانایی در خصوص اصول و روش

های مطالعه است. معلم خود باید بتواند بامراجع به منابع و کتابهای مورد نظر و مربوطه به

حیطه فعالیت خو به اطلاعات خود بیفزاید . معلم باید بداند که دستیابی به همه ابعاد یکرشته

علمی بدون مطالعه دوامدار غیر ممکن است . با در نظر داشت همین مطلب است که ضرورت

داشتن توانایی به مطالع خود را بیشتر بر جسته میکند . معلم باید در همه سطوح به آگاهی

های تازه دسترسی داشته باشد . معلمان گرامی میدانند که رشته های مختلف روانشناسی و

تعلیم و تربیت نیز مانند دیگر علوم توسعه میابند و به یافته های جدید تر میرسند .

اطلاع این یافته ها توانایی معلم را در شناخت و رهنمایی و پرورش فراگرفتن بیشتر میکند . آنچه ذکر شد به نیاز خود معلم مربوط میشود . درحالیکه شاگردان نیز به آموختن روش مطالع نیازمند است . که این نیاز توسط معلم تأمین میگردد . معلم باید قادر باشد که چگونه مطالعه کردن را به شاگردان بیاموزد و در ذهن آنها علت و انگیزه لازم را بر کسب اطلاعات بیشتر بوجود آورد . شاگردان در شرایط هستند که اگر به طور اصولی هدایت شوند سریعتر و بهتر از یک بزر سال مهارتهای لازم را در این خصوص به دست میآورند . شاگردان اگر در سنین پایین به نحوه مطالعه علاقمند و از آن آگاه شوند در مراحل بالا تر بطور خود جوش عمل مینمایند . و این امر انسانی را به خوبی دنبال میکنند .  
همه ما میدانیم که منابع و کتابهای فراوانی در رشته های مختلف تدوین شده است و از طرف دیگر استعداد هر فرد در حد معینی است . رعایت اصول و روشهای مناسب در مطالع ضروری به نظر میرسد .

## اصول و شیوه مطالعه :

کسی که آگاهی لازم به این اصول و شیوه نداشته باشد . مانند کسی هست که تشنه باشد و در کنار اوقیانوس ایستاده اما نمیداند با چه ظرفی و چگونه آب پر دارد . فلذا در مطالعه اصولی به چند نکته اساسی باید توجه کنیم : که داکتر حسن ملکی دانشمند ایرانی در کتاب صلاحیت های حرفوی معلم در صفحه 98 آن طور ذیل خلاصه کرده است .  
نکات اساسی در مطالعه :

1 - سازمان دادن

2 - علامه گذاری

3 - خلاصه کردن

1 - سازمان دادن : منظور از سازمان دادن این است که سطوح مطالب را از نظر کلیت و جزیت بودن تعیین کنیم و در مجموع سه سطح مطالب را باید معین کنیم .

الف : موضوع اصولی

ب : نکات اصلی

ج : موارد جزئی

## الف : موضوع اصلی :

دریک کتاب و یا در بخش از آن مؤلف یک موضوع کلی را در نظر دارد و در همه جای کتاب آنرا دنبال میکند این همان موضوع اصلی کتاب است . در واقع موضوع اصلی دریک منبع مانند تنه درختی است که هر قسمت آن در نهایت از تنه بقا میآید و حیات میگیرد .

## ب : نکات اصلی :

نکات اصلی خطوط و اندیشه های اصلی و مهم در یک کتاب هستند که از موضوع اصلی کمتر است اما صراحت بیشتر دارد . مجموعه نکات اصلی مفهوم و موضوع اصلی را تشکیل میدهد .

## ج : موارد جزئی :

اطلاعات جزئی تری هستند که بصورت مثال ها و نمونه ها و عکس ها و تصاویر و اطلاعات واقعی مطرح میگردند که مجموعه موارد جزئی درک و شناخت نکات اصلی را آسانتر میسازد. بادر نظر داشت اینکه موضوع اصلی معمولاً و مستقیماً به وسیله مؤلف بیان نمیشود و لی با مطالعه مقدمه کتاب و هدف تألیف کتاب میتوان به موضوع اصلی پی برد اما گاهی میشود که با مطالعه همه این ها نمی توان به موضوع اصلی پی برد و باید با شناخت نکات اصلی موضوع اصلی را دریافت. برای پیدا کردن نکات اصلی می توان به بخش های مختلف یک مطلب با دقت بیشتر توجه کرد معمولاً هر پاراگرافی را که مطالعه میکنیم به موضوع جدیدی بر میخوریم. آن موضوع جدید همان نکته اصلی است. گاهی نکات اصلی مطالب با حروف درشت تری از متن یا رنگ دیگری در متن چاپ میشود که به شناخت نکات اصلی کمک می کند.

## محتوای کتاب درسی و سآ زمان دادن:

شناخت سطوح مختلف یک مطلب از جانب معلم یا هر مطالعه کننده به چگونگی سازمان دادن مطالب در محتوای کتب درسی بستگی دارد و یا به عبارت دیگر مطالعه خوب به سازمان تألیف کتاب بستگی دارد اگر این ویژه گی در تألیف رعایت نشده باشد معلم باید قبلاً به محتوا سا زمان بد هد و بعد به تدریس بپردازد. اجرای این کار به توانایی معلم ارتباط دارد که چگونه می تواند از این شیوه استفاده کند.

## 2 - علامت گذاری :

خواننده می تواند به وسیله علامه گذاری و نشانه ها طوری که به پا کی و صفایی کتاب صدمه وارد ننماید موضوعات اصلی محتوای کتاب را یا در خود کتاب و یا در یادداشت های جداگانه مشخص سازد و با نوشتن مطالب و نکاتی در حاشیه کتاب پیشنهادات و یا انتقادات خود را یاد آور شود. علامت گذاری باعث میشود که مطالعه کننده کتاب نکات اساسی و مهم کتاب را از مطالب غیر اساسی و حاشیه تشخیص بدهد و با تکیه بر آنها به هدفهای اصلی محتوا یکتا نایل آید.

## 3 - خلاصه کردن:

هر مطالعه کننده برای اینکه از کتاب که مطالعه کرده است برداشت نموده بتواند باید مطالب آنرا به صورت خلاصه بنویسد و خلاصه مطلب باید هم لغات اصلی و هم مطلب اصلی را داشته باشد در واقع خلاصه هر مطلب شکل کوچک شده همان مطلب است. انواع شیوه های مطالعه : خواندن و مطالعه انواع مختلف دارد و هر یک از این انواع مستلزم حصول و هدف خاصی است.

## 1 - خواندن اجمالی :

درین شیوه مطالعه مطالعه کننده فقط عناوین ،فصول و قسمت های از کتاب را می خواند و کل کتاب را به طور سطحی بر رسی می کند.

## 2 - سریع خواندن:

سریع خواندن ، مرور کتاب است با سرعت ، به منظور آشنایی کلی به موضوعات داخل کتاب سریع خواند از خواندن اجمالی کامل ترا است.سریع خواندن روش است که در صوت کم مطالب زیاد تری فراگرفته میشود تمرین برای سریع و دقیق خواندن میزان یاد گیری را افزایش میدهد.

## 3 - دقیق خواندن :

دقیق خواندن روشی است که خواننده ، مطلب را کامل یاد میگیرد و یاد آوری آن برای استفاده های بعدی میسر است.

## 4 - خواندن تجسسی :

این خواندن روشی است که قبل از مطالعه وبعد از مطالعه خواننده به طرح سوالات مبادرت میورزد ، برای پاسخ سوالات تحلیل و بررسی صورت میگیرد این شیوه عمق یاد گیری را افزایش میدهد .

## 5 - خواندن انتقادی :

این روش بر رسی تجزیه و تحلیل معانی است ، به منظور یاد گیری عمیق مطالب و قضاوت در باره صحت و سقم و نقاط صعیف یا مثبت مطلب انجام میشود. شیوه های مطالعه از نظر چگونگی اجراء :

## 1 - خواندن با صدای بلند :

بعضی از اشخاص بخاطر اینکه مطلب را یاد بگیرد با صدای بلند میخواند تا آن سر حدی که مطلب را به گوش خود استماع کند . دراین کتگوری اشخاص دایماً اظهار میکند تا مطلب را به گوش نشنود یاد نمیگیرد .همه ما تعداد زیادی از افراد واشخاص و همقطاران خود را دیده ایم که در سرک ها و جاهای خلوت،در اطاقهای و نشستن به چوکی ها درس را به آواز بلند میخواند این کته گوری تا زمانیکه درس را به آواز بلند نخواند یاد نمیگیرد.

## 2 - یاد گیری از طریق گوش دادن :

اینگونه افراد از یکی از همقطاران خود در زمینه کمک می خواهد تا آن مطلب را با صدای بلند بخواند و به آن گوش میدهد اگر این امکان میسر نبود خودش به صدای بلند میخواند وبعد صدی خودرا ثبت کسیت میکند و بعداً به کسیت گوش فرا میدهد اینگونه افراد عادت کرده است تا از طریق گوش دادن یاد بگیرد .

## 3 - خواندن با صدای آهسته :

درین نوع مطالعه صرف زبان و لب ها حرکت میکند و کلمات را با صدای آهسته ادا میکند

#### 4 - خواندن با چشم :

اینگونه خواندن فقط با چشم و درک مفاهیم با ذهن انجام میشود میگیرد ، در این روش به هیچ صورت لبها و گلو حرکت نمی کند و فقط چشم روی خط حرکت میکند و مفاهیم از ذهن میگذرد که غالباً این شیوه با تمرکز و دقت توأم است تمرین سرعت در خواندن با چشم که با تمرکز همراه است میزان یادگیری را بالا برده که اینگونه خواندن بهترین نوع خواندن ثبت شده است که هر مطالعه کننده به آن توجه خاص نماید و از همین روش در مطالعه استفاده کند.

#### معلم و فرهنگ اجتماعی :

میدانیم که فرهنگ در یک جامعه اساس تکامل آن جامعه را تشکیل میدهد زیرا باور جامعه با عادات و رسوم گذشته و مرزج وقت تاریخ ها بوجود میآید لذا دانستن آن برای هر فردی لازم است بویژه معلم که برای تکامل اجتماعی بیشتر هرکسی مسئولیت دارد و درحقیقت هدف فعالیت های او در محیط تعلیم و تربیه همان اصلاحات و سیردرجهت مثبت فرهنگ اجتماعی غرض ساختن یک جامعه ای با ارزش و دارای فرهنگ نمونه و الگو است برای اینکه موثریت تعلیم و تربیه بر منهی فرهنگ اجتماعی بیشتر شود برای معلم ضروری است که با تمام ابعاد فرزند فرهنگ کامل در جامعه ای که قرار دارد یا ساحه فعالیت وی را تشکیل میدهد ، آشنا باشد زیرا جوامع نظر به ویژه گی های که دارد در قسمت موقعیت جغرافیه ، باورهای دینی و عقیدتی ، رسوم و عادات ملی، تاریخ گذشته ، هنجارهای قومی و ... فرق دارد و هر که این عوامل را بصورت عموم یا باسیمی ضعف و قوت و قضاوت های که دارد زیر ساخت همان جامعه را تشکیل میدهد ، مخصوصاً در میتود شاگرد محوری میتود جدید که محور فعالیت ها شاگردان است قسمت اعظم از سروکار و شاگردان با همان رسوم و باورهای اجتماعی یا درحقیقت فرهنگ یک جامعه است .

اگر معلمی در تلاش این باشد که بدون در نظر گرفتن فرهنگ یک جامعه موفق به تطبیق پلان درسی خود باشد قطعاً به هدف درست که همان تعلیم و تربیه موثر است نمی رسد ، زیرا به تعبیر جان دیویی فلیسوف امریکای ((تعلیم و تربیه در معنی وسیع آن وسیله ای برای ادامه زندگی اجتماعی)) بناءً تعلیم و تربیه بدون در نظر داشت فرهنگ اجتماعی با همان آشنایی فرهنگ اجتماعی و رعایت ارزشی آن در تطبیق برنامه درسی امکان ندارد. معلم در بخش فرهنگ جامعه و رابطه با تعلیم و تربیه باید به ضروریات جامعه و مسایل بین ساکنین جامعه دقت کند زیرا اگر تعلیم و تربیه همان وسیله ای برای اجتماعی کردن زندگی است میتواند با موارد زیر ملزوم هم باشد:

- 1- توسط رابطه و همکاری میان افراد جامعه
- 2- تقویت امور و فعالیت های هنری در جامعه
- 3- کوشش برای عملی سازی و رویش های زندگی و شئون حیاتی.
- 4- فراهم سازی وسایل و لوازم سرگرمی و تفریحی.
- 5- ترویج باور ها و عقاید دینی .

## 6- گسترش آزادی و مبنای دموکراسی .

وظایف نگرانهای صنوف :

- 1 - حاضری گرفتن صنف مربوطه پنج دقیقه پیش از درس
- 2 - جمع کردن حاضری شاگردان در هر ماه و نقل آن در ماه دیگر
- 3 - جمع کردن حاضری تمام سال و معلوم کردن حاضر، غیر حاضر، مریض، رخصت و فیصدی بخاطرشمول در امتحان و را پور دادن به اداره .
- 4 - نام نویسی شقه های امتحان
- 5 - را پور دادن غیر حاضران یومی صنف
- 6 - واریسی حاضری و ترقی تعلیم صنف و حفظ نظافت آنها .
- 7 - اشتراک در توزیع سامان و لوازم شاگردان و امضا کردن در جدول به قسم تصدیق .
- 8 - واریسی و دیدن نظافت شاگردان در صنف .
- 9 - ساختن کارت سوانح شاگردان مربوطه.
- 10 - ساختن اطلاعنامه درختم درس
- 11 - از غیر حاضرین زیاد شاگردان جلوگیری کردن و در صورت لزوم با اولیا شاگردان تماس گرفتن.
- 12 - ساختن نتایج امتحان صنف مربوطه .

## ویژگی های معلم خوب از دیدگاه حقوق بشر

### الف : ویژگیهای فردی معلم خوب :-

- 1- همواره در تعلیم و تربیه شاگردان روحیه انسان دوستی ، احترام انسانی ، تحکیم روحیه اسلامی و وطن دوستی ، وحدت ملی و...مجدانه و صادقانه بی کوشد.
- 2- شاگردان خود را از عواقب جهل ، خشونت ، حق تلفی و ظلم آگاه می سازد تا هم آنها را آنتباه داشته باشد و هم ضمانت برای آینده میباید که تکرار نشود.
- 3- همیشه بالبخند به صنف داخل می شود و به شاگردان سلام می کند .
- 4- وقت را ضایع نمی کند و از هر لحظه به صورت مؤثر برای آموزش شاگردان استفاده می کند.
- 5- همیشه مطالعه میکند و سطح معلومات مسلکی و آفاقی خود را بالا می برد.
- 6- تلاش می کند تا ضعفها ، کمبودها ، و نارسای هایش را شناسایی و صلاح نمائید او همه روزه با پلان درسی و آمادگی کامل به صنف داخل می شود با محبت و آرامیش به پرسیشهای شاگردان پاسخ میدهد.
- 7- بردبار ، پرتلاش درسی و باگذشت است سعی میکند از نظروظیفه شناسی ، صداقت و مساویت پذیری در مکتب و اجتماع نمونه باشد.

8- میدانده که شاگردان امروز ، سازنده گان مسئولین و رهبران فردای جامعه اند و به همین خاطر به کردت شخصیت و حیثت شان احترام می گذارد.

### ب - رفتار معلم خوب با اداره مکتب و همکارانش:

- 1- سعی می کند تا با ایجاد همبستگی ، همکاری و تفاهم با سایر استادان و اداره مکتب ، مشکلات اداری و درسی خود را تشخیص داده و راه حل مناسب را جستجو و تطبیق نماید.
- 2- برای رسیدن به یک هدف مشترک که برشد و ترقی شاگردان منجر شود با آمو و سایر همکارانش هما هنگ عمل می کند و از حال شاگردانش با خبر است.
- 3- پل روابط بین شاگردان و والدین با اداره مکتب می شود.

### ج: رفتار معلم خوب با شاگردان و اولیای آنها:-

- 1- لاقلاً در ماه یکبار رفتار، سلوک ، و عملکر خود را با کمک شاگردان ارزیابی می کند تا دریابد که آیا شاگردان از شیوه برخورد و طرز سلوک او راضی هستند؟
- 2- یک فضای شاد و مملو از صمیمیت ، اعتماد، دوستی و همکاری را برای شاگردان خود در صنف ایجاد می کند تا شاگردان احترام به همدیگر، فامیل، معلم و اداره را فهمیده و حقوق و مکلفیت های خود و دیگران را بدانند.
- 3- شاگردان او را به صنف دوست مطمئن ، مهربان و صادق خود شناخته و اعتماد می کند.
- 4- از کار شاگردان ایراد نمیگیرد بلکه مشکلات شاگردان را تشخیص و با دلسوزی بخاطر حل آنها تلاش می کند، او بدون هرگونه تبعض به کردت انسانی و شخصیت تمام شاگردان احترام می گذارد.
- 5- هیچگاه شاگردان را توهین ، تحقیر و تهدید نمی کند در صورتکه خودش مرتکب اشتباه شود صادقانه و صمیمانه اعراف می کند و از شاگردان معذورت می خواهد.
- 6- شاگردان را بخاطر احساس مسئولیت کردن در نظافت و حفاظت صنف ، لوازم مکتب و محیط زیست کمک و رهنمای می کند.
- 7- شاگردان را از مسائل گوناگون آگاه می سازد و تشویق سعی می کند تا در تصمیم گیریها در صنف سهم بگیرد.
- 8- روحیه اصلاح و انتقاد پذیری را در خود تقویت می کند سعی می کند تا این روحیه را به شاگردان انتقال دهد.
- 9- به شاگردانش فرصت میدهد تا نظریات پیشنهاد و حسابات مربوط بامسائل درسی را در همه موارد آزادانه بیان نمایند.
- 10- میدانند که شاگردان از افکار ، اندیشه ها ، برخوردها ، سلوک ، قضاوت و عمل کرد اومی آموزند، پس تلاش می کند که اندیشه ها یش انسانی ، قضاوتش عادلانه ، سلوکش صمیمانه و عملش دوستانه باشد .
- 11- تلاش می کند شرایط محیط ، مشکلات درسی و فامیلی شاگردان را در حد توان درک و در این رابطه آنها در کمک کند.



- 12- بخاطر درک مشکلات روحی و جسمانی آن‌عده شاگردان که وضعیت غیرعادی دارند- بادر جریان قرار دادن اداره مکتب - با اولیای آنها مشورت می‌کند تا راه حل مناسب راجهت رفع مشکلات احتمالی بیابد.
- 13- هر گونه نوآوری و ابتکار شاگردان رارج گذاشته مورد توجه و تشویق قرار میدهد.
- 14- شاگردان رابه علت اشتباه که ممکن است انجام دهند،تنها تنبه و سرزنش نمی‌کند بلکه سعی می‌کند به آنها بفهماند که از اشتباه نترسیده ،از آن بیاموزند.
- 15- نیازهای زمان رادرک نموده شاگردانش را مطابق ضرورت ها و نیازهای زمان آموزش و پرورش میدهد.
- 16- امتحان رابخش از عملیه آموزش میداند و سعی می‌کندکه نتایج امتحان برای شاگردان سازنده، آموزنده، و تشویق کننده باشد.
- 17- امتحان - که هدف آن سنجش پیشرفت های شاگرد تشخیص نقاط ضعف و قوت اومیباشد- رابه خاطر کمک به شاگردان در تقویت یاد گیری و رفع نقاط ضعیف به کار می‌برد نه به منظور مجازات شاگرد.

## وظایف و مسوولیت های سر معلم :

- 1 - دایر کردن مجلس افتتایه در شروع سال تعلیمی در قسمت اداری
- 2 - تعیین نگرانهای صنوف
- 3 - تعیین نگرانهای یومیه
- 4 - ملاحظه و دیدن نظافت و صفایی مکتب
- 5 - برای احضار کردن شاگردان غیر حاضر اجراءات کردن
- 6 - تعیین هیئت جدید الشمول
- 7 - تعیین هیئت موجودی تحویلخانه ، توزیع سامان و لوازم
- 8 - هفته یکبار دیدن ترقی تعلیم ، حاضری صنوف و نوشتن هدیایت.
- 9 - داخل و خارج کردن شاگردان در کتاب اساس
- 10 - 20 دقیقه قبل از شروع درس در مکتب آمدن و 20 دقیقه بعد از ختم درس در مکتب ماندن.
- 11 - تطبیق هدیایت مقامات ذیصلاح .
- 12 - نگهداری تمام مواد اداره
- 13 - در صورت نبودن مامور امور اداری صادر کردن مکاتیب
- 14 - با اولیای شاگردان در اوقات مناسب تماس گرفتن
- 15 - تعیین جای مناسب بخاطر جای مکتب
- 16 - توجه به صحت شاگردان و تماس به مراکز صحی
- 17 - در وقت مناسب حواله کردن مواد درسی، اداری و قرطاسیه
- 18 - ساختن جدول تقسیم اوقات درسی و امتحانی
- 19 - ساختن نتایج و معلوم کردن کامیاب، ناکام ، محروم ، غایب نقل مکان و مشروط
- 20 - ساختن جدول ها ،گرافها و تابلوها

## وظایف تدریسی سر معلم :

- 1 - با استفاده از مهارت‌های مسلکی خود از تخنیک نظارت‌های تعلیمی استفاده خوب کند .
- 2 - به واسطه نظارت تعلیمی اشخاص فعال و غیر فعال را معلوم کند
- 3 - سر معلم یک رهنمای خوب باشد نه یک مفتش بلکه به قسم همکارانه درس اساتید را ارزیابی کند
- 4 - شناختن شاگردان و کمک به آنها
- 5 - با طرح کردن پلانهای درسی و تعیین اهداف مهارت کامل داشته باشد
- 6 - تمام موانع درس را که سبب اخلال درس میشوند از بین ببرد
- 7 - سر معلم باید به تمام مضامین وارد باشد که در موقع ضرورت وظایف معلمین غایب را پیشبرده بتواند .
- 8 - جای کنفرانس ساختن و افتتاح آن
- 9 - در صورت امکان ساختن کتابخانه
- 10 - تهیه لابراتوار ( آزمایش )
- 11 - در تهیه مواد درسی ماهر باشد و خوب محافظت کند
- 12 - برای سیر علمی شاگردان مواد و وسایل و بودجه مالی آرا تهیه کند .
- 13 - بردن شاگردان به مراکز علمی بخاطر انکشاف استعداد آنها .
- 14 - دعوت کردن دانشمندان و گرفتن نظرات آنها
- 15 - معرفی کردن استادان به سیمناهای علمی و مسلکی
- 16 - ساختن تخته اعلانات و نوشتن بعضی موضوعات تربیوی
- 17 - تهیه و ترتیب جریده دیواری مکتب به خاطر معلومات شاگردان
- 18 - به خاطر رفع خستگی دماغی شاگردان برابر کردن موارد تفریحی و سپورتی
- 19 - انکشاف مراکز و مواد درسی

## شایستگی و لیاقت های یک ترینر ( مربی )

- 1 - علم و تجربه عالی داشته باشد
- 2 - تابع مراحل و پروسه تریننگ ( آموزش ) باشد
- 3 - سخنگوی مؤثر باشد
- 4 - علاقمند به روابط بشری و احترام متقابل باشد
- 5 - مهارت اداری داشته باشد
- 6 - دید وسیع داشته باشد
- 7 - نداشتن تعصب
- 8 - تحلیل گر واقعی باشد
- 9 - شخصیت عالی و برجسته داشته باشد .

## نقش ترینر (مربی) :

- 1- ترینر باید مقاصد تریننگ را ترتیب بدهد
- 2- ترینر پلانگذار خاص تریننگ باشد
- 3- عوامل تریننگ را تشخیص بدهد
- 4- مواد درسی را مهیا سازد

## مسوولیتهای ترینر :

- 1- ساختن پلان کور تعلیمی
- 2- ارزیابی ضروریات تریننگ
- 3- طرح پر و گرام تریننگ
- 4- آماده سازی تریننگ
- 5- اداره
- 6- سربراه نمودن کورس تعلیمی
- 7- همکاری و رهبری
- 8- ارزیابی و نظارت
- 9- تعقیب

## کریکترهای خوب آموزش دهنده :

- 1- آموزش دهنده باید متوجه قدسیت تعلیم باشد
- 2- معیار شنیدن هر چیز را داشته باشد
- 3- ظرفیت داشتن برای جواب شاگردان
- 4- برای اشتراک کننده گان جرأت بخشد
- 5- معیار اعتماد داشتن به خود و دیگران
- 6- معیار اخلاق و برخورد عالی

## فعالیتهای یک ترینر به یک کورس تعلیمی :

- 1- انتخاب تعداد شاگردان
- 2- انتخاب تاریخ و محل کورس
- 3- ظرفیت داشتن برای جواب شاگردان
- 4- برای اشتراک کننده گان جرأت بخشد

- 5 - معیار اعتماد داشتن به خود و دیگران
- 6 - معیار اخلاق و برخورد عالی

## فعالیت های یک ترینر به یک کورس تعلیمی:

- 1 - انتخاب تعداد شاگردان
- 2 - انتخاب تاریخ و محل کورس
- 3 - اطلاع دادن در مورد ترینگ و محل آن
- 4 - مواد درسی را آماده سازد .
- 5 - سی دقیقه قبل از شاگردان در صنف بیاید.
- 6 - چوکی ها را تنظیم نماید
- 7 - ترینگ را به وقت معینه آغاز نماید.
- 8 - لباس منظم داشته باشد
- 9 - ترینگ را مطابق ضرورت آن پیش ببرد
- 10 - سوالات برای امتحانات مقدماتی و نهایی ترتیب و تهیه نماید.

## اهمیت مدیریت:-

یکی از فعالیت های مهم بشر اداره است ، زمانیکه انسان ها دانستند که دست یابی به اهداف شان بصورت فردی غیر ممکن است و نیاز دارند که باهمکاری و هماهنگی یگدیگر کوششهای فردی شانرا به پیش ببرند پس همین امر باعث شد که تنظیم و سازماندهی کار فردی منحصی یگ امر ضروری مطرح گردد. از آنجا که جامعه بشری، امروزه تکیه بر کوشش های جمعی دارند پس بجا است که جا یگاه و موقعیت مدیران هر چه بشتر ارزشمند تر و مهمتر تلقی گردد.

## نظربه تاریخچه مدیریت:

سازمان ها و فکر چگونگی اداره آنها از زمانهای قدیم وجود داشته است ، مدارک و اسناد موجود حکایت از آن دارد که در چین باستان ، لندن کهن ، در مصر ، یونان و روم قدیم مهارت های برای ایجاد هماهنگی در پیروان سازمانهای عمومی وجود داشته است ، نه دیوار بزرگ- چین ، نه حوض تخت جمشید و قصر آپادانا ، نه اهرام ثلاثه مصر و بنای پارتنون همه بدون بکارگیری وظایف مدیریتی غیر ممکن و محال بوده است ، یونانیان و رومیان در قلمروهای گسترده ای همانند ماجراهای نظامی ، امور عمومی ، نظام محاکم و قضایا کوششهای در جهت همکاری و تفاوت از خود بظهور می رساندند ، آیا میتوان قبول کرد که تمدن شکوفای اسلامی از کنارهای رود جیحون و آمو دریا تا اندلس (اسپانیا) بدون بکارگیری مدیریت اداره شده باشد؟ ظهور سازمانهای اجتماعی و گسترش روز افزون آنها از ویژگیهای بازار تمدن بشر امروز است بطور که باتوجه به عوامل گوناگون زمانی و مکانی ویژگیها و نیاز های خاص جوامع مختلف ،

همه روزه انواع سازمانها و موسیسات واجتماعی برای نیل به اهداف خود، به نوعی مدیریت متناسب با ساختارش نیاز مند است . ناگفته نماند که درک ضرورت ، اداره کردن: مربوط روزگاراخیر نیست بلکه از دیر باز بشر متوجه شده است که برای رسیدن به یک هدف، لازم است به بسیج امکانات در رهبری آنها برای تحقق آن هدف اقدام کند. در تحقق بخشیدن هدف اصلی تعلیم وتربیه وتسریع روند آموزش وپرورش نیز مدیریت سالم یکی از ویژگی های این پروسه است .

مدیریت سالم و مطابق با استندردهای مدیریتی بر احیای مجدد و از دست رفته فرهنگ وپیشنه تاریخی فرهنگی کشورما خودهد. افزود ومدیران ورزیده وتوظیف شان در راستای تحقق بخشیدن نعب مدیریت جزئی ازراهمکارهای دقیق و اصیل در تعلیم وتربیه باید باشد.

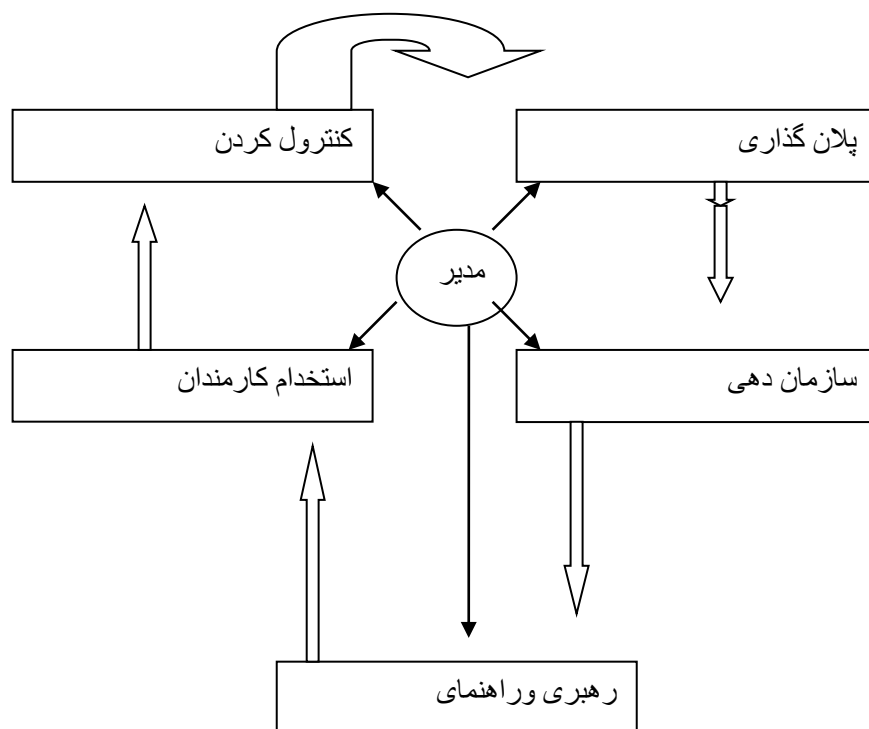
### تعریف مدیریت:-

- 1- مدیریت روند برنامه ریزی ، سازماندهی ، رهبری و کنترل منابع ، جهت دست یابی به اهداف یگ نظام در وقت معین وموثریت بالا.
- 2- مدیریت پروسه بکارگیری مؤثر وکار آمدمنابع مادی وانسانی برمبنای یگ نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه ریزی ، سازماندهی ، بسیج منابع و امکانات ، رهبری وکنترول برای دستیابی به اهداف تعیین شده صورت می گیرد.

مدیریت: پروسه هماهنگی فعالیت های می باشد تاکارها بصورت کارآمد وموثر توسط افراد اجراشود .

مدیر: کسیکه با مصرف کم منابع دست یابی به اهداف بالارا با استفاده ازلوايح وقوانین موجود دراداره سازماندهی میکند.

## پنج وظیفه مدیریت



- 1- پلان گذاری : روند در حال جریان میباشد که ما موریت و مقاصد سازمان را انکشاف میدهد و چگونگی مکمل شدن آنرا معین میسازد.
- 2- سازماندهی : بنا نهادن ساختار داخلی سازمان میباشد که همکاری کنترل و وظایف و جریان معلومات را تسهیل میکند.
- 3- استخدام: توظیف افراد واجد شرایط در هر سمتی که باشد بخاطر بدست آوردن اهداف و مقاصد اداره در استخدام در قالب تحلیل و تجزیه وظیفه کارمند سه موضوع در نظر باشد ( دانش ) مهارت ( سلوک ) .
- 4- رهبری: رفتار افراد را با محبت، انگیزه و نظم تحت تاثیر قرار میدهد.
- 5- بنانهادن فعالیت های براساس اهداف و مقاصد اداره ، ارزیابی و گزارش فعالیت های حقیقی و مقایسه استندرها و انجام و اقدامات اصلاحی.

این تعریف پنج نکته اساسی ذیل را که زیربنای مفاهیم کلی مدیریت میباشد در بر دارد.

- 1- مدیریت یگ پروسه است.
- 2- مدیریت بررهیری تشکیلات انسانی دلالت دارد.
- 3- مدیریت مؤثر مبتنی برتصمیم گیری مناسب درست یابی به نتایج مطلوب است .
- 4- مدیریت برفعالیت های هر فرد ، تمرکز دارد.

## ویژگی های مدیرموفق مکتب ازدیدگاه حقوق بشر:-

### الف - : ویژه گی های مدیرموفق ازلحاظ رفتاربا معلمین و همکاران:-

- 1- درهمه موارد با معلمان، واداره مشورت می کندوسعی میکند تا درموارد لازم نماینده گان شاگردان را برای ایجاد اعتماد به نفس آنها نیز دربابت مشورتی سهیم سازد.
- 2- همواره تلاش می کند تافضای را درمکتب ایجاد کند که معلمین وشاگردان بتوانند آزادانه نظریات وانتقادات شانرا درهمه موارد مطرح کنند وبه نظریات وانتقادات مفید وسالم شان توجه واقدام عملی می کند.
- 3- دربین شاگردان ومعلمین به علت های قومی ،مذهبی ، زبانی، محلی و.... تبعیض قایل نمیشود وجلوچنین اعمال نکوهیده رادرمکتب می گیرد.
- 4- فضای ملوآزصمیمت ،همکاری و احترام متقابل را درمیان معلمین ،اداره وشاگردان ایجاد می کند ودر رابطه با انکشاف مسلکی ومهارتهای معلمین جداً توجه نموده برنامه ریزی دقیق دارد.
- 5- روابط دوستی وخویشاوندان را دروقت توزیع امتیازات کنار می گذارد وفقط براساس لیاقت ، صداقت ،مهارت وتوانائی استادان وکارمندان اداری عمل می کند.
- 6- جداً تلاش می کند تا معلمین به وقت درصنف های شان وارد وازوقت درسی بصورت درست ومؤثر درآموزش شاگردان استفاده کنند، وی ضوابط راجداً برروابطه ترجیح میدهد.
- 7- باقانون شکنی ، اختلاس ، بی نظمی ، بی توجهی به لوازم و تجهیزات مکتب مبارزه کرده و ازضایع شدن حقوق شاگردان جلوگیری میکند.

### ب - :ویژگی های رفتاری مدیرموفق باشاگردان و والدین آن ها:

- 1- در رابطه باشاگردان صبور و حلیم است.
- 2- میداند که شاگردان امروز اولیای امورفردای کشور شان هستند وبا درنظرداشت این مطلب رفتارمحترانه باشاگردان میداشته باشد.
- 3- مسئولانه تلاش می کند تابه کمک معلمین فضائی رقابت سالم ودوستانه رامیان شاگردان مکتب به نسبت رشته وتقویت آگاهی آنها فراهم کند.
- 4- درمیان شاگردان به علت های قومی ، زبانی ،محلی وسایر موارد تبعیض نمی گذارد وبه شخصیت وحیثت شان احترام می گذارد.
- 5- تلاش میکند تا معلمان وهیانت اداره مکتب تاثیرات مخرب خشونت های لفظی و فرهنگی وروانی رابه آینده شاگردان عمیقاً درک کنند وجلو آنها را بگیرند.

- 6- دروازه مدیر موفق همیشه وی شاگردان و معلمین باز است و آنها را باصمیمیت و بدون تبعیض می پذیرد و به حرف های شان گوش داده و به پیشنهادهای معلمین و شاگردان جهت بهبود وضعیت روز افزون ظاهری و باطنی مکتب توجه می کند.
- 7- فضای مکتب را طور عیار می سازد که معلمین و هیات اداری اعتقاد یابند که شاگردان هم به صفت انسان با آنها حقوق مساوی دارند باید به حیث شخصیت و کرامت انسانی شان کاملاً احترام گذاشته شود.
- 8- تلاش میکند تا سیستم نمره دهی و درجه بندی شاگردان کاملاً بر اساس لیاقت و اهلیت آنها صورت بگیرد و جلو هر گونه تخطی در چنین مواردی را جداً می گیرد.
- 9- می کوشد تا همکاری و اعتماد اداری شاگردان را جلب و با کمک و همکاری و ذارابطه مستقیم با آنها مشکلات مکتب و شاگردان را حل کند.
- 10- همیشه باوالدین شاگردان در ارتباط بوده با آنها درباره رفع مشکلات شاگردان مشورت میکنند.

### ویژگی های فردی مدیر موفق

- 1- نمونه صداقت ، عدالت ، نظم ، انصاف ، پاکدامنی ، دلسوزی ، مسئولیت پذیری ، وظیفه شناسی و فروتنی است ، او با هر نوع تکبر ، خودخواهی و جاه طلبی مبارزه می کند.
- 2- قوانین مختلف کشوری و مقررات کاری خود را دقیقاً میداند و بصورت مؤثر رعایت میکند.
- 3- سطح دانش مسلکی و مطالعات آفاقی خود را همواره ارتقا داده برآگاهی خود می افزاید
- 4- تلاش می کند تا شاگردان قلباً مکتب ، معلمین و همدیگر خود را درست داشته باشند و هر روز باعلاقه مندی خواص به مکتب حاضر و از صنف و وسایل مکتب، مثل خانه شان ، بادلوسوزی مواظبت کند.
- 5- سعی می کند تا اعتماد معلمین ، هیات اداری مکتب و شاگردان را نسبت به اداره جلب و آنرا تقویت کند، وی تشویق و تنبیه شاگردان را به طور منطقی و انسانی درچهارچوب مقررات تعیین شده در نظر بگیرد.
- 6- سعی می کند تا اصول و موازین پیداکوژی به صورت درست ، با همکاری معلمین و هیات اداری مکتب رعایت شود.
- 7- در وطن دوستی ، رعایت قانون ، پابندی به وظیفه ، رعایت عدالت ، حفاظت از وسایل و تجهیزات مکتب نمونه می باشد.



بخش سوم :

# طقل و شاگرد

## طفل کیست؟

### کنواسیون ملل متحد برای حقوق اطفال طفل راچنین تعریف میکند:

هر انسان تحت سن 18 سالگی طفل پنداشته می شود درحالیکه دراکثر کشورها مطابق قانون همان کشور قبل از رسیدن به سن 18 هجده به سن بلوغ می رسد، طفل از صفر الی یکسالگی نوزادات مرحله اول طفولیت از یکسالگی الی سه سالگی مرحله دوم طفولیت از سه سالگی الی هفت سالگی وقتی که از هفت سالگی گذشت الی هجده سالگی طفل شمرده می شود لذا از سن هفت الی پانزده سالگی مرحله کودکی و از پانزده الی هجده سن بلوغ گفته می شود. مراحل نمو یا تکامل اطفال از زمان تولد الی رفتن به مکتب:

- 1- طریق گرفتن غذا از پستان مادر
- 2- استراحت و نموی طفل و حرکات دست و پا
- 3-نشستن با کمک والدین و اشیاء
- 4-نشستن بدون کمک دیگران و خوردن مستقلانه غذا
- 5-چهار غوک رفتن
- 6-استاده شدن به کمک وسائیل
- 7-استاده شدن مستقل و راه رفتن
- 8-صحبت طفل با مادر
- 9-غذا خوردن طفل با پدر و مادر
- 10-علاقه مندی طفل به خواندن و نوشتن
- 11-همکاری طفل با پدر و مادر در امورات زندگی
- 12-رفتن طفل به مکتب پیاده یا سواره

### نتیجه گیری از دوازده ماده فوق الذکر:

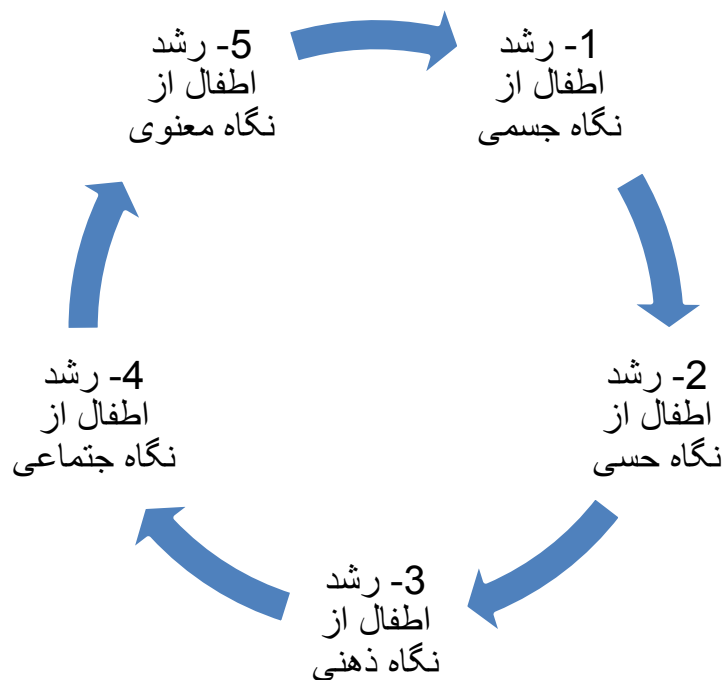
- 1- عکس العمل نشان دادن در برابر گرسنگی، تشنگی، سردی و گرمی با گریه کردن
- 2- آشنائی با صدای مادر و تبسم و حرکات دست و پا
- 3- با عدم مقاومت مهره های کمر نیاز به کمک بیشتر خواهد داشت
- 4- توجه به دادن غذاهای مقوی و مناسب و از غذاهای آلوده جلوگیری شود
- 5- با تقلید از حرکات بقیه افراد فامیل طفل باخطرات سقوط از پرت گاه، برخورد با لبه تیز اشیاء، سوختن و بقیه خطرات مواجه بوده نیاز بیشتر به مراقبت خانواده دارد
- 6- برای زود فرا گرفتن راه رفتن پادوک و وسائیل دیگر نیاز دارد
- 7- ماهیچه های بدن طفل استواری بیشتر پیدا کرده طفل را به راه رفتن مقدور می سازد
- 8- فرا گرفتن عادات و رسوم خانواده و نیاز به تربیه سالم و نیک
- 9- علاقه به خارج از منزل و مواجه با خطرات مابین، حادثه ترافیکی و غیره
- 10- زمینه های علاقه به خواندن و نوشتن به رویش ساده، برای طفل آماده شود
- 11- رویشهای سالم امور اجتماعی و فامیلی و چگونه ریستن به طفل رهنمائی گردد

## 12- آزاد گذاشتن طفل به آموزش سپورتهها و بازیهای سازنده و سالم محیطی

### فکرکردن پیرامون چیزهای که طفل یاد میگیرد:

- 1- امروز ما درباره اطفال و چگونگی آموزش آنهاچه فکر می کنیم؟
- 2- زمان که اطفال به مکتب شامل می شوند چه چیز هارا می دانند و چه چیز هارا می توانند انجام دهند ، چیزی که در مورد اطفال به مثابه آموزندگان بفهمیم چیست؟
- 3- طفل ما نند یک شخص کار می آموزد
- 4- طفل در قابلیت فکر خوب رشد و انکشاف می کند
- 5- طفل آموزنده و فعال است
- 6- طفل دانش خودش را در مورد جهان که در آن زندگی می کند انکشاف می دهد
- 7- پروسه آموزش طفل به وقت ضرورت دارد
- 8- طفل زمانی به خوبی یاد میگیرد که آموزش مبتنی بر تجارب واقعی زندگی باشد
- 9- طفل با تمرین نمودن مهارتهای جدید را می آموزد
- 10- طفل زمانی می آموزد و یاد میگیرد که در باره خود احساس خوبی داشته باشد

### مراحل رشد و انکشاف اطفال



### 1- رشد اطفال از نظر جسمی:

الف: داشتن بدن خوب و رشد کننده

ب: قرار گرفتن شاگردان در فرقه‌های که حواس پنجگانه آنها رشد کنند

ج: داشتن جسم قوی ، حس هماهنگی با دیگران و توانایی جسمی

### 2- رشد اطفال از نظر ذهن یا عقلانی متضمن آن است که از فراورده های زیر مستفید گردد:

الف: آموزش نظریات و آموزشهای فکری

ب: آموزش یکسان تا با فراگیری آن نظریات و دانش خود را ابراز نمایند

ج: تفکر ایراد و حل مشکلات زندگی روز مره توسط خود شان

### 3- رشد اطفال از نظر اجتماعی متکی بر این است:

الف: زندگی خوش و مسرت را با فامیل داشته باشد، صمیمی باشد

ب: مهارتها و همکاری با دیگران رشد بدهند تا آنها هم بازی و همکار شان شوند

ج: با دیگران معاشرت نموده نظریات آنها را محترم شمرده و بر چگونگی اجرای کار آنان ایراد نگیرند

### 4- رشد اطفال از نظر احساسات بر اساس داشتن امکانات ذیل صورت میپذیرد:

الف: اطفال باید دارای احساسات چون خوشی، غم، مهر و ضرر باشد

ب: عزت نفس و اعتماد بخود را باید رشد بدهد

ج: پدیده احترام داشتن با دیگران را انکشاف داده و مواظب آن باشد

### 5- رشد معنوی اطفال با داشتن امکانات ذیل صورت می پذیرد:

الف: در زندگی قسمی تربیه شوند که خداوند را بشناسند

ب: در مراسم ادعیه و غیر با فامیلین شان اشتراک کنند

## حفاظت طفل :-

حفاظت طفل عبارت است از جلوگیری وپاسخ علیه خشونت سوء استفاده ، غفلت استثمار وتبعیض علیه طفل و ارتباط میگیرد به توانمندی، استقلال و آزادی عمل و داشتن کالا وخدمات لازمه که از ان راضی باشد بر خلاف تعریف موسیسه صحتی جهان که بهبود به مثابه بهبود کامل جسمی ،ذهنی واجتماعی تعریف مینماید ، و این تعریف تنها به فقدان امراض و یا ناتوانی و قابلیت های مثبت یک فرد ویا گروه نگاه میکند.

## سطوح انکشافی طفولیت:

هدف:- دانستن انکشاف طفولیت نورمال در متن فرهنگ محلی.  
در جامعه شما بین سنین الی یازده سالگی نورمال کدام ها است :-

- 1- مقدم بودن از دیگران.
  - 2- همکاری با پدر و مادر.
  - 3- مکتب رفتن.
  - 4- بازیها.
  - 5- دوست پیدکردن.
  - 6- کنجکاواست.
  - 7- به سپورت و ورزش علاقه دارد.
  - 8- اشتراک در مجالس و محافل.
  - 9- لباس.
  - 10- رقابت.
  - 11- هنرهای محیطی.
  - 12- ارزش الی یازده سالگی با دارخانه اند.
  - 13- نگرانی از چیزی و علاقه به چیز دیگر.
  - 14- آمیزش اجتماعی با همتا.
  - 15- اشتراک در بازیهای گروهی مبنی بر قانون.
  - 16- افزایش انگیزه در آموزش.
  - 17- اصول دانش تخنیکی ومعلوماتی.
- از اطفال توقع میرود تا خوش باشند ،تابا آنها باشند ،اغلب اوقات احساسات شانرا کنترل نماید ،ممکین هنگام کنترل احساساتی وتند مزاج گردنداز اطفال این سنین توقع ننماید که با فشارهای اجتماعی وتوافق نماید، بدانند که حالات متغیره ای آنها بالای اطفال دیگر تاثیر می نماید.

از یازده سالگی الی شانزده ازین اطفال توقع برده می شود تا خصوصیات ذیل را داشته باشند:-

- 1- زن طلب میشود.
  - 2- موتور ،تلویزیون وخواسته های دیگر.
  - 3- متکی بخود میشود.
  - 4- غرور پیدامی کند.
  - 5- خودخواه و متکبر باری آیند.
  - 6- استقلال طلب میشود.
  - 7- اشتغال در وظیفه.
  - 8- چیزهای نو وجدید میخواهد.
- از اطفال سنین یازده الی شانزده توقع برده میشود تا خصوصیات ذیل را داشته باشد:

- 1- دوره های بسترکج خلقی.
  - 2- عکس العمل های مبالغوی درمقابل حوادث.
  - 3- تردید درمورد اینکه چطور احساس می نماید.
  - 4- بیان قهر بوسطه تفکرهای عمیق.
  - 5- امتناع از صحبت وگیریزاشرایط.
  - 6- توسط علایم خوب و بدی که دارند قبلاً مشغول شده باشند.
  - 7- درمقابل انتقاد نهایت حساس می باشند.
- ازاطفال این توقع نداشته باشید تا بدانند اعمالیکه خودرا توسط آن مغلوب می نمایند ممکن آنان را از رسیدن به اهداف زندگی و احساس خوشی بدور نگهدارد.

## بهبود روان اجتماعی در اطفال

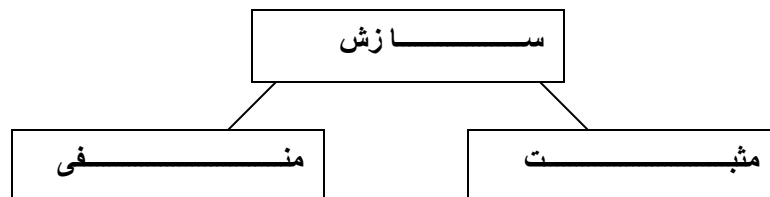
- 1- گوش دادن موثر به اطفال.
- 2- همدرد بودن به اطفال.
- 3- اقدام نمودن به خاطر محافظت بهتر اطفال.
- 4- تشویق کار های جوره ای اطفال.
- 5- نقطه عطف و مهربانی.
- 6- وفق و انعطاف پذیری مثبت.
- 7- حفاظت طفل.
- 8- تشویق، سازش و انعطاف پذیری در شاگردان.

## حفاظت و بهبود روان اجتماعی طفل چیست؟

- 1- از تعرض مصنوعی باشد.
- 2- توجه به معنویات طفل گردد.
- 3- به وضع روانی طفل توجه کامل داشته باشیم.
- 4- به مسائیل صحت طفل توجه شود.
- 5- فرصت دادن برای طفل.
- 6- علاقه مندی طفل در نظر گرفته شود "بازی های مطلوب"



روان اجتماعی مربوط میشود به تاثیر عوامل اجتماعی بالای ذهن و سلوک فرد ، بهبود که رفاه نیز نامیده میشود یک حالت خوب بودن در زندگی خطاب شده است بهبود روان اجتماعی ارتباط میگیرد به توانمندی ، استقلای و آزادی داشتن کالا و خدمات لازمه که از آن راضی باشد سازش عموماً به دو نوع است.



**سازش مثبت :** وفق و انعطاف پذیری یا سازش مثبت به قابلیت شخصی دلالت می کند که با مشکلات و جریحه ها درزنده گی بگونه مثبت مقابله نماید.

**سازش منفی :** توقعات بی معنا و خواسته های بیجارا گویند.

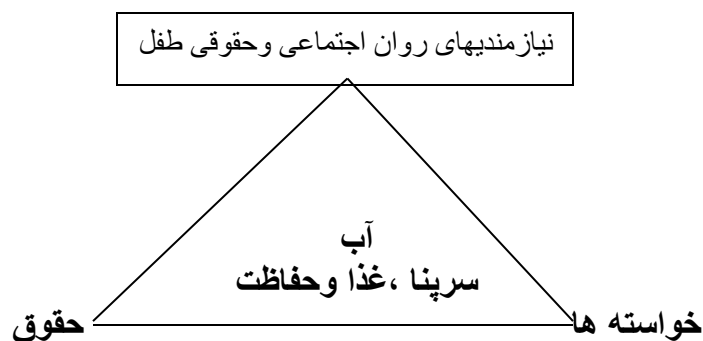
### سازش و انعطاف پذیری :-

انعطاف پذیر بودن عبارت است از داشتن اقتناع درزنده گی زیرا زمانیکه پرابلم ها ایجاد می شود شخص قادر به حفظ صحت روحی اش باشد.

### تشویق و ترویج وفق و انعطاف پذیری در اطفال:

- 1- در اطفال هدفی راتشویق و ترویج نماید که برای آن زندگی می نماید چیزی را که ممکن است آنها بخواهند اجراویا در آینده انجام دهند.
- 2- شاگردان رادردیدن جهان اطراف شان کمک نموده و آنها رابه استفاده بهتر از آن چیزیکه دارند یاری رسانیده تا مبتکر وبا تدبیر باشند.
- 3- اطفال رادر مورد کنجکا بودن در برابر زندگی و ما حول شان تشویق نموده آنها رادر فهمیدن کمک نماید.
- 4- مهارتهای جدید و چیزهای جدید یرا که در اطفال در زندگی مفید میداند معرفی نماید.
- 5- اطفال راتشویق نموده تا بوبینند که در اطراف آنان اطفالی موجوداندکه سطح زندگی پایین تری دارند.

- 6- راههای راجستجو نماید که آنها بتوانند دیگران را کمک نمایند و به آنها آموزش داده شود که خودخواه نباشند.
- 7- دلسوزی و رحم را من حیث مثال به اطفال نشان دهید.
- 8- به اطفال کمک نماید تا به فهمند که آنها توانای کمک کردن به شخص را دارند ولو اگر این کمک رهنمای شخص نابینا در عرض سرک باشد.
- 9- به اطفال نشان دهید که درست است احساس خوشی، غم، قهر، ترس نمایند و اینها یگ ردیف مکمل احساسات نورمال می باشد.
- 10- به اطفال فرصت داده شود تا در مورد زندگی فکر نموده و چیزهای خوب مانند گل، آرزو، هوا و غیره راجستجو کنند.
- 11- اطفال تشویق گردند تا در مورد اینکه جامعه شان مانند چه باشد چگونه ممکن است آنرا اصلاح نماید فکر کنند.
- 12- به اطفال فرصت داده شود که احساس خوبی، خوشی و آرامی کند و آنها را بگذارید که بازی کنند.
- 13- زمانی که احساس (احساسات) دردناک رفع می شود به آنها مشوره و هدایت بدهید به طفل گوش بدهید نخست بشنوید که اطفال واقعاً چه احساسی می نمایند طفل می تواند از احساس دردناک به مثابه مهمانیکه ناگهان می رود تا اندازه ای فاصله گیرند.
- 14- طفل را کمک نماید تا بداند که الله جل جلاله نسبت به شریان گردن نزدیک تر است و بداند اینکه حقیقتاً طفل تنها نیست





هدف: جستجو کردن، خواسته ها، حقوق و بهبود روان اجتماعی چگونه روابطی با همی دارند حقوق و خواسته های اساسی اطفال چیست؟

ج- آب، سرپنا، غذا، خواسته ها، حقوق مقصد این فعالیت این است که ما را تشویق مینماید تا بدانیم بهبود روان اجتماعی اطفال را چیست به قسمت کامل روزمره زندگی بنگریم زمانیکه ما موضوعات روان اجتماعی سرکار پیدا می شود در این صورت حقوق و خواسته های طفل را نمی توان نادیده گرفت. بهبود روان اجتماعی مستلزم چیزهای ذیل می شویم:-

الف: خواسته های اساسی:- غذا، آب، سرپنا، لباس، تعلیم و تربیه و مراقبت صحی.

ب : خواسته های احساساتی:- محبت، موزطبت، قبول کردن و غیره.

2- محیط محافظوی و مصون.

3- محیط ثابت و استوار که هرروز تغییرنماید.

4- برای اطفال بزرگترین خواسته ها تواند از وابستگی و همبستگی و همپیوستگی حرکت کند.

ج- خواسته های اجتماعی :- رفقا، قبول گروپ مشابه و اول نقش مثبت.

د- خواسته های جسمی:-

1- فرصت تکمیل کردن تمام مراحل نمو نورمال.

2- بازی و تمرین.

3- انواع سپورتهای ورزشها.

4- اطفال حق تمام مسایل فوق رادارا می باشد.

## اطفال در معرض سوء استفاده

سوء استفاده جسمی و احساسی(عاطفی)آنچیز را که معلمین میتواند جستجو کند:

تشخیص:- تغییرات را درسلوک اطفال ملاحظ نموده هر تغییر ناگهانی که دسلوک اطفال دیده میشود دارای روحیه دوستانه و خوشحال بوده ناگهان خاموش وکناره گیرمی شود طفل که همیشه |، طفل ک جنگجووخشین بوده ناگهان دارای روحیه خوب وهمکارانه گردیده است.

## علایم جسمی سوء استفاده : ( کفتگی و استخوان شکسته)

طفلیکه از روی احساسات روحاً مورد سوء استفاده قرار گرفته شاید مورد سوء استفاده جسمی قرار گرفته یا نگرفته باشد، مجازات بدنی بدبختانه در این کشور عام بوده می تواند سبب زخمی شدن دائمی گردد، زدن طفل بالای سر می تواند باعث کیود شدن مغز سرگردد، زدن طفل بالای گوشها می تواند باعث آسیب های موقتی یا دائمی شنیدن گردد و لد وکوب طفل در مکتب می تواند باعث این گردد که طفل احساس شرم، افسوس و احقارت را بخودکند.

## علایم سوء استفاده احساساتی و روحی:-

سوء استفاده احساساتی اثر زخم رادارا نبوده از این جهت شاید نادیده نپینداشته شود اما به بهبود روان اجتماعی طفل صدمه می رساند تغییر در وضع رفتن به مکتب، عدم موفقیت در جهت تکمیل وظایف که از طرف مکتب داده می شود.

مداخله:- به طفل با فهم و توجه گوش داده شود، بحیث معلم یا بزرگ جستجو نماید که بتواند جهت کمک به فامل انجام وظیفه بتواند.

صحبت با فامل، یکی از موضوعات مصون برای اطفال است که طفل بداند چیزراکه آنها میگویند بکسی دیگرگفته نشودبه طفل محرمانه گوش بدهید.

## اطفال در معرض خطر سوء استفاده و تجاوز جسمی:-

اطفال می توانند مورد سوء استفاده جسمی قرار گیرند، اگر یک جوان طفل را به داشتن ارتباط جنسی مجبور سازد ویا ویرا (مزکریا مؤنث) به هر طریقه جنسی مورد استفاده قرار دهد تجاوز جنسی است مثل نتایج ازدواج طفولیت این عمل بالای دختران چه تا ثیرات را بجامی گذارد؟

1- نتایج روان اجتماعی بالای دختران .

2- خطرات حاملگی قبل از وقت.

3- نتایج به صحت آینده شان.

اطفال ممکن به اشتبا واقع شده ونداند که به آنها چه واقع شده است و ممکن فکر نمایند که خودشان مقصر است دیگر اعضای فامل شاید در مورد سوء استفاده چیزی ندانسته ویا از وقوع آن انکار نمایند.

## تشخیص:-

1- علایم جسمی سوء استفاده کفتگی.

2 - تغییرات ناگهانی را ملاحظه نماید.

- 3- علایم فیرنولوژیکی جسمی.
- 4- تغییرات در سلوک.
- 5- تقلیل احترام بخود.

### معالجه:-

باروش طبی زخمها رامعالجه نماید ، برای بهبود روان اجتماعی و آماده نمودن فرصت برای طفل جهت ابرازاحساسات شان، اطفال که به حفاظت ضرورت دارند:

- 1- اطفال سرباز
- 2- اطفال متاثر از جنگ بشمول قربانیان ماینهای زمینی.
- 3- اطفال مهاجر.
- 4- اطفال جدا شده ازوالدین.
- 5- اطفال محروم از مواظبت والدین.
- 6- اطفال که در شرایط بد کار میکنند.
- 7- اطفال ناتوان.
- 8- اطفال که روحاً و جنساً مورد سوء استفاده قرار گرفته اند.
- 9- اطفال که در قانون درگیرند.
- 10- اطفال روی سرگها.
- 11- استعمال کننده گان مواد مخدر.
- 12- اطفال که در طفولیت ازدواج کرده اند.

### بدبختی بشرناشی ازسه پی ویگ اس است:

Population

تکاثف نفوس

Povereity

فقروبیچارگی

Pollution

آلودگی

Sand pollution

صداهای تخریش کننده

منظور از ارزیابی چهار کله ها فوق تقویت فهم وتوانایی معلمان درملاحظه با ظرفیت وفق وانعطاف اطفال است.

## آموزش برای زنده گی مصون در محیط برای اطفال

در سال 1995 میلادی موسیسه ماین پایی ملل متحد در کابل اعلان خطر میکند و موسیسه دیگر بنام حمایه طفل و مادر تکان می خورد و دفعتاً شروع می کند به احصایه گرفتن، می بیند که (55%) اطفال در افغانستان بر اثر کشت ماین و مواد منفجر ناشده در 23 سال جنگ از بین میرود و (85%) ذریعه مواد منفجر ناشده صدمه می بیند چون کشور ما هنوز از این پدیده زشت مسنون نیتس و بیشترین قربانیان این پدیده را اطفال تشکیل می دهد، مختصراً در این مورد معلومات میدهم

### ماین چیست؟:-

ماین آله است خطرناک و کشنده که در زمین و جاهای که خس و خاشاک باشد گشت یا بعباره ساده توسط افراد مضیر جامعه و جنگ جو گورمی شود، بشتر برای از بین بردن هدفش در جوی، زیرپل و پلچک راه های عبور و مرور مردم گورمی شود.

### مواد منفجر ناشده چیست:-

مواد انفجاری هستند که از میل اسلحه در ساحه جنگی خارج شده و بر اثر عواملی یا عواریزی انفلاق نکرده قابل انفجار هستند.

### چرا اطفال توسط ماینها کشته میشود؟

- 1- اطفال اکثر بشکل گروپی بازی می کند.
- 2- اطفال آهن پاره ها را جمع می کند.
- 3- عدم آگاهی از ماینها و مواد منفلق ناشده.
- 4- ضرورت های اقتصادی و جمع آوری سوخت.
- 5- حس کنجکاوی و کشیدن سیمها.
- 6- بازی با اشیاء ناشناخته.
- 7- اطفال جسماً کوچک هستند و زود صدمه می بینند.
- 8- عدم آگاهی اطفال از ساحات خطرناک.

### با کدام راهها اطفال را از خطر ماین نجات میدهم؟

- 1- ماین را بشناسد.
- 2- مواد منفجر ناشده را بشناسد.

- 3- ساحات محفوظ و غیر محفوظ را بشناسد.
- 4- طفل اگر درگشت زارماین قرار بگیرد چگونه نجات پیدا کند.
- 5- راههای مصون و عادی از ماین را برای شاگردان تفهیم کنید.
- 6- با استفاده از چارتهای موضوع را روشن سازید.
- 7- از اشکال و تصویرهای ماین و مواد منفجرناشده معلومات لازم داده شود.

### در تدریس ماین کدام نکات ضروری است؟

- 1- تفهیم زندگی آرام و بدور از خطر برای شاگردان.
- 2- تفهیم کم شدن تلفات از ضررهای ماین و مواد منفلق ناشده.
- 3- تفهیم رنگها و نشانی های خطر و مصون در اراضی.
- 4- در صورت امکان نشان دادن ماینها و مواد منفجرناشده.

### علائم ساحات خطر ناک

- 1- خطوط اول جبهه.
- 2- پوسته های ترک شده نظامی.
- 3- جاهای مخروبه.
- 4- جاهای که راه بوده و مسدود شده.
- 5- اسکلیت و استخوانهای حیوانات.
- 6- جنگلهای خشک و شکسته.
- 7- خطوط سرحدی.
- 8- میدان های جنگ.

### بازگشت از ساحات ماین

علائم :- علامتی می باشد که توسط محل گذاشته می شود و آرنانشان غیر رسمی نیز می گویند و غرض آگاهی کارکنان موسیسات ماین پاکی گذاشته می شود.

نشانه ها :- علایمی می باشد که توسط موسیسات دولتی گذاشته می شود و آرنانشان رسمی نیز می گویند و نشانه های رسمی به سه رنگ نشان داده میشود.

سرخ :- رنگ سرخ مکمل خطر ناک است.

آبی :- نشانه مواد منفجرناشده.

سفید :- ساحات مصون و امنیت و پاک شده.

## پیامهای اساسی برای اطفال

### 1- اشیاء ناشناخته :-

- الف : سیمهای ناشناخته را کش و قطع نکنید که خطر ناک است.
- ب : ماینها و مواد منفلق ناشده را با سنگ نزنید.
- ج : آهن های کهنه و پاره را جمع نکنید.

### 2- دوری از جاهای خطرناک :

- الف : جاهای که با رنگ سرخ نشانی شده .
- ب : عراده جات تخریب شده.
- ج : خانه های ویران و متروکه.
- د : محلات جنگی و پوسته های نظامی.
- هه : جاهای که راه درست معلوم نباشد.

### 3- قربانیان حادثه ماین :-

- الف : یگ ماین دلیل موجودیت ماینهای زیاد است.
- ج : بطرف قربانی حادثه ماین نروید که خود شما خطر دارید.
- ب : محل خطرا به بزرگ سالان و تیم ماین پاکی خبر دهید.

### 4- دیدن ماین :-

- الف : با دیدن ماین استاده شوید.
- ج : با پل پای تان به آهستگی بر گردید.

## نتیجه رساندن پیام به اطفال:

- 1- وانمودن ساحات ماین به اطفال توسط نمائیش.
- 2- جلوگیری از رفتن به ساحات غیر مصنون به شکل نمائیشی.
- 3- بلند بردن سطح آگاهی اطفال در رابطه به خطرات ماین ها و مواد منفلق ناشده.
- 4- دانستن فعالیت های ضرر آور.
- 5- تشویق اطفال به فعالیت های سالم، مساعد نمودن زمینه انتقال دانش توسط بازی.
- 6- ایجاد فضای دوستانه در بین اطفال.
- 7- هرچه در باره خطرات ماین ها میدانید به دیگران بگوئید.

## جنگ و پیامد های ناگوار آن در جامعه

- 1- جنگ برای اطفال تاثیرات منفی روانی را به وجود می آورد.
- 2- باعث محرومیت اطفال از تحصیلات می گردد.
- 3- در خیلی جا ها اطفال ناقص الاعضاء گردیده و میگردد.
- 4- اطفال از داشتن نعمت پدر و مادر محروم گردیده است.
- 5- در جنگ ها بیشترین قربانیان جنگ بزرگسالان بوده است.
- 6- جنگ باعث آواره گی، دربدری و مهاجرت اقشار مردم کشور شد.
- 7- جنگ باعث ویرانی کشور گردید.
- 8- ثبات مرکزی کشور از بین رفت.
- 9- پیشرفت های فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی کشور عقب ماند.
- 10- در اثر جنگ معادن کشور استفاده غیر قانونی ، قاچاق یا کاملا پوشیده ماند.
- 11- پدیده های طبیعی مثل جنگلات ، باغها و پارک ها از بین رفت.
- 12- حقوق بشری اقشار مردم خصوصا نسوان نقض گردید.
- 13- ویرانی و نابودی زیر بنایی فکری.
- 14- تخریب اساسات اجتماعی.
- 15- بهم خوردن شبکه ارتباطات اجتماعی و رفاهی مانند پل ها، سرک ها، تلفون ها، بند ها.
- 16- اختلال و اضمحلال سیستم های تعلیمی.
- 17- تخریب ساختار سیاسی ، حکومتی و نظامی.
- 18- جوانه های برومند جوانان کشور و نیروهای بالنده ای آینده ساز است.
- 19- تلفات انسانی، معلولیت و از کار افتادن نیروهای فعال.
- 20- باعث قحطی و نابودی عمرانی.
- 21- هرز و هدر شدن شرانیط و عقب افتادگی کشور از کاروان تمدن جهانی.
- 22- آلودگی فضا و شیوع امراض گوناگون.
- 23- بی سر پناهی و بی سرپرستی اطفال.
- 24- باعث سقوط مرال و حیثیت کشور در سطح جهانی.
- 25- اختلال سیستم زراعتی و قطع راه های ترانزیتی و شیوع اختلالات روانی.

## تاثیرات جنگ بالای بزرگسالان

- 1- عدم اعتماد متقابل.
- 2- سقوط مرال صلح ، سلام، اخوت و صمیمیت.
- 3- پدیدار شدن تنیش ها ، عصبیت های منطقی ، زبانی، مذهبی و نژادی.
- 4- تخریب امکانات مادی.
- 5- پیری زود رس و آفات جسمی.
- 6- تخریب و تضعیف امکانات فکری ، شغلی و حرفوی.
7. هجوم عقده های روانی.

8. خود بیگانگی.
- 9- از دست دادن استعداد و ابتکار، نو آوری و گزینش خوبیها و زیبایی ها.

## تأثیرات جنگ بالای اطفال

- 1- محروم سازی اطفال از تعلیم و تحصیل.
- 2- بار آمدن اطفال به صورت عقده ای ، خشم آلود ، ناراض و ترسو.
- 3- ازدیاد حس عدم اعتماد و نفرت و عدم خوشبینی به آینده.
- 4- مرگ و میر و بازمانی از رشد سالم عقلانی و جسمی.
- 5- مهاجرت و آواره گی.
- 6- سرخوردگی و احساس شکست دانیمی.

## شاگردان مهمترین سرمایه کشور

تعریف شاگرد:- شاگرد یا شاگردان اساسی ترین مواد اولیه هر نظام آموزشی بشمارمی رود ازوظایف این نظام است که در تربیت وپرورش درست، سالم و به موقع آنان فعالیت های ثمربخش را انجام بدهد شاگرد یا شاگردان به نیروی خطاب می شود که با رسیدن به سن معین قوانین ومقررات وضع شده ای مکتب وصنف داری را رعایت می کنند و خویش برای اجرای تمام دستورالعملها، رهنمودها ودایرکتیفا مکلف می دانند به همین لحاظ شاگردان را محصولات اساسی نظام آموزشی توصیف میکنند.

## اهمیت شاگردان:

شاگردان مهمترین، اساسی ترین سرمایه کشور ها بشمارمی رود زیرا همین شاگردان امروز است که شخصیتهای بزرگ علمی، سیاسی و اجتماعی فردا می شود و چرخ حرکت جامعه را بسوی پیشرفت و ترقی در کنترل می گیرند.

مکتب باید آنها را طوری پرورش دهد وتوانا سازد که بمثابة افراد لایق قادر باشند، شرایط زنده گی خودرا بهبود بخشند ودر ترقی و توسعه کشور و انکشاف سطوح مختلف عمومی بیشتر سهیم باشند، با توجه به اینکه دوستان، خانواده ها، مسجد، کلیسا و شرایط دیگر محیطی واجتماعی در تربیت اطفال به انواع گوناگون نقش مهم دارند اما در تربیت آنها مکتب و تدریس از جایگاه خاص برخوردارند.



## وظایف شاگردان در تدریس:

با توجه به اینکه شناخت خصوصیات فردی شاگردان مانند: هوش، استعداد، علاقه، انگیزه، رشد عاطفی، رشد جسمی، رشد اجتماعی، رشد فرهنگی و غیره از وظایف معلم است. باز هم معلم بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی نمی‌تواند تدریس موثر داشته باشد بدین اساس خصوصیات شاگردان در جریان تدریس تاثیر بسزای دارد که باید همیشه در نظر گرفته شود. حجتی دانشمند ایرانی وظایف شاگردان را در بهتر شدن تدریس طور ذیل خلاصه نموده است:

- 1- احترام به معلم.
- 2- تواضع و فروتنی به معلم.
- 3- آماده گی ذهنی و روحی برای شرکت در صنف درس.
- 4- پرسش بموقع از معلم.
- 5- توجه به وضع ظاهری خویش.
- 6- حضور در صنف قبل از معلم.
- 7- تحمل تندروی های معلم.
- 8- تلاش برای یادگیری.
- 9- رعایت نوبت در سوال پرسیدن.
- 10- بیان نظرات خود در قالب ادب و احترام.
- 11- دوری از خودنمای.
- 12- حفظ مراتب احترامی عمومی

## مهارت‌های مورد نیاز شاگردان

اگر به منابع جدید و شبکه های اینترنتی به ویژ به شبکه انجمن برنامه ریزی درسی مراجعه شود، مهارت‌های مورد نیاز شاگردان را در قرن 21 بیست و یک به سه دسته تقسیم کرده است

### اول: مهارت‌های انسانی:-

- 1- استقلال.
- 2- واقعیت جویی.
- 3- انعطاف پذیری.
- 4- عزت نفس.
- 5- نگرش جهانی.
- 6- تفکر استراتژی و سیستمی.
- 7- روحیه پرسش گری.
- 8- پژوهش.
- 9- چگونه انجام دادن

- 10- چگونه با دیگران زیستن.
- 11- چگونه شدن.
- 12- مشکل گشایی.
- 13- اعتقاد به ارزش ها.
- 14- توان برقراری ارتباط.
- 15- مشاکت جویی.
- 16- تعمق.
- 17- مسؤلیت پذیری.
- 18- مقابله با ستیرس و غیره.

### دوم: مهارتهای پایه مشترک:-

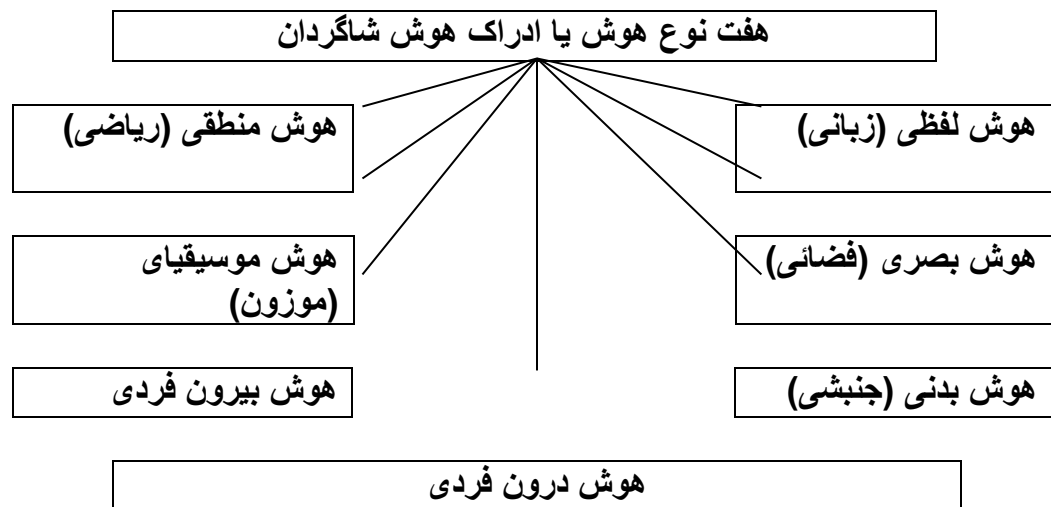
- 1- حل مسأله.
- 2- تفکر خلاق.
- 3- خود آگاهی.
- 4- همدردی و همدلی.
- 5- گره زدن عقلانیت تکنیکی با عقلانیت عاطفی.
- 6- تفکر اعتقادی.
- 7- بصیرت تکنولوژیکی.
- 8- بصیرت قانونی.
- 9- تصمیم گیری.
- 10- ارتباط مؤثر.
- 11- مقابله با تضادها.

### سوم: مهارتهای شخصی:-

- 1- پابندی به ارزش ها.
- 2- حق گوی ها.
- 3- حق طلبی.
- 4- معرف گزارى.
- 5- مباحثه و مذاکره.
- 6- توان انجام کار(فیزیکی، فکری)
- 7- برنامه ریزی حرفه ای.
- 8- نفوذ در دیگران.
- 9- قدرت رهبری و غیره.

## هوش هفتگانه شاگردان

پروفسور ( هوادرگاردنر) استاد و روانشناسی شناخت در (دانشگاه هاروارد) در کتاب خود تحت عنوان چارچوب های ذهن نظر به هوش چندگانه به ارائه این دیدگاه پرداخت که انسان دارای حداقل دارای هفت نوع هوش یا ادراک هوش می باشد که بعضی از این هوش ها در بعضی از شاگردان قوی تر می باشد، همچنان کورت لوین (1890-1947) پژوهشگر و دانشمند و روانشناس آلمانی مقیم آمریکا به این نظر متعید است که یاد گیری با پیشرفت هوش ارتباط مستقیم دارد.



### الف - هوش لفظی (زبانی):

شاگرد اینکه این نوع هوش در آنها بیشتر است دارای خصوصیات ذیل می باشد.

- 1- از طریق کلمات تحریری و شفاهی تفکر میکند و یاد می گیرد.
- 2- دوست دارد گوش بدهد، بشنود و بخواند.
- 3- املا صحیح دارد.
- 4- بحث کننده توانا است.
- 5- حافظه خوبی برای حفظ موضوعات جزئی و پیش پا افتاده دارد.

### ب - هوش منطقی (ریاضی):

شاگردانیکه با این نوع هوش در آن ها زیاد است دارای مشخصات ذیل اند:

- 1- به شیوه قیاس یا استنتاجی می اندیشد و با اعداد سروکار دارد.

- 2- دوست دارد دقیق باشد.
- 4- یادداشت را ترجیح می دهد.
- 5- به مسأله های ریاضی علاقه مند است.
- 6- دوست دارد کارهایش خوب سازمان یافته باشد.

### ج - هوش بصری (فضائی):

شاگردان که هوش بصری آنها زیاد است دارای خصوصیات ذیل است:

- 1- در قالب تصاویر می اندیشند و آنها را در ذهن خود مجسم می کنند.
- 2- از هنر های تجسمی، طراحی و نقاشی لذت می برند.
- 3- در خواندن و درک نقشه ها درک خوب دارند.
- 4- حس نیرومند، تشخیص رنگ دارند.
- 5- به کمک تصاویر به خاطر می آورند.
- 6- تصاویر ذهنی می آفرینند.

### د - هوش موسیقایی (موزون):

این شاگردان دارای خصوصیات ذیل است:

- 1- نسبت به وزن و آهنگ حساس است.
- 2- نسبت به نیروی عاطفی موسیقی حساس است.
- 3- با موسیقی می نوسند.
- 4- با موسیقی آسانتر یاد می گیرند.
- 5- نسبت به صداهاى مختلف در طبیعت حساس است.

### ه - هوش بدنی (جنبتی):

- 1- با حرکت دادن بهتر یاد می گیرند.
- 2- دوست دارند لمس کنند.
- 3- از طریق حرکت بدن، بازی و فعالیت های ورزشی آسان تر یاد می گیرند.
- 4- باز کردن را یاد گرفته دوست دارند.
- 5- با مشارکت در فراگیری دسته جمعی یاد می گیرند.
- 6- هوش برون فردی (مشارکتی): ویژگی های این گونه شاگردان قرار ذیل است:

- 1- با مشارکت در گروه آسانتر یاد می گیرد.
- 2- به ساده گی می تواند با دیگران ارتباط برقرار کنند.
- 3- در ایجاد ارتباط و آمیختن با گروه موافق است.

- 4- دوستان متعدد دارند.
- 5- از فعالیت های گروهی لذت می برد.
- 6- همیشه آماده همکاری است.
- 7- موفقیت های اجتماعی را بخوبی درک می کند.

## 7- هوش درون فردی (انفرادی):

خصوصیات این شاگردان از این قرار است:

- 1- دوست دارد در انزوا و تنهایی کار کند.
- 2- نسبت به ارزش های شخصی حساس است.
- 3- عمیقاً از احساسات فردی خود آگاهی دارد.
- 4- عمیقاً با نقاط قوی و ضعیف خود آشنا است.
- 5- با دقت گوش می دهد.

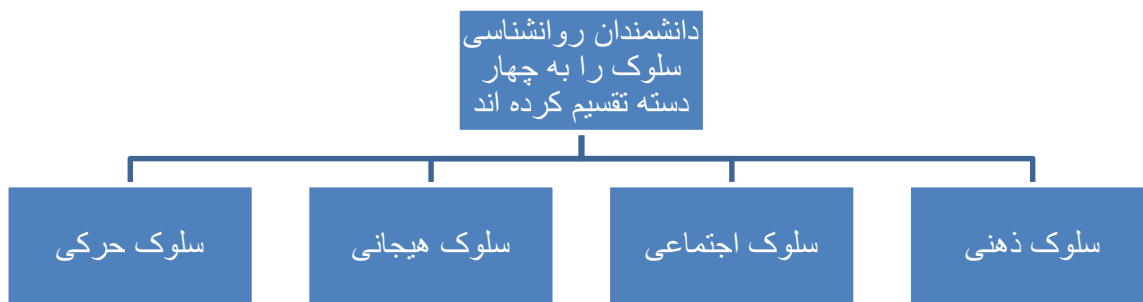
می دانیم که سلوک شناسی و رعایت در تدریس و تربیت برای ساختن شخصیت مثبت برای اطفال موثر است بناءً برای شناخت سلوک و شخصیت به نکات ذیل توجه می کنیم :

سلوک : مجموعه خوی و آداب یک شخص است

سلوک : عبارت از حرکات و سکنات با معنی و با هدف انسانها است و یا تمام رفتار و حرکات ما که هدف را در قبال داشته باشد عبارت از سلوک است.

## روانشناسی " سلوک شناسی " Psychology

تعریف : روانشناسی علمی است که کردار و رفتار موجودات زنده را کشف، علل و روابط را با محیط مورد بحث قرار می دهد علم روانشناسی کردار انسانها را به چهار دسته تقسیم کرده اند که جدول و تشریح چهار گانه آن قرار ذیل است:



**1- سلوک ذهنی :** این سلوک از آن فعالیت‌های بشر بحث می‌کند که به ذکاوت و عقل ارتباط داشته و یا فعالیت‌های دماغی را بنام سلوک ذهنی یاد می‌کنند مانند نوشتن، به انشأ در آوردن، خواندن، فهمیدن و غیره.

**2- سلوک هیجانی :** این سلوک از آن فعالیت‌های انسان بحث می‌کند که به احساسات ارتباط دارد مثل دیقی، خفگی، قهر، غضب، خستگی، دیلداری همه به سلوک هیجانی یا احساساتی مربوط می‌شوند.

**3- سلوک اجتماعی :** این نوع سلوک روابط انسانها را با یکدیگر نشان می‌دهد چه این روابط خوب باشد مثلاً یک شاگرد یک مضمون را به آواز بلند میخواند برادری پهلویش نشسته مزاحمش می‌شود پس سلوک اجتماعی را مراعات نکرده، روط بین اعضای خانواده، صنف، مکتب، قریه، شهر، وطن و بالاخره کشور، جهان که ما در آن زندگی می‌کنیم مربوط است به سلوک اجتماعی.

**4- سلوک حرکی :** این نوع سلوک عبارت از آن دسته فعالیت‌های بشر می‌باشد که منابع و محصولات تولیدی را به میان می‌آورد که در آن ترتیب و هماهنگی دست و پای و عضلات و چشم ارزش فوق العاده دارد مانند دهقانی، تجاری، آهنگری، قالین بافی و غیره کارها.

## شخصیت

شخصیت عبارت از مجموعه صفات و حالات روانی، احساساتی و اجتماعی یک شخص است که ارزش انسانی داشته باشد. بعباره دیگر شخصیت عبارت از مجموعه حالات، خصوصیات، گرایشها و افکار فرد است، روانشناس آمریکائی " جورج میله " تأثیر جامعه را در پیدایش شخصیت فرد عامل اصلی می‌داند.

وراثت + محیط "اجتماع" = شخصیت.

اما از نظر ما با لاتر از وراثت و محیط در تعیین شخصیتها قدرت اراده و رضای خداوند (ج) رول اساسی دارد.

## انواع شخصیت

"ولیم اشلان" فرانسوی معتقد است و میگوید که رابطه میان ساختمان جسمانی و صفات شخصیت وجود دارد بر سه دسته تقسیم نموده است: -

**1- اندرموروف :** اشخاص "چاق" نرم پوست کسانی که از لحاظ ساختمان چاق اند و پوست نرم دارند و مردمان راحت طلب از این دسته افراد اند اینها نسبت به مردم مهربان و خوش گذران اند.

**2- موزوموروف:** "بدن قوی" چارشانه "بلند قامت" کسانی که دارای بدن قوی، چارشانه و بلند قامت هستند این دسته افراد فعال، قوی و پیشرو هستند.

**3- اکتوموروف:** "لاغر اندامها" دارای بدن لاغر و استخوان ظریف هستند، این دسته افراد گوشه گیر اکثراً در خود فرو میروند و نسبت به موارد و وقایع و صداها بسیار حساس می باشند.

روانشناس سویسی "کارلبونک" شخصیت را به دودسته تقسیم کرده است :-

1- بیرون نگر

2- درون نگر

**الف: اوصاف افراد بیرون نگر :-**

این نوع شخصیت ها از بودن با مردم و معاشرت با آنها لذت میبرند اینکه دیگران بخواهند از احساسات و افکار آنها آگاه شوند ناراحت نمیشوند و بکارهای دیگران ارزش میدهند برای دنیا قدر و منزلت قائل است تمایل در گرانیدن با دیگران دارند در فعالیتهای دسته جمعی شرکت میکنند در بین این دسته شخصیتهای برجسته ، تیزهوش و سعادت مند دیده میشوند.

**ب: اوصاف افراد درون نگر :-**

این دسته افراد بشتر مایلند که تنها باشند ویا فقط با افراد که آشنائی دارند معاشرت نمایند افکار و عقاید خود را در خود نگه دارند برای محصورات افکار خود ارزش قایلند و بیشتر میل به انزوا دارند.

**عوامل تشکیل دهنده شخصیت و موثریت آن در تشکیل شخصیت**

1- ساختمان جسمی و روحی

2- وراثت

3- ترشحات غده ها

4- تغذیه

5- محیط زندگی خانواده گی، دین و مذهب

6- وضع زندگی اجتماعی، کسب، پیشه، وضع شهر و کشور

7- تعلیم و تربیت

8- هم نشینان و دوستان

9- همسایگان، شرکا، هم صنفها، هم مدرسه و همسفر

10- تلقین ها از طرف خود و دیگران

11- مطالعات یا غذاهای فکری

12- حوادث پیش بینی شده

13- اراده و خواست خود انسان، تلاشها و کوششها

## مراحل مهم یادگیری :-

- 1- خواندن 10%
  - 2- شنیدن 20%
  - 3- دیدن 30%
  - 4- دیدن و شنیدن 50%
  - 5- بحث کردن 70%
  - 6- تجربه کردن 80%
  - 7- آموختن 95%
- مهارتهای آموزشی عبارت اند از :-

- 1- خواندن
- 2- شنیدن
- 3- دیدن
- 4- نوشتن

## موضوع را که ما آنرا بدیگران می آموزانیم :-

رول یک معلم در این مراحل آموزشی چیست؟  
معلم باید درسهای خود را طور پلان گزاری کند که درس شان شکل علمی و نظری داشته باشد و باید در نظر داشته باشد که بدون موجودیت سه عنصر ذیل پروسه آموزش مفید نیست.





## محیط بسته آموزشی

**انجام دادن :** اطفال و معلم با هم یکجا راجع به موضوع آموزشی فعالیت اجرایی کنند.

**صحبت کردن :** زمانی که معلم و اطفال فعالیت را اجرایی کنند نظریات شانرا با یکدیگر تبادل می کنند، زبان جدید را می آموزند تا در مورد موضوع آموزش صحبت کنند.

**ثبت کردن :** معلم و اطفال آموزش خودرا پیرامون یک مطلب توسط رسم کشیدن و یا دیاگرام، نوشته ها، گرافها و چارتهای ثبت می کنند مثال ترسیم حیوان که رسم می کنید " یه شاگردان دستور بدهید تا هر یک طبق سلیقه خود حیوانی را رسم کند و بعد در باره اش این سوالات را جواب بدهید این حیوان چه قسم حرکت می کند؟ چه نوع غذا میخورد؟ در کجا زندگی می کند؟ به چه شباهت دارد؟ "

### چه وقت آموزش بهتر صورت میگیرد؟

- 1- در محیط آرام
- 2- امنیت کامل
- 3- درحین ضرورت
- 4- تشویق استاد ووالدین
- 5- صحت کامل
- 6- درس جنبه عملی داشته باشد
- 7- بسیط، ساده و روان باشد
- 8- دلچسب باشد
- 9- قابل اخذباشد
- 10- ارتباط به زندگی داشته باشد

### طفل از کدام طریقه ها بهتر می آموزند؟

- 1- از طریق تشویق پدر، مادر و معلم
- 2- از طریق حواس پنجگانه
- 3- از طریق رادیو و تلویزیون
- 4- از طریق قصه های جالب
- 5- از طریق حکایت ها

همچنان اطفال از طریق عملی نمودن و آزمایش خوب می آموزند. اطفال ضرورت دارند تا بدانند طرق مختلفی برای نوشتن وجوددارد و هر طریقه برای هدف مشخص بکار برده می شود.

## چهار طریق قصه نویسی یا حالات نگارش در قصه

- 1- حکایت: میتواند حقیقت داشته باشد یا نداشته باشد
- 2- روایت: آنست که مکمل حقیقت داشته باشد (نقل و قول)
- 3- گزارش: عبارت از آرایه معلومات در باره يك موضوع است
- 4- طرزالعمل: بوجود آوردن یا انجام دادن اهداف عبارت از طرزالعمل است

### هدف از قصه گوي:

- 1- تجربه حاصل مي کند
- 2- تشويق ميشود
- 3- عملا مي بيند
- 4- فراموش نمي کند
- 5- رشد و نموميکند
- 6- روحيه تقوا پيدا مي کند.
- 7- ثبت ميکند
- 8- کنجکاو بار مي آيد
- 9- مغزش انکشاف مي يابد

### قصه یا داستان:

داستان يك استراتژي پراهميت است که معلمان بايد آنرا در تدريس بکار ببرند، خواندن و قصه گويي يك بهبود مهارت هاي حرف زدن و گوش دادن اطفال محسوب ميشود، اطفال به قصه ها گوش مي دهند و از آن لذت ميبرند. بدین وسيله تشويق گرديده تا خواند را آموخته و در اخير خود قصه بنويسند، ضروي پنداشته مي شوند تا اطفال فعال باشند و در مرکز آموزش قرار گيرند. قصه يك روش خوبي براي انتقال مفاهيم و اظهار مفکوره ها جهت بهبود و انکشاف مهارتهاي زبان شمرده مي شود، توليد انگيزه ايجاد صميميت، تقويه گفتن، و به واقعيت ها پي بردن ، جلب توجه شاگردان ، شناخت و اجراي نقش خود و عيار نمودن صنف براي آموزش اهداف اساسي قصه ها است. بعضي اوقات اطفال نياز دارند که در مورد يك حادثه بخوانند و بنويسند. بعضي اطفال نياز دارند تا معلومات و حقايق که در باره حوادث که حقيقت داشته باشد بنويسند، بعضي اوقات اطفال ضرورت دارند درباره اجراي چگونگي کاري يا قواعد يك بازي بخوانند و بنويسند. به قصه گوش دادن، لذت بردن و وسيله تشويق شاگردان به خواند و نوشتن است.

### انواع ميتودها:

- 1- ميتود گروپي
- 2- ميتودانفرادي .
- 3- ميتود برفي

- 4- میتود اشتراکی یا دسته جمعی
  - 5- میتود سوال و جواب
  - 6- میتود صحیح و غلط
- از هر میتود که برای آموزش صورت میگیرد نکات ذیل در نظر گرفته شود:
- 1- سطح دانش طفل
  - 2- شناخت طفل
  - 3- سطح زنده گی اطفال
  - 4- سطح فکری اطفال
  - 5- ذهنیت اطفال
  - 6- تنها خواندن کتاب شرط نیست لکن آموزش شرط است.
- در میتود اشتراکی انجام دادن ، حرف زدن و ثبت کردن در نظر گرفته شود. و در صنف نیز سه مسئله فوق باید در نظر گرفته شود.

## آموزش از طریق قصه ها

- بکار بردن مهارتهای قصه گوی و قصه نویسی بطور مستقلانه است و یکی از میتودهای اساسی ورکشاپ ها و تدریس در صنف است.
- موضوع: نقش قصه ها در تولید انگیزه برای شاگردان
- هدف: ساختار های داستانی و طریقه های تدریسی برای اطفال در باره قصه و داستانها
- سوالات: بعد از ختم قصه سوالات ذیل پرسیده شود!
- 1- در قصه چه فکر کردید؟
  - 2- در مورد آن چه احساس کردید؟
  - 3- قصه چطور آغاز یافت؟
  - 4- آیا به مشکل کدام راه حل وجود داشت؟
  - 5- مشکل عمده در قصه چه بود؟
  - 6- قصه چطور پایان یافت؟

## انواع قصه ها و قصه های گنگ

- 1- خنده آور (تمثیلی)
- 2- غم انگیز
- 3- آموزشی و تربیتی
- 4- کوتاه
- 5- حقیقی و غیر حقیقی
- 6- وحشتناک
- 7- اخلاقی
- 8-

## خصوصیات يك قصه خوب

- 1- ساده و عام فهم
- 2- جالب و دلچسب
- 3- کوتاه
- 4- با آغاز و انجام
- 5- دارای هدف
- 6- مشکل داشته باشد
- 7- راه حل داشته باشد
- 8- آموزنده باشد
- 9- در قصه کرکتر های دلپذیر وجود داشته باشد
- 10- پیام داشته باشد
- 11- مطابق روحیه شاگرد باشد
- 12- پند و اندرز داشته باشد
- 13- جنبه های اخلاقی داشته باشد
- 14- نتیجه داشته باشد
- 15-

## اطفال کدام نوع مهارتها را از قصه حلقوي مي آموزند؟

- 1- مفکوره و ذهنیت
- 2- مهارت گوش دادن
- 3- ثبت کردن
- 4- صحبت کردن
- 5- مهارتهای فراگیری تسلسل وقایع
- 6- استفاده از قوه تخیل
- 7- مهارتهای حل مشکلات
- 8- مهارتهای تصمیم گیری
- 9- مهارتهای تشریح مساعی
- 10- اعتماد به نفس پیدا می کنند
- 11- طریق بحث و مذاکره
- 12- پی بردن به مفهوم کلی قصه
- 13- تقویه روحی
- 14- اتحاد و وحدت بین اطفال

## راپور نویسی حقیقی

- 1- واقعیت داشته باشد
- 2- تاریخ دقیق داشته باشد

- 3- محل حادثه معلوم باشد
- 4- موضوع داشته باشد
- 5- اشخاص شامل موضوع باشد
- 6- وقتش معین باشد

## صنف به حیث محیط آموزشی

مشخصات يك محیط آموزشی خوب صنف قرارذیل تشریح میگردد:

- 1- تولید انگیزه برای انکشاف ذهنی شاگردان موجود باشد
- 2- فعالیت های صنفی موجود باشد
- 3- مواد محیطی به عنوان مواد ساده درسی استفاده شود
- 4- رابطه معلم و شاگردان دوستانه و صمیمی باشد
- 5- غرض سوال و جواب به شاگردان مورال قوی داده شود
- 6- رقابت های صنفی بین شاگردان ایجاد شود
- 7- برای تلاش شاگردان به فراگیری درس جوایز مانند کتابچه و قلم داده شود
- 8- در حین تدریس به جلب توجه شاگردان دقت شود
- 9- محل تدریس محیط آرام داشته باشد
- 1- لوازم درسی بطور کافی آماده باشد
- 2- سامان و لوازم سمعی و بصری کاملاً آماده باشد
- 3- صنف دارای تعمیر باشد
- 4- خستگی روحیه شاگرد توسط ارزیابی معلم از روحیه اش به همکاری والدین رفع گردد
- 5- ارزیابی از درس گذشته دوامدار باشد و فکاهی مربوط به درس گفته شود
- 6- تفهیم بطور شفاهی و عملی باشد
- 7- در حاکم نمودن نظم در صنف کوشش شود
- 8- کار خانگی دایماً داده شده و اصلاح گردیده در مقابل شاگردان تحسین گردد
- 9- صنف پاک باشد
- 10- وقت شروع و ختم درس وقت معین داشته باشد
- 11- صنف وسعت داشته دارای مقررات باشد

## شاگردان به حیث مرکز فعالیتها یا تدریس

- 1- شاگردان بطور انفرادی فعال بوده ، و کار میکند ، نظریات، احساسات، تجارب و ضروریات شان را میگویند و عملی میکند
- 2- معلم تنها حیثیت رهنما را داشته و به شاگردان هدایت می دهند، تمام کار و فعالیت را شاگردان انجام می دهند و دانش به آنها خوب انتقال می کند

- 3- به دماغ شاگرد فشار کم بوده و توسط مثال موضوع را خوب درک میکند
- 4- تمام فعالیت را شاگردان انجام می دهند
- 5- به طریقه حالیه اولاً يك مطلب را به طور مثال ( تصویر) یا به طور سوال ها واضح یا در باره آن يك مطلب ساخته میشود . که این کار توسط خود شاگردان انجام میگردد.
- 6- استاد پلان درسي منظم داشته و مواد درسي ترتيب و به کار مي اندازد.
- 7- شاگردان مرکز فعالیت بوده اکثر کارها را انجام می دهند.
- 8- اطفال ترس نداشته ، درس به طور میخا نیکی نبوده شاگردان عملاً کار میکنند.
- 1- به شاگردان اشياي جديد ، طریقه ها و مثالها گفته میشود و تجربه برایش انتقال می یابد.
- 2- به شاگرد خطاب کمتر بوده و کارها عملاً صورت میگردد.
- 3- آموزش چه قسم صورت میگردد به شاگردان موقع داده شود که چیزی را یاد بگیرد.
- 4- به شاگرد چیزی کم گفته شود باید خود شاگرد فکر کند و فکر خود را به کار اندازد تا چیزی را یاد بگیرد .
- 5- شاگردان تنها نیستند بلکه همه مشترك و یکجا کار می کنند.

### اداره سلوك، رفتار در صنف

هدف: انکشاف مهارتها جهت توسعه احترام برای اطفال و هم برای معلمان هر دو در داخل صنف برای معلمان يك امر ضروري است تا به اطفال كمك نمايد که نسبت به خود احساس رضامندی نماید بعضی اوقات اطفال در صنف کارهاي را میکنند که شاید معلم را ناراحت و بی حوصله کند برای معلم لازم است تا بدانند چطور احساسات و سلوک خود را اداره نماید. معلم باید به اطفال تفهیم بدارد که بعضاً سلوک آنها قابل قبول نیست خصوصاً زمانی که آنها شوخی می کنند یا در صنف مزاحمت ایجاد میکنند.

سوال: درینجا وظیفه يك معلم موثر چیست؟  
مثلاً زمانی که درس میدهید و میخواهید در صنف يك سوال مطرح کنید فقط چند شاگرد هر دفعه دست بالا نموده و جواب می گویند اگر از سایر شاگردان بخواهید جواب بگویند به چشمان شما خیره شده جواب نمیگویند در مورد چه میگوید؟

جواب:

- 1- استاد به شاگردان موقع نداده است
- 2- در درس استاد همیشه متوجه يك گروه خاص بوده
- 3- درس يك جانبه بوده و بقیه شاگردان احساس حقارت میکنند
- 4- استاد برای سهولت کار خود شاگردان را سهم و حصه نداده است
- 5- وظیفه معلم است که در حین درس همه شاگردان را سهیم بسازند
- 6- وظیفه معلم است که احترام متقابل در برابر همه شاگردان داشته باشد
- 7- وظیفه معلم است که شاگردان را تشویق کند
- 8- وظیفه معلم است که با شاگردان با عاطفه و مهربان باشد
- 9- وظیفه معلم است که توجه به افسردگی همه شاگردان داشته و برای رفعش بکوشند

## نتیجه آخر:

اطفال به مکتب می آیند تا بیاموزند بعضا شاگردان که به مکتب می آیند، شاید گرسنه یا خسته باشد یا با احساسات که آنها را ناراحت می کند روبرو باشد به خصوص شخص که در خانه اش مریض است یا به سفر رفته است ، معلم باید دوست طفل باشد و نقش خود را در باز کردن جهان آموزش برای آنها بازی نماید.

## حالت اول:

- سوال: شما در صنف مضمون جغرافیه را تدریس منمائید رو طفل در صنف شوخی منماید و بر شما می خندد بگوید در مورد اینکه چرا چنین حالتی رخ میدهد و معلم چه باید بکند؟!
- 1- شوخی هر دو طفل از بی توجهی معلم است ، معلم باید بحال شاگردان بسیار متوجه باشد
  - 2- علت خنده سوال شود اگر ملامت بودند برای شان توصیه لازم شود
  - 3- استاد شاگردان را طوری راهنمایی نماید که از اشتباهات خود در صنف و حتی خارج از مکتب جلوگیری نماید
  - 4- استاد شاگردان را بهر نحوی از بازی گوشی جلوگیری کند
  - 5- استاد شاگردان را به یک نظر دیده و در بین شان تفکیک قائل نشود
  - 6- حرکات استاد در صنف مطابق پلان که قبلا ساخته است باشد
  - 7- استاد اگر به درس و مضمون خود حاکم باشد شاگرد بازیگوشی نمی کند
  - 8- استاد عفت کلام را مدنظر داشته باشد با شاگردان در صنف و خارج از صنف کلمات ادبی و اخلاقی را استعمال کند تا شاگردان تحت تأثر ادب و اخلاق بیایند و متوجه حرکات خود در داخل و خارج صنف و مکتب شوند

## حالت دوم:

سوال: شما در صنف مضمون ریاضی را تدریس می کنید ناگهان یک طفل ، طفل دیگر را می آزارد، بگوئید چرا؟

جواب:

- 1- معلم نتوانسته شاگردان را مصروف نگهدارد
- 2- از مهارتهای تدریس استفاده نکرده است
- 3- احترام متقابل را از ابتدا مراعات نکرده است
- 4- سلوک تدریس مراعات نشده است
- 5- معلم شاگردان را تحت نظر نداشته است
- 6- از اول صبح پلان درسی نداشته است
- 7- شناخت صحیح از شاگردان نداشته است
- 8- کنترل و اداره نداشته است
- 9- معلم ممثل نبوده است

## حالت سوم:

**پیشنهاد:** در صنف شما دو طفل اند که هر روز در صنف ناوقت می آید و به این ترتیب شروع اول درس را از دست میدهند اینجا برای شما لازم است که شروع درس اول را برای ایشان بگویید زیرا آنها چیزی درین مورد نمیدانند این موضع را با دیگر اساتیدزیر بحث بگیرید

### برای حل مشکل چه کار باید کرد؟

- 1- یافتن علت دیر آمدن
- 2- تماس با اولیای شاگرد
- 3- سنجیدن فاصله خانه شاگرد
- 4- بوجود آوردن فضای احترام متقابل
- 5- معلومات در مورد وضع اقتصادی
- 6- برخورد همصنفان در عرض راه
- 7- معلوم نمودن طرز برخورد اداره و معلم با شاگرد
- 8- معلومات در باره ای وضع صحی شاگرد

## حالت چهارم:

**سوال:** بعضی اوقات شما می بینید که در صنف روبروی شما استادی مشغول زدن اطفال با چوب دستی است، فکر کنید آیا این راه درست سلوک با اطفال است که باز نزد شما برای تعلم می آید؟

### جواب:

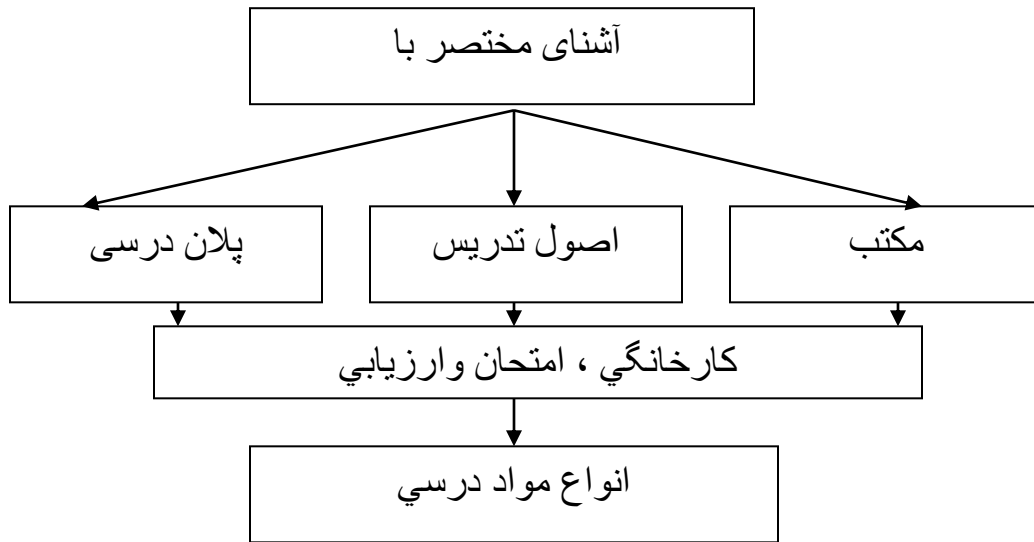
- 1- تهدید روحیه شاگرد را ضعیف می سازد
- 2- مورال تحصیلی و تعلیمی شاگرد متضرر می گردد
- 3- شاگرد از ادامه تدریس و تحصیل دلسرد میشود
- 4- شاگرد نسبت به مکتب و درس بد بین میشود
- 5- زمان مواجه شدن با تهدید یادداشت هایش را فراموش مینماید
- 6- شاگرد ترسو و کم جرأت بار می آید
- 7- در مجامع عمومی جرأت حرف زدن را از دست می هد
- 8- بد نظمی شاگردان از راه مسالمت آمیز مهار شود
- 9- توسط تشویق شاگرد را به رعایت قانون وادار کنید
- 10- برای تفهیم قانون، درس و احترام نظم صنف از مثالها و قصه ها استفاده گردد



بخش چهارم :

# میتود و مواد

## اهداف اساسي اين بخش



## تعریف مکتب

مکتب به گروهی از افراد، به ویژه اندیشمندان روشن فکران و هنرمندان گفته میشود که افکار، آثار و سبک آنها تاثیر اجتماعی مشترکی داشته و یا از نظر اعتقادی دارای نظر درست باشد. این تعریف بیانگر مفهوم مکتب در سطح بالاتر و عمومی تر از آنچه مامی خواهیم در محیط تعلم و تربیه اطفال مطرح کنیم است و میتوانیم متکی به این تعریف گفت اندیشه ها، عقاید، و باورها و افکار هر فرد که نفوذ و تاثیر اجتماعی داشته باشد مکتب گفته می شود و امروز مکتب های زیاد در زمینه سیاست، فلسفه و رویش های دیگر از بزرگان و اندیشمندان و فلاسفه وجود دارد.

## مکتب چیست و به کدام محل مکتب گفته میشود؟

به عقیده پرو فیسور جروم برو نر داکر روان شناس آمریکایی مکتب جای است که این زمینه را بوجود می آورد تا شاگردان نقاط ضعف خود را شناسایی کند و به آنها یاد بدهد که چگونه می تواند از طریق پژوهش ها، مسئله سازی، فر ضیه سازی و غیره فعالیت های متمرکز و هدفمند مشکلات زنده گی خود را بر طرف سازند.

بر علاوه مکتب جایی است که شاگردان محور یاد گیری به حساب می آیند می تواند به طور مطلوب و مناسب (متناسب به رشد ذهنی خویش) از وسایل و مواد آموزشی در جریان یاد دهی و یاد گیری استفاده لازم به عمل آورند. یکی از صحنه های بسیار مهم یاد گیری مکتب است که برای ایجاد عادت های مطلوب شاگردان از بست وازه های کلی اجتناب میکند و بیشتر به جنبه عملیاتی آنها توجه می نماید.

مکتب واقعی جای است که شاگردان را تشویق می نماید تا در عمل به استعداد های پنهان خود پی ببرند.

مکتب جای است که به تمام حدس ها و فر ضیه های شاگردان در مورد مسایل گوناگون ارجح میگذارد. و آنها را به مراحل معقول و معتدل در حل مسایل آشنا می سازد و تمام فر ضیه های شاگردان را اگرچه خام و نارس هم باشد باز هم به بوتۀ محک میگذارد. مکتب جای است که توجه شاگردان را به کا رگشایی جلب میکند تا مسایل زندگی را به نیروی اندیشه و تفصیل حل نماید.

مکتب جای است که شاگردان را طوری رهنمایی و تدریس میکند که خصوصیات خود رهبری را حاصل کند یعنی اینکه شاگرد به نیرو و به دست خود به درس های مختلف پیشرفت کند. مکتب جای است که به شاگردان انگیزه شایستگی و ساختار و یا به سخن دیگر نظم فکر منطقی و عقلی را ایجاد میکند و آنان را از قشر گرای و گرایش اندیشه های سطحی و ناسنجیده بر حذر میدارد. مکتب جای است که شاگردان را از هر نوع تعصبات تبعیض و افکار پر خاشگرانه و ستیزه جویانه بر کنار میدارد.

مکتب جای است که شاگردان را به ارزش و اهمیت اصول و روشهای علمی آشنا میسازد. مکتب جای است که در وجود شاگردان انگیزه و علاقه به زنده گی و همکاری های اجتماعی را به وجود میآورد مکتب جای است که در وجود شاگردان انگیزه و علاقه به زنده گی و همکاری های اجتماعی را بوجود میآورد. مکتب جای است که تمام ارزشهای فرهنگی جامعه را برای شاگردان میآموزد و

با الاخره مکتب جای است که به شاگردان میآموزاند که فقط در پرتو عقل و هوش و اعتماد بخود و صداقت عمل کند میتوان به نتایج مطلوب دست یافت که این امر زمینه های لازم پیشرفت شاگردان را به درس و مکتب میسر میکند و به مثابه افراد سود مند و درد بخور پرورش میشوند. مکتب جای است که مردم در آن محترم هستند ، همه افراد در فعالیت ها شرکت دارند ارتباط مؤثر تمرین میشود ، بین افراد ارتباط مؤثر برقرار است قوانین مدلل که برای فرد و گروه هر دو سود مند است به رسمیت شناخته می شود . شناخته می شود . مسوولین برای رسیدن به انضباطی که مسوولیت فردی را نیز یاد می دهد حمایت و همکاری خود را نشان می دهد.

## معیار های انتخاب نام مکتب

نام مکتب همیشه در همه دنیا حاوی پیام و ارزشهای فوق العاده مهم برای شاگردان و اولیای آنها میباشد . هر شاگرد در مدت زمانی که در مکتب درس میخواند همه روزه چندین بار نام مکتب خود را بزیان می آورد حتی تا آخرین لحظات عمر که نام از مکتب او در محافل، مجالس وغیره، و سایل اطلاعات جمعی بزبان آورده میشود زیر تاثیر آن قرار می گیرد ، خاطرات دوران مکتبش به یادش می آید لذا انتخاب اسم از جمله وظایف خیلی مهم ساختارهای آموزشی است که باید نام مکتب را از میان کلمات و عباراتی انتخاب نمایند که بار ارزشی داشته باشد ، با فرهنگ عمومی کشور سازگار باشد.

آن محط کدام اند؟

- 1- نام های با ارزش فرهنگی نظیر: دانش، صداقت، عصمت، محبت، همدردی، ادب گلستان .
  - 2- مناسبت ها : ایام و حوادث ، اماکن مقدس و تاریخی .
  - 3- اسامی متفرقه مثلاً نام گل ها : لاله ، نسترن ، مریم ، سمبل ، یاسمن و.....
  - 4- نام اماکن و شهرها : لیسه بدخشان ، لیسه بلخ ، لیسه لعل سرچنگل و .....
  - 5- نام افرادی نیکو کار: ابوعلی سینا، خواجه عبدالله انصاری، فخر رازی، سیدجمال الدین ....
  - 6- نام قهرمانان واقعی : علاوالدین ، شهاب الدین ، مسعود، کاظمی، مزاری .....
- هرگاه نام مکتب با در نظر داشت معیارهای ذکر شده انتخاب می شود برای عموم شاگردان الهام بخش بوده و حاوی پیام های مطلوب می باشد که در تکوین شخصیت و چگونگی شکل گیری افکار، اعمال و رفتار آن ها ایفای نقش می کند.

معیارهای انتخاب تابلوها:

بدون شک تابلوهای دیواری در مکاتب بمانند کتابی است که در مقابل دیده گان عموم – شاگردان ، معلمان و سایر کارمندان مکاتب گشوده شده و پیام های آموزشی و تربیتی را به آنان به ارمغان می آورد.

تابلوها و کتیبه ها بخاطری ایجاد می گردد که از طرفی به زیبایی دیوارها و ساختمان مکاتب می افزاید و از طرف دیگر ابلاغ پیام های ، آموزشی و تربیتی برای شاگردان و معلمان میباشد معیار تابلوها باید در راستای اهداف تعلیمی و تربیتی مکاتب انجام شود و متناسب به شرایط سنی و روانی شاگردان انتخاب و اجرا شود.

تابلوها باید متضمن پیامهای فرهنگی و تربیتی، اخلاقی و آموزشی باشد و مخاطبین را به فراگیری و علم اندوزی، سازگاری فردی و اجتماعی ترغیب نماید برای انتخاب پیام - می توان از اشعار و جملات ارزشمند بزرگان و شخصیت ها و رهبران آگاه و توصیه های ائمه معصومین بهره جست. تابلوهایی می توان به دو بخش ثابت و متغیر تقسیم نمود

تابلوهای ثابت از سمنت و کاشی و غیر درست می شود و دارای ثبات بیشتر هست لذا در قسمت نصب، طرح روی تابلو و محل نصب آن وقت بیشتر به خرج داد تا در سالیان دراز در معرض دید بیننده گان خوب جلوه کند.

تابلوهای متغیر تابلوهای است که قابل تغییر است لذا در نوع نوشته و طرح آن دقت شود. چند نمونه از تابلوهای که در دروازه مکاتب نصب می شود.

- 1- سلام بچه ها خوش آمدید.
- 2- وقایه بهتر از معالجه است.
- 3- همیشه خندان و شاد باشید.
- 4- اول اندیشه و بعداً گفتار ((سعدی))
- 5- کوتا زندگی کن اما زیبا و بامعنا ((هولارد))
- 6- افسوس که جوان نمی داند و پیر نمی تواند ((محمد مجازی))
- 7- جدیت در کارنیمی از کار است "شیر"
- 8- پیروزی متعلق به کسانی است که بیش از دیگران استقامت دارد "ناپلیون"
- 9- وظیفه در درجه اول و ثمره آن در درجه دوم است "کنفوسیوس"
- 1- کسی که زیر بار وظیفه و مسئولیت نمی رود هرگز طعمه استقلال را نمی چشد.
- 1- انسان فرزند کار و تلاش خویش است "داروین"
- 2- در تلاش غرق شوید نه در نا امیدی "دیل کارنگی"
- 3- یک وجب کار به از یک جریب وعده ارزش دارد "مثل یونانی"
- 4- جان فدای دوستان حقیقی و همیشگی "عبید ذاکانی"
- 5- پول و مقام آبرو نمی خرد "محمد مجازی"
- 6- هیچ جنگی خوب و هیچ صلحی بد نیست "فرانکلین"
- 7- اخلاق نیمی از دین است "رسول اکرم ص"
- 8- تواضع بیجا آخرین حد تکبر است "لابردیر"
- 9- تکبیر همیشه بر شمشیر غلبه نمی کند "ناپلیون"
- 1- بهترین لحظه زندگی زمانی است که انسان خودش را بشناسد "توستوی"
- 1- خنده بهترین سلاح در مبارزه زندگی است "انا تول فرانس"
- 2- امیدوار باش تا پیروز شوی "مشفق"
- 3- اگر امروز دیروز را فراموش کردی فردایت ارزش ندارد "مشفق"
- 4- مقامت را به اندازه هنرت بخواه "مشفق"
- 5- شاگردان آموزنده امروز و آموزگار فردا است "مشفق"
- 1- آنکه میدانند با آنکه نمی داند شب و روز است "مشفق"
- 2- بنام اولین مربی بشر! "مشفق"
- 3- دوست واقعی سنگر دوست است "مشفق"
- 1- لذت درستی آن است که در مبارزه زندگی امتحان موفق بدیم "مشفق"

دو چیز دوستانم را فراموش نمی کنم : صداقت و خیانت شان را "مشفق»

## تدریس

فعالیت منظم و پلان شده معلم که برای آموزش شاگرد صورت می گیرد و رویش تنوع در نوع اجرا و محتوای آن زمینه ساز تاثیر و تاثر ویا افهام و تفهیم بین شاگردان و معلم و در نهایت بمیان آوردنده یادگیری می شود عبارت از تدریس است.  
یا تدریس عبارت از شناختن شاگردان بصورت فردی و اجتماعی از رهنمای نمودند آنها است.

## اهداف اساسی تدریس

- 1- رسیدن به همه اهداف تعیین شده درتعلیم تربیه .
- 2- ترتیب و تنظیم نصاب تعلیمی تعیین شده به منظور بدست آوردن اهداف مطلوب .
- 3- تطبیق نصاب تعلیمی مطابق به استعداد شاگرد .
- 4- مساعد نمودن شرایط مؤثر آموزشی علمی و تطبیقی .
- 5- شناخت مسئولیت های فردی و اجتماعی .
- 6- ارزیابی شاگردان از روی اهداف تعیین شده.

## تعریف اصول تدریس

عبارت از یک سلسله فعالیت های منظم آموزشی و تربیتی است که شاگرد و معلم هر دو را به هدف می رساند.

و یا طریقه عملی است که به منظور رسیدن به هدف بکارمی رود  
و یا رهنمای های بنیادی تعلیم و تربیه را اصول تدریس گویند.  
و یا اصول تدریس عبارت از آماده سازی شاگردان برای آموزش است.

## عناصر مهم تدریس

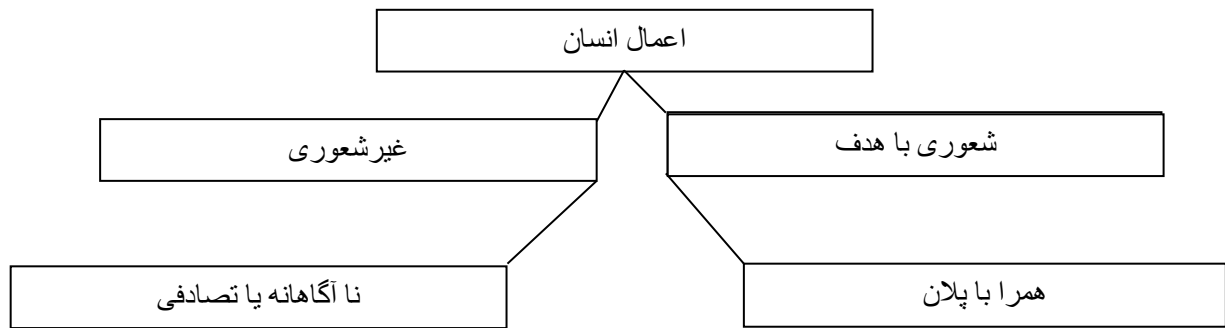
الف : معلم یا مربی.

ب: شاگرد.

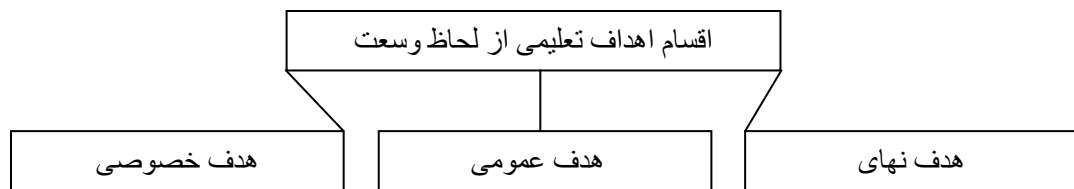
ج : میتود درسی .

د : مواد درسی .

بهترین درس درسی است که در نتیجه بعد از تقدیم درس معلم و شاگرد را به هدف برساند لذا هدف چیست و چگونه اقسام هدف را شناخت ؟



هدف : در لغت مقصد و مرام را گویند و در اصطلاح نتیجه پیش بینی شده ای یک کار را هدف گویند و هدف سه حالت دارد.



هدف عبارت از نتیجه مثبت نهایی و پیش بینی شده ای یک فعالیت را گویند.

## ساختار و نقش آن در تدریس فعال

تعریف ساختار :- دانشمندان تعلیم و تربیه ساختار را مجموعه قوانین و مقررات حاکم به هر سازمان آموزشی میداند.

یابعباره دیگری از عوامل اثرگذار در جریان تدریس ، ساختار نظام آموزشی است که میتواند فعالیت معلم را تحت اشعاع خود قرار دهد و به آنها تاثر وارد نماید بدون شک این قوانین و مقررات که فعالیت معلم را به شکل از اشکال تحت تاثر قرار میدهد ادامه همان قوانین و مقرراتی است که در سطح عمومی کشور به معرض اجرا قرار دارد.

به همین اساس این قوانین و مقررات در همه کشورهای جهان یکسان عمل نمی نمایند در کشورهای که نظام سیاسی آنها بر بنیاد استبداد و خود کامگی پایه گذاری شده آموزش و پرورش و در مجموع تدریس نیز به پیروی از سیاست های کلی آنها به روش دیکتاتوری عمل مینمایند که مرام آن فکرتحکیم پایه های قدرتی است که بالوسیله کودتا ها و توسل به زور بر مردم آن کشور تحمیل شده است. طی سالیان متمادی در افغانستان عزیز ازینروانرژئی معلمان شاگردان به ویژه شاگردان جوان در جهت تحکیم پایه های قدرت استفاده میشد و حتی به جنگها استخدام شده است در تمامی این مدت در تعیین نصاب تعلیمی و انتخاب مسؤلان اداری مکاتب بویژه مدیران و معاونان اداره افراد و اشخاص صاحب نفوذ و قدرتمند دخیل بوده است. بنابراین سستم تعلیمات گذشته جوابگوی نیاز مندیهای والا و برحق مردم شریف نبوده است.

## محتوا عامل مهم و تاثیر گذار بر تدریس

تعریف محتوا:- محتوا یکی از اصول بسیار مهمی است که در طراحی آموزش مورد توجه خاص قرار می گیرد و یابه معباره دیگر، محتوا دربرگیرنده کلیه مطالب ، مفاهیم ، اطلاعات و مهارت های مربوط به یک درس مورد نظر است.

محتوا در هر آموزش و انتخاب آن به خصوص در دوره های تحصیلی آموزشی پرورشی حایز اهمیت فراوان است به همین اساس میگویند که یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر شیوه تدریس همانا محتوا است که معلم باید هر هدف آموزشی را در قالب یک محتوا آموزش بدهد.

### اصول و قواعد در انتخاب محتوا

- 1 - محتوای آموزشی باید بارشد،ذهنی،علائق ورغبت شاگردان تناسب داشته باشند.
- 2 - در تهیه انتظیم محتوای درسی باید به مفاهیم ، اصول و قوانین توجه نماید .
- 3- محتوای درس باید به هدفهای آن تناسب داشته باشد .
- 4- محتوای در س باید به عموم شاگردان با اهمیت باشد.
- 5- محتوای در س باید به تجارب قبلی شاگردان که در جامعه و خانواده بدست آورده است مطابقت نماید .
- 6- محتوای درس باید طوری آمده شود که برای عموم شاگردان جذاب باشد .
- 7- در تهیه و انتخاب محتوا باید به پیش رفت علوم توجه خاص مبذول داشت.
- 8- تهیه و انتخاب محتوای درسی باید جوابگوی نیاز مندی های زمان حاضر برای شاگردان باشد.
- 9- محتوا باید با جنسیت شاگردان تناسب داشته باشد.
- 10-محتوا باید از لحاظ شیوه نگارش ، روش، آمار و ارقام متناسب باشراط روز باشد و ساخت آن جدید و از اعتبار علمی کافی بر خوردار باشد.
- 11-در تهیه محتوا باید به اهمیت عقلانی توجه به خصوصی مبذول داشت .
- 12-مطالب آموزشی باید تناسب با ادله مفاهیمی فرهنگی محتوا باید برپایه ارزش های علمی و فرهنگ حاکم بر جامعه منظور گردد .
- 13-محتوا باید تناسب به زمان مناسب ومناسب آموزش باشد.



## آمده گی چیست ؟

آمادگی عبارت است از حاضر بودن برای اجرای فعالیت مشخص ، آمادگی برای تدریس عبارت است از حاضر بودن معلم ، شاگرد لوازم و تجهیزات درسی برای پیش برد درس فلهد معلم یا شاگرد قبل از اینکه وارد صنف درسی میشود باید آمادگی کامل داشته باشد.

آمادگی شاگرد برای رفتن به مکتب: همانطوریکه معلم قبل از شروع درس به آمادگی مواد درسی پلان درسی و کریکتر خود توجه مینماید شاگردان نیز وظیفه دارد تا اولاً برای درس جدید و اخذ آن آماده باشد و از طرفی به اصلاح و آماده ساختن وضع ظاهری و پوشیدن لباس و ظایف خانگی خود تلاش نماید مثلاً شاگردان وسایل درسی خود را مطابق تقسیم اوقات آماده کرده و به صنف بیاورد، با لباس مکتب داخل صنف شود، به تنظیم قیافه ظاهری خود جدا توجه نماید این آمادگی های شاگرد که به همکاری والدین اجرا میشود نه تنها شاگرد را به رفتن به مکتب علاقمند نمی سازد بلکه معلمان را نیز وادار میسازد تا به آمادگی کامل برای تدریس به مکتب بیایند و تدریس نمایند.

آمادگی معلم قیافه ظاهری اش را : - آراسته بودن قیافه ظاهری معلم بالای روان شاگرد تاثیر بخصوص میگذارد فلهدا استادان باید به تنظیم قیافه ظاهری خود توجه خاص مبذول بدارند و نکات ذیل را مورد توجه قرار بدهند.

- 1 - اصلاح و مرتب نمودن موی سر، ریش بروت بطور دوامدار.
- 2 - اصلاح ناخون های دست و پا.
- 3 - اصلاح موی های اضافی گوش و بینی.
- 4 - پاک بودن سروصورت، گوش و گردن.
- 5 - پاک بودن لباس بخصوص قبل از درس.
- 6 - پوشیدن لباس مطابق به موسم فصل سال بطور منظم.
- 7 - رنگ بوت ها در همه حالات.
- 8 - داشتن دستمال خوب و پاک.
- 9- داشتن کتابچه مرغوب و وسایل تدریسی قابل توجه.
- 10- داشتن جراب و وسایل دیگر.
- 11 - داخل شدن به صنف با لباس غیر مرتب و غیر منظم جدا ممنوع است چون در روان شاگردان تاثیرات منفی دارد.
- 12 - معلم باید قبل از وارد شدن به صنف تمام کرکتر خود را به آینه دیده و نواقص خود را اصلاح کند و هر گاه آینه موجود نباشد توسط یکی از استادان دیگر خودش را آماده کند و با قیافه شاداب وارد صنف گردد.

یک درس خوب چه قسم درس است؟

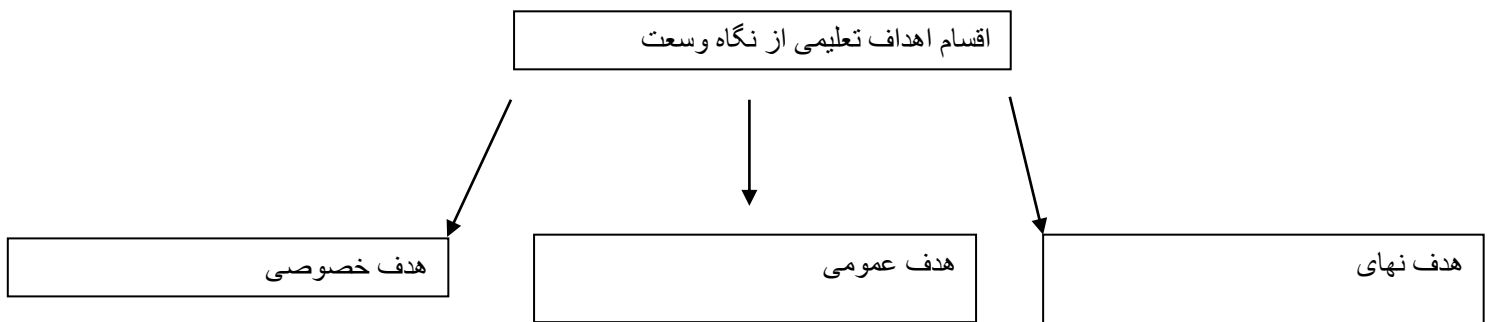
- 1 - مقدمه داشته باشد .
- 2 - درس کمک کننده ذهن و فکر شاگردان باشد.
- 3 - تغییر سلوک در رویه شاگردان بوجود بیاورد(سلوک مثبت).
- 4 - هدف تربیتی داشته باشد .

5 - متحوای در شامل R.T.D باشد.

6 - توسط تصویرها ، چارت ها و کارت ها درس پیش برده شود.

7 - تولید انگیزه داشته باشد.

8 - حاکمیت به درس باشد.



### نکات مهم وقابل تفکر یک درس

- 1 - شما از اطفال چه میخواهید از این درس بیاموزد؟
- 2 - موضوع درباره چیست؟
- 3 - اطفال درباره این موضوع چه میدانند؟
- 4 - چطور میتوانید نحو درس را بخود دلچسپ معرفی نماید؟
- 5 - کدام آوازا یا لغت جدید را اطفال از این درس میدانند؟
- 6 - اطفال در این درس چه عمل را اجراء کرده میتوانند؟
- 7 - آنها درباره ای چه ، چه خواهند کرد؟
- 8 - کدام نکات را آنها میتوانند کند؟
- 9 - شما چطوخواهید توانیست که این درس را به نحو بهتر تقدیم کنید؟
- 10 - چطوخواهید فهمید که شاگردان در آخر درس چه آموخته اند؟

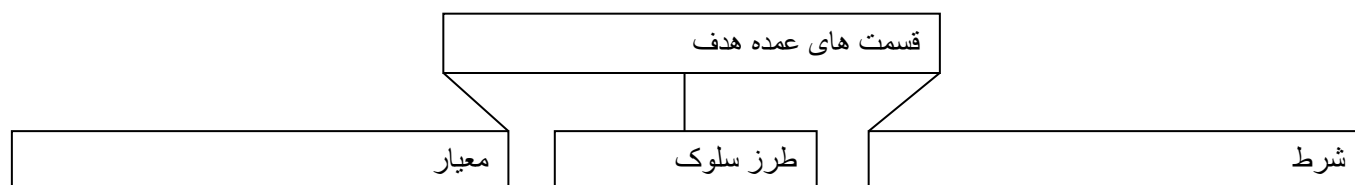
**هدف تدریس :-** عبارت از رهنمای و روشن ساختن شاگردان بطور فردی واجتماعی میباشد این تعریف چنین معنی دارد که معلم تجربه آموخته شده ای خود را طوری ترتیب ،تنظیم واستعمال نماید که سبب رشد و انکشاف تربیت سالم شاگردان گردد و خاصتاً آنان را برای زنده گی خوب آماده سازد. ویا بعباره دیگر تدریس به معنی درس دادن ،درس گفتن ،شناخت و رهنمای شاگردان است وتمام فعالیتهای معلم که سبب انتقال دانش وشاگردان می گردد تدریس گفته میشود.

اصول تدریس :- اعمال متقابل معلمان و شاگردان بخاطر انجام فعالیت‌های آموزشی در صنف عبارت از اصول تدریس است.  
 یا بعبارۀ دیگر اصول تدریس :- عبارت از یک سلسله فعالیت‌های منظم تعمیری ، آموزشی و پرورشی است که معلم و شاگرد هر دو را به هدف میرساند و اصول تدریس عبارت است از طریقه عملی است که برای رسیدن به هدف انتخاب میشود.  
 اصول :- جمع اصل در لغت به معنی اساس بنیاد، قانون، رویش، ریشه و قاعده را گویند و در تعلیم و تربیه اصول عبارت از یک سلسله قوانین و مقررات و رویش های منظم است که استاد در تدریس یک موضوع از آن کار میگیرد و در نتیجه وی را به هدف تدریس میرساند.

## هدف شخصی یا آموزشی

عبارت از اجرای سلوک متوقع شاگردان است در انجام آن یعنی حصول مشاهده و همایش می باشد هدف از لحاظ ماهیت به دو دسته تقسیم میشود.

- 1 - هدف مقدس
- 2 - هدف نامقدس
- 1 - هدف مقدس :- آنست که برضای خداوند (ج) باشد و هم به اساس دین مقدس اسلام استوار باشد.
- 2 - هدف نامقدس :- آنست که خیر در آن نباشد یا رضای خداوند (ج) در آن نمی باشد بیشتر در امور تعلیمی هدف به سه نوع دسته بندی میشود.
- 1 - هدف خصوصی :- عبارت از هدف پیش بینی شده ای خاص یک موضوع را گویند که معلم به آن هدف داخل صنف می شود و تدریس میکند.
- 2 - هدف عمومی :- عبارت از هدف پیش بینی شده ای عام یک موضوع است مثل نوشتن که هدف در نوشتن یک فصل یا یک باب است .
- 3 - هدف نهایی :- عبارت از نتیجه مطلوب و آخیری یک کار پلان شده را گویند.



- 1 - شرط :- عبارت از آن محدوده ای است که شاگردان یک سلسله فعالیت‌های را در آن محدوده انجام دهد.
- 2 - طرز سلوک :- عبارت از نتیجه فعالیت های است که اجرای آن فعالیتها از شاگردان توقع میرود. مانند : خواندن ، نوشتن ، معنی کردن.
- 3 - معیار :- عبارت از درجه است که اساس آن اجرای سلوک صورت میگیرد یعنی اندازه یا درجه ای درست و صحیح اجرا کردن فعالیت را معیار گویند.

## طرز درست نوشتن یک هدف

- برای اینکه هدف خوب واضح و مکمل باشد برای نوشتن آن یک طریقه و روش مشخص موجود بوده تا بارعایت آن هدف بطور صحیح و مناسب نوشته شود آن قرار ذیل تشریح میشود.
- 1 - هدف باید بواسطه معلم از طرف شاگردان نوشته شود.
  - 2 - در نوشتن یک هدف باید به عوض کلمه فهمیدن ، دانستن اجرای فعالیت و محل شاگردان ذکر شود.
  - 3 - وقت هدف و ارزیابی باید مساوی باشد.
  - 4 - طبق پلان درسی و ارزیابی خط سیر خود را پیدا نموده و خود را به آن برساند.

نوت: هرگاه هدف از این سه قسمت فوق یعنی: شرط، طرز سلوک، معیار، نداشته باشد آن هدف یک هدف کامل نیست.

مثال: شاگردان بتوانند از جمله هشت سوال ضرب و اعداد یک رقمی شش سوال آنرا حل نمایند.

سوال:

سوال و جواب یکی از روش های است که زمینه تفکر و قدرت خلاقیت ذهنی را بالایی برد لذا در مراحل آن دقت شود.

## هدایت در سوال مقایسوی:

متون ذیل را مشاهده نموده برای هر سوال ستون اول در ستون دوم یک جواب موجود است شما حرف جواب سوال مربوط را در داخل قوس پهلوی آن بگذارید.

- |                   |                                   |
|-------------------|-----------------------------------|
| ( ) خداوند "ج"    | الف :- پیغمبر ما است.             |
| ( ) حضرت محمد "ص" | ب :- یکتا است شریک و مانند ندارد. |
| ( ) قرآن کریم     | ج :- کتاب خداوند است.             |

## سوالات تکمیلی یا خانه خالی:

نکات مهم در تهیه سوالات خانه خالی:

- 1 - سوالات خانه خالی باید یک جوابه و کوتاه باشد.
- 2 - نظریاتی نباشد باید دارای جواب مشخص باشد.
- 3 - خانه ای خالی باید با مطالب مهم پر شود.
- 4 - خانه خالی باید با الفاظ ساده و به مفهوم خاص پر شود.
- 5 - در هر جمله خانه خالی از 1-2 خانه خالی زیاد آورده نشود.
- 6 - از آوردن جملات منفی خود داری شود.
- 7 - در یک جمله خانه خالی پیوسته نباشد.

## هدایت در سوالات تکمیلی خانه خالی .

جملات ذیل را به دقت مطالعه نموده جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید .

### فواید سوالات تکمیلی یا خانه خالی .

- 1 - تهیه کردن سوالات تکمیلی نسبت به انتخابی آسان تر است.
- 2 - چانس حدث زدن کم است.
- 3 - چانس نقل کردن کم است.
- 4 - بدون ریاضی و ساینس رای دیگر مضامین از این نوع سوالات استفاده میشود.

فرق بین تدریس قدیم و جدید

شاگرد مرکز فعالیت طریقه جدید

معلم مرکز فعالیت طریقه قدیم

- 1 - شاگردان بطور انفرادی فعال بوده و نظریات احساسات، تجارب، ضروریات و فواید خود را اظهار نموده عملی میسازند
- 2 - معلم حیثیت رهنما را دارد و فقه هدایت می دهد
- 3 - بالای دماغ شاگرد فشار کم بوده و بتکرار مثالها موضوع را درک میکند درس را ضایع نمی کند.
- 4 - درس بشکل عملی مثل یک تصویر روشن توسط شاگردان نه به شکل میخانگی اجرا شود.
- 5 - استاد پلان درسی منظم داشته به ارتباط درس مواد درسی منظم را تهیه می نماید و ترتیب خاص وجود دارد.
- 6 - شاگردان مرکز فعالیت بوده و اکثر کارها را آنها انجام میدهد.
- 7 - در طفل ترس وجود نداشته درس شکل میخانگی ندارد شاگرد عملاً کار می کند.
- 8 - برای شاگرد مثال کم گفته خود شاگرد فکر کند و فکر خود را به کاراندازد و چیزی بیاموزد
- 9 - شاگردان تنها نبوده بلکه بادیگران مشترک کار میکنند.
- 10 - برای معلم ارزش دارد که چطور آموزش صورت گیرد و برای شاگردان این موقع را امیدهید تا بیاموزد.

- 1 - تمام معلومات را معلم با خود دارد و شاگردان به یک طریقه می آموزد.
- 2 - شاگردان چیزی نمی فهمید و آموزش غیر فعال به آنها انتقال می نماید.
- 3 - تنها معلم فعال بوده و درس میدهد.
- 4 - بالای دماغ شاگرد فشار زیاد بوده به ارتباط موضوع مثال زیاد گفته نمی شود.
- 5 - یک موضوع بشکل میخانگی (لفظی) از طرف معلم از روی کتاب یا کاغذ قرائت میشود بعداً یک شاگرد چوب را گرفته بالای شاگردان جبراً تکرار میکند.
- 6 - استادان پلان درسی منظم نداشته مواد درسی موجود نبوده کدام منظم و ترتیب خاص وجود ندارد.
- 7 - معلم مرکز فعالیت بوده به شاگرد برای سهم گیری بدرس وقت داده نمیشود.
- 8 - در طفل ترس و بیم وجود دارد و درس را به شکل میخانگی میآموزد شکل عملی ندارد.
- 9 - شاگردان از تجارب آگاهی نداشته انتقال تجارب به آنها صورت نمیگیرد.
- 10 - اگر آموزش صورت میگیرد این نمیگیرد به معلم ارزش ندارد، معلم درس میدهد و پیشمیرود.

## اهداف شناخت شاگردان

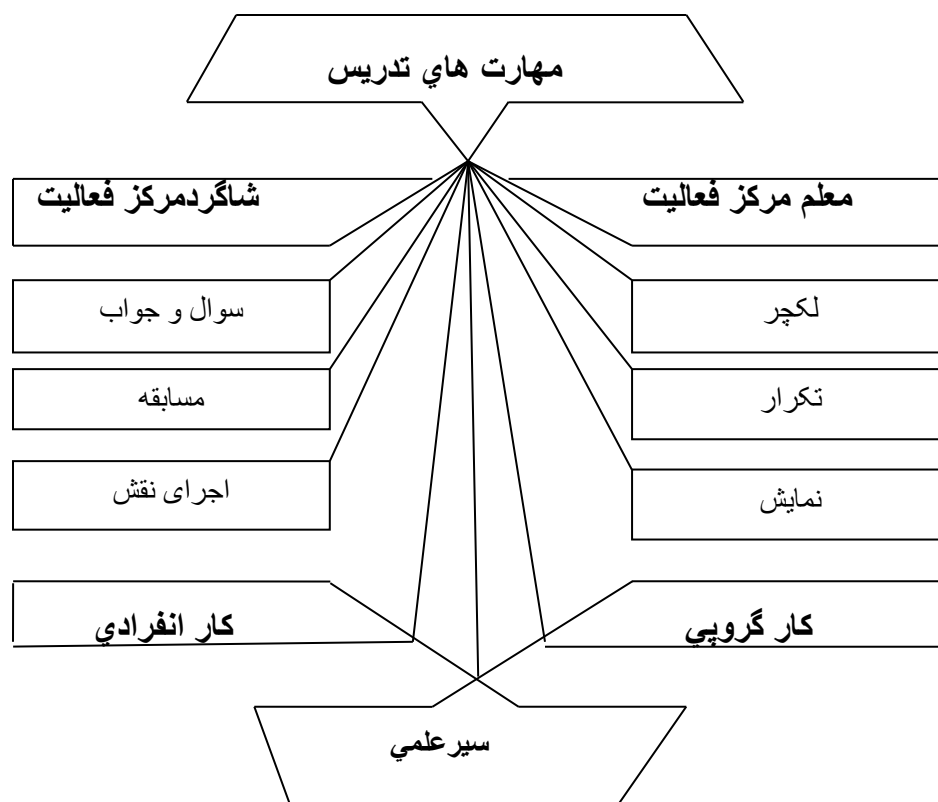
- 1 - ارتقای شاگردان از یک صنف به صنف دیگر.
- 2 - مقایسه یک گروه شاگرد با اعضای گروه دیگر.
- 3 - معلوم نمودن اختلافات فردی.
- 4 - معلوم نمودن پیشرفت شاگردان در هر گروه.

## ترتیب و تنظیم صنف

عبارت اریک سلسله فعالیت های منظم است که معلم قبل از درس زمینه درس جدید را مساعد میسازد و یا بعباره دیگر ترتیب و تنظیم صنف بازسازی تدریس را گویند.

## نکات مهم در ترتیب و تنظیم صنف

- 1 - تولید انگیزه (تحریک شاگردان به آموزش درس)
- 2 - در صورت امکان درباره اخلاق و آداب فامیلی و اجتماعی معلومات لازم بدهد.
- 3 - معلم باید به شاگردان مسایل روز، اخبار مهم و قصه های تربیوی را بگوید.
- 4 - معلم باید برای به کار انداختن استعداد شاگردان کارها و هنرهای دستی رایاد بدهد.
- 5 - معلم درس خود را با آداب اسلامی و اجتماعی آراسته سازد.
- 6 - برای جرات بخشیدن به شاگردان از تخصص خود کار بگیرد.
- 7 - آموزش را آسان و ساده جلوه بدهد.



## روش لیکچریاخطابه:

**لیکچر:** در لغت به معنی سخنرانی، خطابه، کنفرانس و قرأت با صدای بلند میباشد و در اصطلاح تعلیم و تربیه عبارت از روشی است که معلم حقایق و واقعیت ها را و مفاهیم اساسی را به یک گروه نسبتاً بزرگ شاگردان ارایه میکند.

### فواید اصول لیکچر:

- 1 - درین میتود معلم میتواند در وقت کم مفاهیم زیاد را به شاگردان تدریس نماید.
- 2 - چون توضیح و تشریح خاصیت عمده لیکچر است معلم میتواند بارویش لیکچر مطالب علمی مغلق و مفکوره های عمیق آموزش را توضیح و تشریح نماید.
- 3 - لیکچر طوری میخانیکی ذهنی را برای حفظ مطالب تقویت بخشیده انکشاف میدهد.
- 4 - معلم به ارتباط درس معلومات عمومی را به شاگردان میدهد.
- 5 - معلم در روش لکچر از خلاصه هر درس استفاده میکند.
- 6 - لیکچر یک رویش قدیمی است هر معلم به آن آشنای دارد.
- 7 - با استفاده از این رویش معلم میتواند در عین وقت برای چند صنف تدریس نموده و تشریح مسایل سازد.

### نواقص اصول لکچر

- 1 - درین میتود انتقال دانش زیاد واخذ آن توسط شاگردان کم است.
- 2 - با استفاده از لیکچر تنها معلم مرکز مضمون و محور فعالیت بوده شاگرد شنونده میباشد سهم فعال نمیگردد.
- 3 - در این رویش فعالیت یک طرفه است معلم مطالب ارایه شده را ارزیابی کرده نمیتواند.
- 4 - این میتود جنبه ای دیکتاتوری دارد معلم نظر خود را بالای شاگردان تحمیل میکند.
- 5 - در این رویش معلم نمیتواند مطابق سویه همه شاگردان تدریس نماید.
- 6 - در این رویش شاگرد بیشتر احساس خستگی میکند و به درس علاقه نشان نمیدهد.
- 7 - هر درس که متکی به اصول لیکچر باشد اکثری اوقات به ناکامی روبرو میشود.
- 8 - چون تدریس به صورت شفاهی است نه عملی بنا بر آن انتقال تجارب توسط لیکچر خوب صورت نمیگیرد.

### روش اجرای نقش یا

### Role play

رویش اجرای نقش عبارت از رویش است که شاگردان یک صحنه حقیقی زنده گی را بشکل نمایش تمثیل میکنند در این رویش احساس خسته گی از بین رفته و شاگردان با علاقه و دلچسپی زیاد درس را میآموزد.

## نکات مهم در روش اجرای نقش

- 1 - وقتی از این رویش استفاده شود که با عنعنات ، رسم ، رواج و کلتور ما مطابق باشد و مردم آنرا بد نگویند.
- 2 - برای اجرای نقش شاگردان انتخاب شوند که قدرت اجرای آنرا داشته باشد.
- 3 - مواد و لوازمی که لازم است باید قبلاً آماده و تهیه شده در حین اجرای نقش مشکل بوجود نیامورد.
- 4 - معلم باید هدایت لازم بدهد که کدام شاگرد در کدام نقش و در کدام وقت و چه باید بکند.
- 5 - اجرای نقش باید در جای مناسب صنف صورت بیگردد تا تمام شاگردان ببینند.
- 6 - معلم باید صنف را کنترل کند.
- 7 - اجرای نقش باید در حین ساعات درسی و یا قبلاً نیز تهیه شده میتواند و بعداً اجرا شود.

## نمایش باکارگروپی

بعضی اوقات معلم شاگردان را به انواع مختلف میتواند تیست هوش کند و هم از نمایش که به اشکال مختلف اجرا میشود برای تفهیم موضوعات مشکل درس استفاده به عمل آورده و توسط خود شاگردان میشود سوال و جواب را اجرا کند .

## بازی نجوای یا گوش به گوش

بازی اول : معلم شاگردان را به دو لاین استاد نموده و افراد قطار اول از سر لاین گوش به گوش این جمله را تکرار میکند :

از این سنگلاخ به آن سنگلاخ ندوید.

و نتیجه ای نجوارا در آخر شاگرد آخری اعلان میکند.

افراد لاین دوم گوش به گوش این جمله را تکرار میکنند و نتیجه اش را در آخر بگویند.

نصیر و بصیر یک سیر میر داد و پس گرفت.

بازی دوم :- تمام شاگردان به شکل دایره استاد شده و دو کلیمه (چپاتی و کلاغ پر) را با اشاره استاد جواب میدهد و هر کس اشتباه کرد مینیشند و البته استاد برای کلیمه اشاره معین کند.

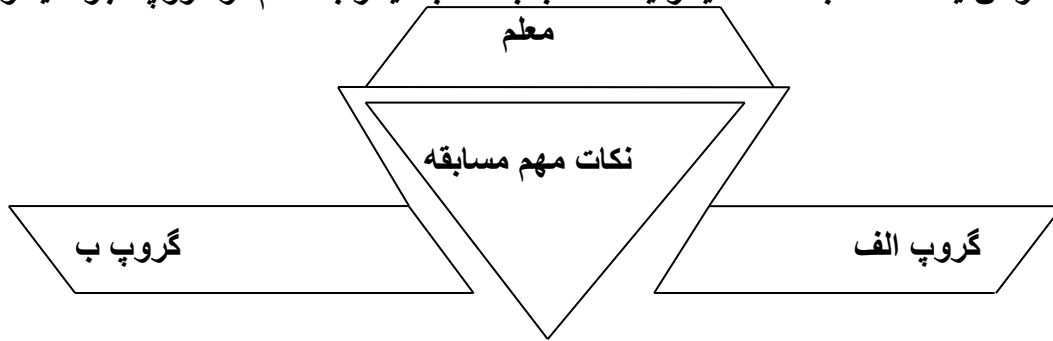
بازی سوم :- شاگردان به شکل دایره استاد شده توپی کوچکی کسی به کسی دلخواهش بیندازد و در مقابلش از او سوال درس بکند و اگر گفته نتوانیست خودش باید جواب سوال را بگوید.

بازی چهارم :- معلم روی زمین با تباشیر چند دایره یا مربع رسم کند و هر کدام را نام از نام های میوه جات بگذارد و شاگردان را داخلش استاد کند بایک صدای استاد هر کس داخل اسلاید کسی دیگر شود کسی که بیجای میماند نیاز به همکاری استاد دارد.



## مسابقه

مسابقه یکی از روشهای خوب اصول تدریس میباشد این روش رقابت های سالم و مثبت بین شاگردان پدیدآورده و شاگردان مرکز فعالیت میباشد میتوانیم مسابقه را در ساعت درسی، در آخر هفته و در ختم درس مابین شاگردان یک صنف با صنف دیگر یک مکتب با مکتب دیگر به قسم دو گروه اجرا میشود .



- 1 - صنف بدوگروه مساوی تقسیم شود که تعداد گروهها مساوی و برابر باشد و گروهها نامگذاری شود.
- 2 - برای هرگروه تعداد سوال مساوی باشد و نوعیت آنها آسان مشکل متوسط و یکسان در نظر گرفته شود و سویه شاگردان در مسابقه نیز مورد توجه قرار گیرد.
- 3 - برای شاگردان در مورد عمل کرد مسابقه هدایت لازم داده شود.
- 4 - معلم باید در دادن نمرات از هیچ گروه طرف داری نکرده و عدالت رفتار کند.
- 5 - در وقت مسابقه کنترل شاگردان خیلی مهم است باید معلم شاگردان را کنترل کند.
- 6 - در ختم مسابقه معلم باید نتیجه مسابقه را اعلان کند و در صورت ممکن برای ایجاد رقابت بیشتر سالم در قسمت پاداش و تنبه شاگردان نیز اقدام کند.

### در تعیین پاداش تنبه برای شاگردان به نکات ذیل توجه شود

- 1 - متناسب بودن تنبه و پاداش با سن ، رفتار ، محیط ، موفقیت و جنس شاگردان.
- 2 - در نظر گرفتن خوشایند بودن پاداش و ناخوشایند بودن تنبه برای شاگردان بعنوان مثال اگر شاگرد را بعنوان تنبه از صنف بیرون میکنند از این عمل لذت میبرد و برای وی خوشایند، حتی به مراتب دیده شده است که بعضی از شاگردان عملاً زمینه را برای چنین امری مساعد میکند تا معلم را وادار کند که باعث کشیدن وی از صنف شود.
- 3 - تنبه و پاداش بلافاصله بعد از رفتار عملی شود .
- 4 - عادلانه بودن پاداش و تنبه در صورتیکه عادلانه نه باشد از تاثرات آن می کاهد.
- 5 - تشویق و تنبه به اساس شرایط اجرا شود به این معنی که شاگرد دریابد که رفتارش تنبه میشود.
- 6 - تاجای که ممکن است از تشویق استفاده شود.
- 7 - تشویق و پاداش بیش از حد رفتار نباشد.

- 8 - قبل از اعمال تنبه باید عوامل آنرا جستجو کرد.
- 9 - تنبه بیش از حد زیان آوراست باتکرار آن ممکن است شاگرد عزت نفس خود را از دست بدهد، و در نهایت دروغ گوی، عصبی، افسرده، کینه توز، ترسو، حيله گیر، عقده ای، بیتفاوت، پرخاشگر و عیاش بزرگ شود.
- 10 - تشویق را در حضور دیگران و تنبه را به تنهای انجام بدهید و بر شاگردان اعمال کنید.
- 11 - به جنبه های قانونی تشویق و تنبه نیز توجه نماید.

## راههای کنترل بد نظمی در صنف

- 1- عادت دادن شاگرد به رعایت نظم و قانون
- 2- رعایت کردن نظم و قانون در صنف توسط خود آموزگار
- 3- کوبیدن ضربه بعد از هر چند دقیقه بروی تخته بعنوان هوشدار
- 4- با اهمیت جلوه دادن موضوع درس به شاگردان
- 5- فعال بودن خود معلم در حین درس
- 6- نوید دادن شاگردان به اخذ تحایف عالی با رعایت نظم و قانون
- 7- چانس دادن شاگردان راجع به ارائه نظریات شان راجع به موضوع در جدید
- 8- گفتن فکاهی مربوط به موضوع درس جهت جلب توجه شاگردان
- 9- نشان دادن چارتهای و تصاویر و حتی الامکان مدل های محیطی جهت سرگرمی شاگردان
- 10- اعلام و اختار در بازیگوشی در صنف
- 11- استفاده از مهارتهای جلوگیری بد رفتاریها در صنف
- 12- معلم در ضمن که متخصص بخصوص خود است، روان شناس کودک و طفل نیز بوده و اطفال را به نحو مطلوب در تمام حالاتش در صنف اداره و رهبری نماید.

## تفریح

اگر ماشین و وسائیل که از آهن است را به طور دوام دار به کار بگیریم به تجربه ثابت شده است در نهایت از کار می افتد و یا به نسبت مصرف انرژی زیار و حرارت تولید شده سرعت کارش کاهش می یابد، بدن انسان نیز در واقع ماشین است که بعد از مدت کار و فعالیت نیاز به استراحت و سرگرمی، تجدید قوا و یا به تعبیر کل تفریح دارد، با انسجام قوا و آماده سازی مغز برای فعالیت بیشتر می توان آمادگی گرفت، تفاوت تنها این است که ماشین در حال عدم فعالیت خاموش است و سرانجام با تفریح می تواند خودش را برای فعالیت موثر و منظم در باره آماده سازد.

## ارزش تفریح از دیدگاه اسلام

میدانیم که بعضی اوقات زندگی انسان در فعالیت های اجباری و قیودات صرف می شود از طرفی این نوع صرف وقت به رضایت و میل خود انسان صورت می گیرد ، لذا در شاگردان ، بهتر است با طرح و برنامه ریزی درست و مثبت این صرف وقت را به یک تفریح با ارزش و آموزنده تبدیل کنیم چنانچه امام رضاء (ع) می فرماید : عن الرضا ما قال: و اجتهدوا ان يكون زمانكم اربع ساعات، ساعته الله لمنا جاته و ساعته الامر المعاشرت و ساعته معاشرت الا خوان الشقات والذين يعرفونكم عيوبكم و يخليصون لكم في الباطن و ساعته تخلون فيها للذاتكم و بهذه الساعته تقدرتون على الثلاث الساعات. حضرت رضا فرمود: کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد ، ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای تامین معاش و ساعتی برای آمیزش و مصاحبت برادران مورد اعتماد و کسانی که شما رابه عیوب تان واقف میسازند و در باطن نسبت به شما خلوص و صفا دارند و ساعتی را به تفریح و نذایذ خود اختصاص دهید و از مسرت و نشاط ساعت تفریح برای انجام ساعات دیگر را تامین نمائید.

و نیز امام صادق می فرماید: ينبغي للمسلم العاقل ان يكون لاساعته يفضى بها الى عمليه فيما بينه و بين الله عزوجل و ساعته ليلاقي اخوانه الذين يفاوضهم و يفاوضونه في امر اخيرته و ساعته يخلي بين نفسه و لذاتها في غير محرم فبا نها عون على تلك الساعتين : شايسته است مسلمان عاقل ساعتی از روز خود را برای کار های که بين او و خدایش است اختصاص دهد و ساعتی با برادران و دوستان ایمانی خود نشیند و در امور معنوی با آنها گفت و گو کند و ساعتی نفس خود را در لذت هایش که گناه نیست آزاد بگذارد و درین ساعت آن دو ساعت دیگر را کمک می کند ازین احداث رد می یابیم که تفریح از خستگی و افسردگی که از کار های یکنواخت عارض انسان میشود ، رهای می بخشد در حقیقت باعث شادی و انبساط روح و ذهن می شود.

امام رضا می فرماید: اجعلوا لانفسكم عطا من الدنيا با عطائها ما تشتهي من الحلال و مالا تتلم المروت و لا سرفه فيه و استعینوا بذالك على امور الدنيا: از لذت دنیا برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راه های مشروع برآورید، مراقبت کنید در این راه به شرافت و مردانگی تان آسیب نرسد و دچار اسراف و تند روی نشوید ، تفریح سرگرمی های لذت بخش شما را در اداره زندگی یاری می کند و با کمک آن بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهی شد.

قال علی (رض): اوقات سرور خلسته " مواقع تفریح و شادمانی فرصت است " ونیز آن حضرت فرموده است السرور بیسط النفس و یثیر النشاط (فرح و شادمانی مایه وجدان نشاط است) احداث فوق بیان گراهمیت و ارزش تفریح در سازماندهی جسم و روح انسان در جهت انجام وظایف و صورت درست و موثر آن است ، در احادیث آنیمه در مورد مسافرت ، شنا ، تیراندازی، سواری اسب و ... سفارشات زیاد شده است اما چون موضوع بحث ما تعلیم و پرورش کودکان در دوران متعلیم بودن شان است ، ضروریست اساتید نکات ذیل را به عنوان برنامه های مفید در تفریح شاگردان در صورت ممکن و مساعدت زمینه منظور کنند:

- 1- تهیه فضای مساعد ، وسایل و امکانات ورزشی برای تفریح.
- 2- سازماندهی مسابقات و بازی های سالم و دوستانه بین شاگردان و حتی بین افراد چندین مکتب .
- 3- فراهم سازی زمینه های مسافرت های علمی و آموزشی.
- 4- ایجاد جوض های آب ( در صورت ممکن ) در مکاتب و یا آموزش شنا در جاهای که نزدیک به دریا است.
- 5- ایجاد مسابقات شعر، طنز گوئی ، مقالات ، کار های دستی و ...

## پلان درسی

انسانها بخاطر بقای حیات خود در تب و تلاش است و برای بقای زندگی خود روی پلان باید کار کند هر انسان در زندگی خود باید پلان داشته باشد حتی حیوان از نظر روانشناسی در زندگی خود پلان دارند. اما انسان از قوه عقل، تخیل، تفکر و تصور خود در زندگی کار میگیرند.

## انواع تعریف پلان

- 1- پلان یعنی سنجش
  - 2- کار سنجیده شده ای قبلی برای اجرای بعدی عبارت از پلان است
  - 3- تصمیم در باره کار یا امری پلان است
  - 4- هدف از اجرای کار متمر عبارت از پلان است
  - 5- انتخاب شیوه های بهتر اجرای در کار آینده پلان گفته می شود
  - 6- تصمیم برای رسیدن به هدف اصلی و نهایی عبارت از پلان است
  - 7- پلان تصمیم گرفتن برای اجرای یک کار مشخص ، معین و پیش بینی شده را گویند
  - 8- پلان در لغت تصمیم گرفتن و تجویز گرفتن و در اصطلاح بکار انداختن تصمیم تجاویز اتخاذ شده است
  - 9- پلان عبارت از طرح است که بخاطر نیل به یک هدف معین ترتیب می گردد
  - 10- پلان عبارت از سنجش و آماده شدن در باره ای یک کار متمر و هدفمند می باشد
- پلان درسی چه اهمیت دارد:
- 1- ترتیب و تنظیم نمودن خوب مواد درسی و مطالب مغلق و پیچیده درس
  - 2- استفاده از روشهای مختلف در تدریس
  - 3- سهیم ساختن شاگردان در فعالیتهای درسی
  - 4- به معلم کمک می نماید تا به ارتباط درس مواد مناسب تهیه نماید
  - 5- به معلم کمک می کند تا به اطمینان خاطر تدریس نموده و برای شاگردان موثر باشد
  - 6- معلم را در تدریس به هدف میرساند

## عناصر عمده يك پلان

- 1- تعیین اهداف
- 2- تعیین مقاصد
- 3- نتایج
- 4- لیست نمودن فعالیت ها
- 5- اولویت بندی فعالیت ها
- 6- تعیین فعالیت های فرعی
- 7- مشخص ساختن زمان فعالیت ها

- 8- تعیین مسولیت فعالیت ها
- 9- معین ساختن محل هر فعالیت
- 10- تهیه بودجه تخمینی برای فعالیت های کلیدی
- 11- نقشه معلومات
- 12- تحلیل مشکلات
- 13- درجه بندی مشکلات
- 14- راه های حل مشلات

## اجزای پلان:-

بطور عموم یگ پلان خوب درتمام انواع پلانها دارای اجرای ذیل است:-

- 1- هدف
- 2- مقاصد
- 3- فعالیت های پلان شده
- 4- فکتورهای نشان دهنده
- 5- مستفیدشونده گان
- 6- خطرات
- 7- محدودیت ها
- 8- چوکات وقت
- 9- پرسونل مورد ضرورت
- 10- مواد مورد ضرورت

## چراپلان گذاری کنیم؟

- 1- پلان گذاری به شخص یکنوع جهت میدهد وحواس را برای اهداف ونتایج متمرکزمی سازد.
- 2- زمینه کار وفعالیت گروهی رافراهم می سازد.
- 3- به ما کمک می کند تا مشکلات راپیش بنی وبا تغییرات مقابله کنیم.
- 4- خط مشی ها واستراتیژی رابرای تصمیم گیری فراهم می سازد.

## انواع پلان

- 1- پلان استراتژیکی.
- 2- پلان انکشافی.
- 3- پلان تولیدی.
- 4- پلان سازمانی یا اداره ای.
- 5- پلان پروژوی.
- 6- پلان عملیاتی.

### 1- پلان استراتژی کی:-

روندیا پروسه است که بینش ، ماموریت ، اهداف کلی و منابع تخصیص یافته سازمان را انکشاف و مورد تحلیل و تجزیه قرار میدهد مدت زمان برای استراتژی ها (2تا8) سال می باشد.

### 2- پلان انکشافی:-

پلانی استکه اولویت های انکشافی و پروژه های فرعی در آن مشخص گردیده و نحوه مصرف پول در پروژه های مختلف در آن توضیح می گردد.

### 3- پلان تولیدی:-

3- پلان تولیدی بر مبنای تعیین نیازها ، تامین ابزار و تسهیلات و پرورش نیروی- انسانی برای تولید محصولات و کالا ها ، با توجه به تقاضای موجود در بازار و نیازهای پیش بینی شده جامعه صورت می گیرد.

### 4- پلان سازمانی :-

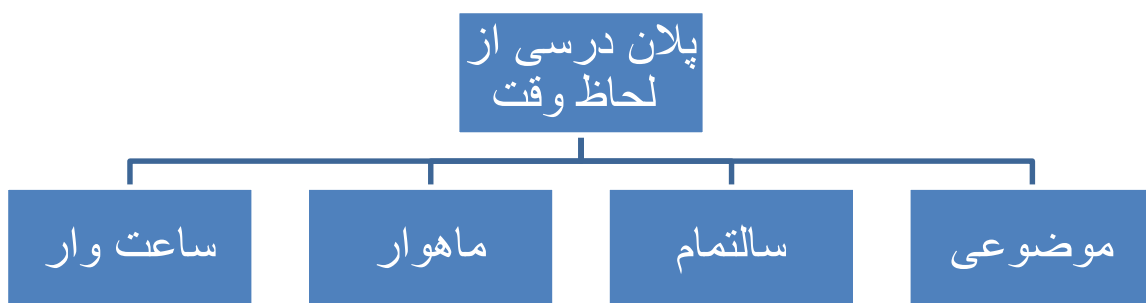
پلانی استکه اولویت های سازمانی را نظریه و اهداف یک سازمان تعیین نماید.  
پلانی عملیاتی:-

وسیله برای فعالیت های اجرای روزانه ، هفته وار و ماه وار می باشد نتایج خاص حاصل از بخشها، گروه های کاری و افراد، اهداف عملیاتی هستند ، که پلان درسی از جمع وگروه همین نوع پلان است.

## پلان درسی برای معلم چه اهمیت دارد؟

### پلان درسی:

- 1- راه رسیدن به هدف است
- 2- کوتاه ترین راه رسیدن به مقصد است
- 3- جلوگیری از ضیاع وقت است
- 4- تعیین کننده سهم کار است
- 5- سلاح دست داشته یک معلم است
- 6- بخشیدن نظم در کار است
- 7- وسیله موفقیت یک معلم است
- 8- پلان رهنمای معلم است
- 9- سبب تحکیم در کار معلم است
- 10- وظیفه مشخص یک معلم است



## نکات مهم و اساسی پلان درسی

در ساختن پلان درسی نکات ذیل باید در نظر گرفته شود:

- 1- مشخصات: معلم، مدرسه، صنف، مضمون، موضوع، تاریخ همان روز
- 2- هدف یا مطلب درس: برای تدریس باید هدف تحریرگردد در ساختن پلان درسی در نظر داشته باشیم و متوجه باشیم که قدم به قدم بطرف هدف نزدیک می شویم یا خیر؟
- 3- تعیین سویه شاگردان: معلم باید سویه تعلیمی شاگردان را دانسته و اگر در مکتب تازه آمده باشند باید شاگردان خود را ارزیابی نموده تا سویه شانرا معلوم و مطابق آن پلان درسی خورا بسازد

- 4- انتخاب میتود: در ساختن پلان درسی باید مطابق مضمون و موضوع میتودهای انتخاب شود که آموزش بصورت درست صورت گیرد تا معلم و شاگردان را یکجا به هدف برساند
- 5- خلاصه درس: درس طور درست و خلاصه تدریس گردد ه تمام درس برای شاگردان بطور خلص تقدیم گرددو نتیجه درس را به شاگردان اعلام نماید
- 6- ارزیابی درس: برای اینکه بدانیم به هدف خود رسیده ایم پس از درس دادن از شاگردان توسط چند سوال ارزیابی گردد
- 7- تعیین وقت: برای هر مرحله ای پلان درسی باید یک وقت مناسب انتخاب گردد.
- 8- مواد درسی: برای هر مرحله پلان درسی باید مواد درسی مناسب انتخاب شود.

## مراحل پلان یک ساعته درسی

- 1- فعالیت های مقدماتی، ترتیب و تنظیم صنف:
  - الف: دادن سلام
  - ب: گرفتن حاضری
  - ج: احوال پرسی
  - د: ملاحظه نمودن نظافت
  - ه: ملاحظه نمودن کار خانگی و اصلاح آن
  - و: تنظیم کردن شاگردان و تربیب مواد درسی
  - ز: تولید انگیزه در نقت مناسب یعنی قبل از آغاز درس جدید یا در وقت ارتباط دادن درس گذشته به درس جدید
- 2- معلم جهت دریافت نمودن درس جدید از شاگردان خود طور سوال نماید تا شاگردان به دریافت عنوان جدید درس آماده گردند در صورت امکان درس گذشته به درس جدید ارتباط داده شود
  - الف: معرفی عنوان درس جدید و درس جدید با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز گردد و عنوان درس جدید و صفحه جدید را روی تخته سیاه نوشته کنید
  - ب: خواندن درس جدید بالای شاگردان (هر شاگرد یک سطر بخواند)
  - ج :- خواندن کتاب یا درس جدید توسط معلم و همچنین بالای شاگردان بطور مخفی که بعداً از شاگردان پرسیده شود که از خواندن کتاب چه چیز یاد گرفتید با استفاده از این موقع معلم کلمات ، لغات و نکات مهم را بالای تخته نوشته نموده که بعداً در تشریح از آن استفاده کند .
  - د :- تشریح درس جدید : معلم باید درس جدید را بشکل سوال و جواب قطعه قطعه از شاگردان خود پرسیده و خود معلم به آنها کمک نموده و از وسایل کمکی محیطی که قبلاً تهیه گردیده دراین موقع استفاده نماید .
- 3 - خلاصه درس جدید :-
  - الف :- بعد از اینکه معلم درس خودرا تقسیم سوال و جواب به شاگردان تقدیم و عرضه کرد خلاصه آنرا در چند نقطه تشریح رسمی شود تا نتیجه و پیام درس را بیان کند.
  - ب :- ارزیابی درس جدید :- توسط سوالات از شاگردان معلوم میکنیم که درس جدید را یادگرفته اند یا خیر؟
  - ج :- دادن وظیفه خانگی بعداز ختم درس جدیدو ارزیابی مطابق توان و سویه و قدرت شاگرد به ارتباط درس جدید کار حتمی است .



د :- کتاب ترقی تعلیم را خانه پری نموده با صدای زنگ و با تبدیل ساعت با شاگردان خدا حافظی نموده از صنف خارج شود .

در هنگام تدریس استاد به دو چیز دقت کند :

1 - احترام به ارایه نظریات شاگردان .

2 - عفت کلام

## اهمیت پلان درسی ساعتوار

به همه معلوم است که پلان راه سستماتیک و منظم است که برای انجام امور تهیه و ترتیب میگردد، پلان واحد درسی بخاطر اهمیت زیاد دارد که معلم در آن تمام فعالیت‌های درسی را که او و شاگردان او در همان ساعت درسی انجام میدهند در نظر گرفته و درج می نمایند اگرچه در تهیه پلان واحد درسی نکات زیاد که به اهمیت آن می افزاید وجود دارد لاکین ما در اینجا چند نکته مهم را خاطر نشان میکنیم که تدریس را موثر میسازد و به معلم کمک مینماید :

1 - تهیه پلان درسی ساعت وار (یک عته ) معلم را بطرف هدف معلوم رهنمایی برای بدست آوردن اهداف مطلوب متوجه بشترمی سازد و معلم را از تشویق و پراکنده گی نجات میدهد .

2 - با داشتن پلان واحد درسی بین درسهای مختلف ارتباط پیدا میکند و به همین ترتیب رابطه مواد را با فعالیت‌های درسی قایم مینماید و باعث این می گردد که معلم با لای موضوع حاکم باشد و از موضوع درس خارج نگردد.

3 - پلان درسی به معلم فرصت میدهد تا با میبود و رویش مناسب تدریس می نماید و هم به معلم وظیفه را مساعد میسازد که پیشرفت شاگردان ارزیابی کرده و نتایج را به دست آورد.

4 - پلان درسی از ضایع شدن وقت جلوگیری مینماید و به معلم کمک مینماید که درس خود را قدم به قدم بشکل درست و منظم پیش ببرد .

5 - پلان درسی به اندازه کافی به معلم وقت میدهد تا درس خود را خلاصه کند و به همین ترتیب اطمینان حاصل کند که فعالیتها و مواد درسی را در کدام و به چه ترتیب بکار بیندازد.

## جنبه های اساسی یک پلان

الف :- هدف درسی پلان ( تعلیمی ، تربیتی ، انکشافی ) باشد .

ب - محتویات درس و مواد و وسایل تخنیکی شامل فعالیتها باشد . ارتباط درس جدید و درس گذشته ، ارزیابی ، نتیجه گیری ، کارخانگی (هدف نهایی عمومی ، خصوصی ) .

پلاندرس

نتیجه گیری

وسط درس

معرفی درس

- 1 \_ معلم باید پلان درسی خود را بر سال درسی که مدت هفت برج میباید محاسبه کند تا در هر برج چند ورق یا صفحه از درس میرسد.
- 2 \_ بعداً تعداد صفحات کتاب را که در طول یک برج باید درس داده شود روی چهار هفته که باید درس داده شود قسمت نماید.
- 3 \_ البته در استخراج ایام درسی و طرح پلان درسی روزهای جمعه و ایام تعطیلی را در نظر بگیرید.

## پلان درسی یکساعته

نام معلم :  
 مکتب :  
 صنف :  
 مضمون :  
 موضوع :  
 تاریخ :

### هـ\_\_\_\_\_د ف

شماره	وقت	مراحل مقدماتی یا آغاز درس جدید	میتود	مواد درسی
1	5 دقیقه	سلام، احوال پرس، اخذحاضری، دیدن نظافت، ترتیب و تنظیم موادی درسی، و ملاحظه کارخانگی و اصلاح، ارزیابی درس گذشته و ارتباط آبه درس جدید.	Thow cammano citation	کتاب، قلم، کتابچه، تباشیر، تخته و غیره
2	5 دقیقه	بسم الله عنوان و صفحه به تخته نوشته شود، بالای چند شاگرد متن کتاب یا درس جدید به شکل جملات یا پاره گراف خوانده شود، شاگردان چند دقیقه کتاب خود را مخفی بخواند استاد از فرصت استفاده کرده نکات مهم انرا به تخته نوشته کند، سوال شود که چه آموختید و پیام درس چه بود.	Thow cammano citation	نقشه ها و چارتهای و مواد محیطی و غیره
3	5 دقیقه	نتیجه گیری و تشریح و خلاصه درس، ارتباط بزندگی روزمره، وظیفه خانگی مطابق سویه شاگرد، امضاء ترقی تعلیم، خداحافظی	D . T . R	

پلان درسی روزانه

مکتب : معلم :

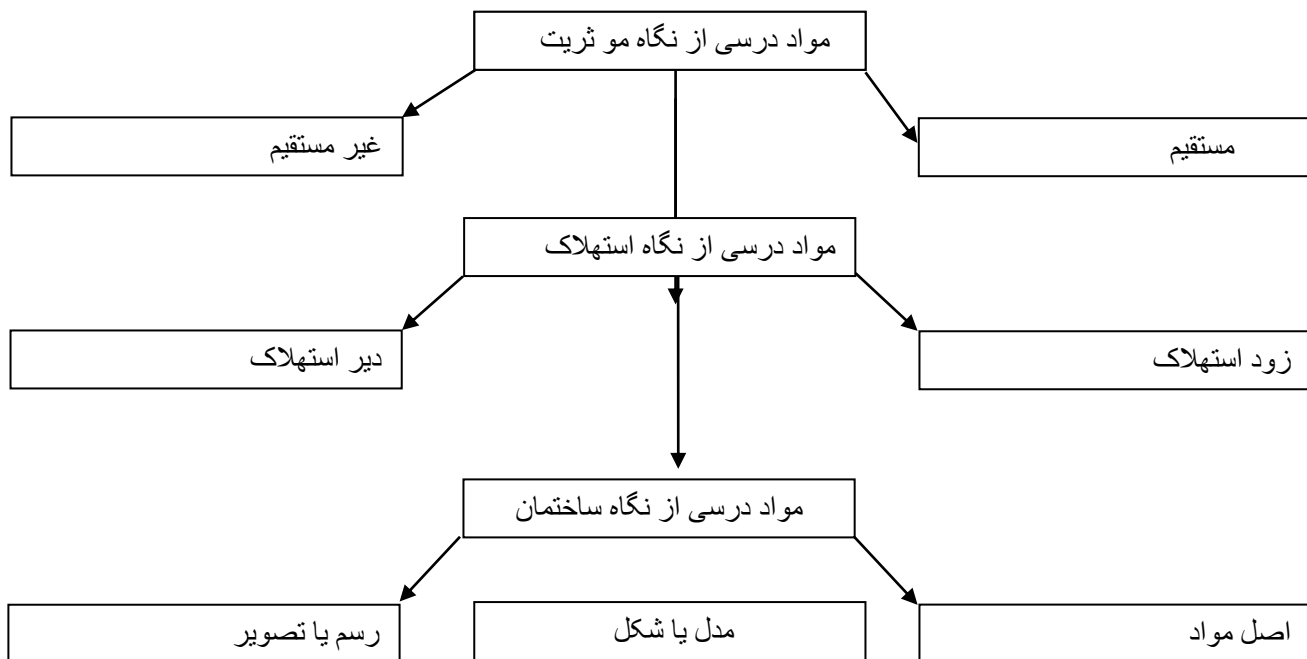
تاریخ :

شماره	صنف	مضمون	حجم درس	هدفها	مواد	اصول
1						
2						

مواد درسی

تعریف مواد :- چیزکه انسان را به وقت کم به هدف برساند مواد است مانند تلفون فکس ، مخابره ، ماشین ، هواپیما و غیره.

تعریف مواد درسی :- مواد درسی عبارت از اشیاء و وسایل است که معلم و شاگرد را بخاطر به هدف رسیدن موضوعات درس کمک میکند.



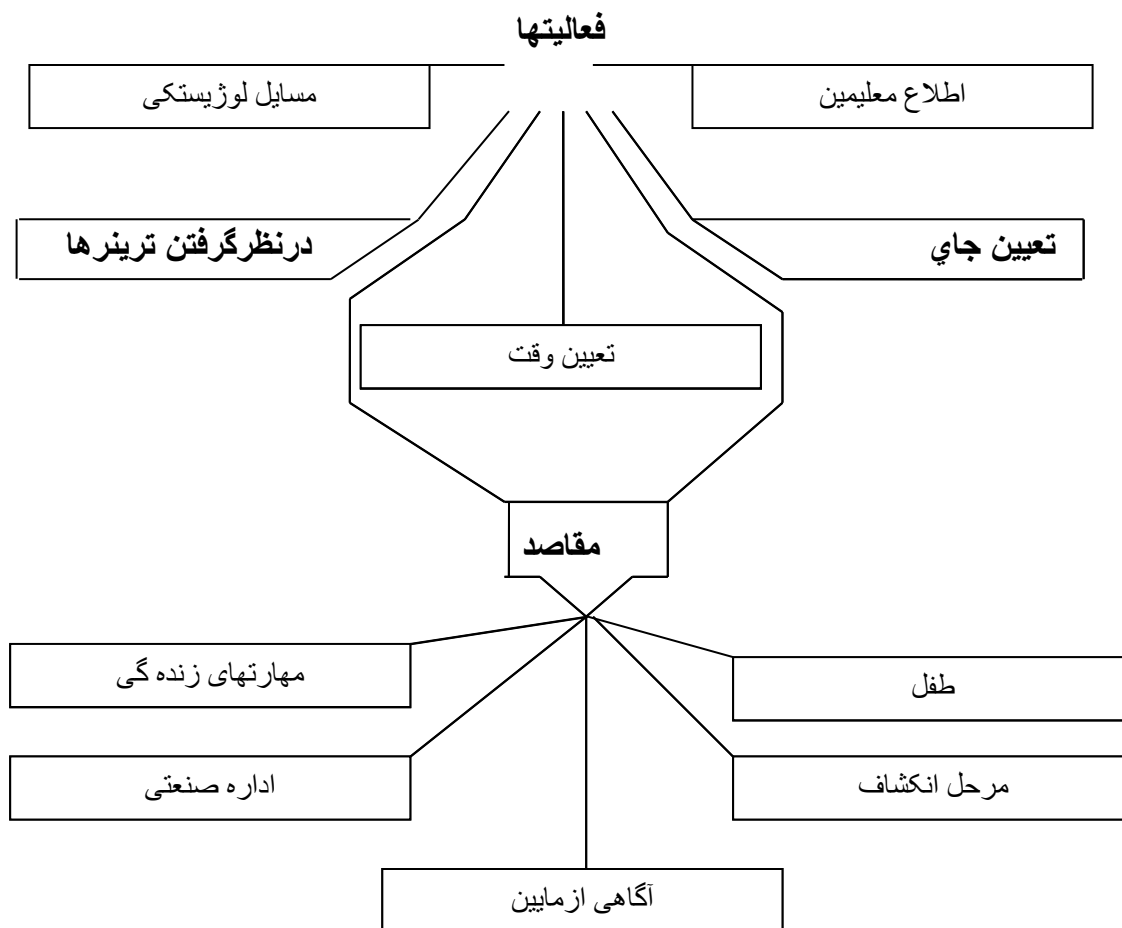
### مواد اصلی:

مواد درسی بهر ساختمان که باشد مستقیماً بالای ذهن شاگرد تاثر دارد .

- 1 \_ مواد اصلی
- 2 \_ مدل
- 3 \_ تصاویر

### پلان را از کجا آغاز کنیم مثلاً یک پلان تربیوی

- 1 - طرح.
- 2 - مباحثه، باریس معارف و سایر مسؤلین.
- 3 - مفکوره، که بایدترینگ را تطبیق کنیم.
- 4 - مرحله علمی.
- 5 - فعالیت.



## کارخانگی و اهداف آن

**تعریف کارخانگی :-** کارخانگی یکی از مهم ترین روش ها برای یادگیری و تحقق برنامه های درسی است ، به همین سبب دارای اهمیت بسزای میباشد مشروط براینکه از آن بشکل علمی استفاده شود.

کارخانگی نباید بشکل باشد که وقت فراغت شاگردان را بیش از حد اشغال کند و آنها را خسته کند، اگر این چنین شد اثر مطلوب خود را از دست میدهد، کارخانگی اگر در باره داستان خاندن یا حل ریاضی یا تهیه موضوعات باشد باید بتوان شاگرد باشد تا شاگرد بتواند آنرا حل نماید چون انجام کارخانگی توسط شاگرد دانش وی را انکشاف میدهد و سرانجام آنها را به پژوهش های مستقلانه یاری میکند لذا به اساس اهمیت که کارخانگی دارد و همیشه در تحقیقات بین المللی مربوط به یادگیری شاگردان وجود دارد بادر نظر داشت اهمیت کارخانگی ، مرکز اطلاعات تربیتی موسوم به ( ؟؟؟؟ ) به بیش از 92 پژوهش در خصوص کارخانگی دست یافته است بعنوان مثال 24 پژوهش در کانادا 31 پژوهش در انگلیستان 34 پژوهش در استرالیا که تمامی نتایج حاصله از آن بیان گر مطالب زیرین است .

- 1 - معلم طور کارخانگی به شاگردان بدهد که آنها را وادار به تمرین درخصوص وظیفه ای داده شده نمایند در بحث های قبلی یادآور شدیم که هر قدر تمرین درخصوص یک موضوع زیاد باشد همان اندازه زمینه یادگیری بیشتر میشود.
- 2 - کارخانگی منظم و پیگیر شرکت شاگردان را در امر یادگیری بیشتر میسازد.
- 3 - کارخانگی، باعث رشد شخصیت شاگردان میشود، تجربه به اثبات رسانیده است که آنده شاگردا نیکه کارخانگی خود را بدرستی انجام میدهند بانشاط و ارید صنف میشود و خود را نسبت بدیگران ترجیح میدهند.
- 4 - انجام به موقع کارخانگی از جانب شاگردان انضباط خودی را در وجود شاگردان ایجاد و انکشاف میدهد.
- 5 - شاگردان درس خوان، مستعد انضباط درس و بافهم، مقررات نافذه در صنف را نسبت به دیگران بهتر و خوب تر رعایت میکنند.
- 6 - کارخانگی سبب میشود تا شاگردان مقررات مکتب و صنف خویش را باتمام معنا بهتر و خوبتر رعایت میکنند.
- 7 - کارخانگی همیشه به مشابه عامل آگاهی بخش و اهدا دهنده برای معلم و شاگرد بشمار میآید.
- 8 - کارخانگی روابط بین معلم، والدین آنها را تامین میکند بدین معنا که شاگرد در حل مشکلات خود مقدم بر همه برپدر و مادر خود مراجعه میکند و والدین شاگرد از شیوه و طرز تدریس در مکتب آگاه میشود و میتواند در حل مشکلات فرزندانشان با مکاتب و معلم شان در تماس شوند، لذا کارخانگی روابط عمومی را تقویت میبخشد.

## خصوصیات کارخانگی از نظر تجربه جهانی

- 1 - کارخانگی باید شاگردان را متقاعد بسازد.
- 2 - خوب طراحی شود.
- 3 - کارخانگی باید مطابق سویه شاگردان آماده شود.
- 4 - کارخانگی باید مطابق به خصوصیات انفرادی شاگردان داده شود.
- 5 - کارخانگی باید فوراً بعد از ملاحظه شد و نمره دادن به شاگردان مسترد شود.
- 6 - حجم کارخانگی باید به اندازه ای باشد که فرصت های کافی برای بازی، ورزش و تفریح برای شاگردان باقی بماند.

## انواع کارخانگی

مطالعه و پژوهش های که درخصوص کارخانگی در سراسر جهان در قرن بیست و یکم انجام شده کارخانگی را به دو نوع تقسیم کرده است.

الف : از نظر محتوا :-

کارخانگی از نظر محتوا به چهار دسته اصلی یاتمرینی آماده سازی ، بسطی و امتدادی و خلاقیتی طبقه بندی نموده است

- 1 - **کارخانه گی تمرینی :-** این کارخانگی به منظور تقویت مفاهیم ، دانش و مهارت های شاگردان به آنها داده میشود.
- 2 - **کارخانه گی آماده سازی :-** این نوع کارخانگی در صورتیکه عملی شود شاگردان رابه درس بعدی آماده میسازد.
- 3 - **کارخانه گی بسطی و امتدادی :-** این نوع کارخانگی اجرای فعالیت های عملی راممکین میسازد که (50) فیصد از طرف شاگردان و (50) فیصد از طرف معلم طرح میگردد.
- 4 - **کارخانه گی خلاقیتی :-** این نوع کارخانگی بمنظور داده میشود تا در خصوص مفاهیم دانش و مهارتها نوآوری شود. درین نوع کارخانگی هم فکروهم عمل ازدانش شاگرد میباشد یعنی شاگرد خودش کارخانگی راتعیین میکندوبه حل آن میپردازد.

## ب : از نظر ساختار (شیوه های ارایه):-

- از نظر ساختار و شیوه ارایه به شاگردان کارخانگی رابه سه دسته تقسیم میکند.
- 1 - **کارخانگی عمومی :-** آن دسته فعالیت های استکه برای همه شاگردان در نظر گرفته میشود که اکثراً از نوع تمرین و آماده سازی است.
  - 2 - **کارخانگی گروهی :-** در این کارخانگی شاگردان از طریق مشارکت باهم دیگر تصمیم گیری جمعی یکی از موضوعات راتعیین واجرامنماید ، معلم برای هرگروه به اساس توانایی های آنها موضوعات مناسبی رامطرح میسازد این نوع کارخانگی در زمینه های یادگیری ویاد دهی جاه ومقام ارزشمندی رادارامیباشد.
  - 3 - **کارخانگی انفرادی :-** این نوع کارخانگی به اساس تفاوت های فردی شاگردان به آنها محول میشود وبشتر از نوع خلاقیتی است ، معلم تمامی توانای ها علایق فکری وذهنی شاگردان رامی شناسد ومطابق به آن به آن ها کارخانگی رامیدهد.

## تعیین نوع کارخانگی

- 1 - **بر اساس روشهای تدریس :-** این نوع کارخانگی روشهای تدریس رامعین میکند بدین معنی که معلم علایق ونیازهای شاگردان رادرجیریان درس شناسایی نموده وبه آنها کارخانگی راتعیین میکند.
- 2 - **تعیین کارخانگی بر اساس اهداف درسی :-** معلم بر اساس اهداف درسی کارخانگی رامشخص میکند.

## خصوصیات کارخانگی

- 1 - کارخانگی باید در نظر شاگرد مشخص باشد :-** این خصوصیات باعث افزایش یادگیری در شاگردان میشود و هم مسؤلیت پذیری آن ها را زیاد میکند.
- 2 - اشتراک گروهی در حل کارخانگی :-** شاگردان بصورت دو بدو پهلوی هم نشسته به تصحیح کارخانگی که در منزل انجام داده است میپردازند که این کار بمنظور تبادل تجارب میان شاگردان صورت میگیرد.
- 3 - استماع و مشاهده کارخانگی از جانب معلم :-** معلم به صحبت های فرد فرد شاگردان گوش میدهد که این کار باعث ارتباط برقرار کردن بین معلم و شاگرد میشود ازینکه این کار در برابر دیدگان شاگردان اجرا میشود ، تاثرات مثبت دارد.
- 4 - کار خانگی باید بعضاً از فعالیت های روزانه صنف فرق داشته باشد :-** برای اینکه کار خانگی برای شاگردان جذاب باشد و با علاقه مندی به حل آن بپردازند باید بعضاً از فعالیت های که در صنف روزانه انجام داده میشود فرق داشته باشد که این کار شوق و رغبت شاگردان را ارتقا میدهد.
- 5 - انتخاب کارخانگی و نوع مختلف آن برای صنوف مختلف :-** تجربه به اثبات رسانیده است که برای درک بیشتر مفاهیم دانش و مهارتها شاگردان باید برای هر صنف کارخانگی مناسب و مختلف در نظر گرفته شود.  
یا برای هر دوره شاگردان باید به همکاری استادان شان نوع کارخانگی معین را انتخاب نمائیم به عنوان مثال: برای شاگردان دوره ابتدائی کارخانگی از نوع تمرین و آماده سازی در صنوف متوسط نوع کارخانگی از نوع امتدادی و خلاقیتی و در صنوف بالاتر نوع کارخانگی باید از نوع خلاقیتی انتخاب شود.
- 6- منابع که باید شاگردان به خاطر حل کارهای خانگی شان از آن استفاده کند :-** این امر ارتباط به همکاری وزارت جلیله معارف کشور دارد تا با آماده کردن کتابخانه در هر مکتب زمینه ارتقای فرهنگی و اخذ معلومات علمی معلمین و شاگردان را آماده سازد.

## ارزیابی

هدف تعلیم و تربیه اینست که برای فرد یا افراد کار مفید انجام یابد، کار موثرتر و مفیدی را وقتی انجام داده میتوانیم که درباره فرد یا افراد، معلومات کافی داشته باشیم بهر اندازه ای که راجع به فرد یا افراد معلومات ما زیاد باشد بهمان اندازه تصمیم ما در باره ای آنها صحیح تر میباشد.

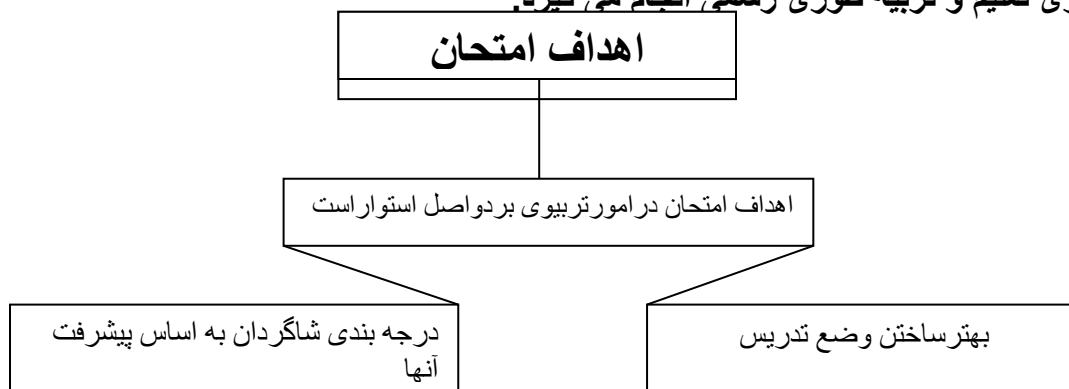
### تعریف ارزیابی:

عبارت از طرق و راه های است که جهت معلوم نمودن پیشرفت و ترقی کار و فعالیت افراد به کار میرود، ارزیابی نیز از جمله عملیه ای آموزش شمرده میشود که از طرف معلم در جریان سال تعلیمی چندین بار بدون آگاهی قبلی و تعیین وقت بطور خصوصی ، هر وقتیکه بخواهد صورت میگیرد.



## تعریف امتحان:

در لغت آزمایش، سنجش و یا معلوم نمودن خوبی و بدی یک شی را گویند و در اصطلاح امتحان یک عمل منظم و کنترل شده است که به منظور تطبیق اهداف تعلیمی و تربیتی شاگردان برای دریافت پیشرفت های شان استعمال میشود و یا به عباره دیگر معلوم نمودن و آزمایش فهم و دانش شاگردان توسط معلم و ممتحنین امتحان است. عملیه امتحان در طول سال یک یا دو مرتبه و یا ماهوار تحت نظارت معلم اداره مکتب و یا مقام بلند تری تعلیم و تربیه طوری رسمی انجام می گیرد.



## پس در اهداف اخذ امتحان نکات ذیل شامل شده میتواند:

- 1- تولید انگیزه برای آموزش مطلوب.
- 2- پیدا نمودن نکات قوی و ضعیف شاگردان به منظور اصلاح آنها.
- 3- پی بردن به حقایق.
- 4- گروه بندی شاگردان.
- 5- تشویق و ترغیب.
- 6- پیدا نمودن درجه و سویه ای دانش شاگردان.
- 7- به میان آوردن اصلاحات در پروگرام های تدریسی.
- 8- رهنمائی معلم جهت موثر ساختن روش های تدریس.
- 9- ارزیابی اهداف عمومی و خصوصی تدریس.
- 10- انتخاب شاگردان برای تحصیلات عالی و مسلکی.
- 11- دریافت و شناخت شاگردان که به کمک خاص ضرورت دارند.
- 12- کشف اختلافات فردی، ارتقای صنف به صنف دیگر و آیا تدریس موثر و مثبت بوده یاخیر.

## فرق امتحان و ارزیابی

## امتحان:

## ارزیابی:

- 1 - امتحان یک عملیه رسمی است.
- 1 - ارزیابی یک عمل غیررسمی است.
- 2 - درسال یک یا دوباره اساس آگاهی قبلی گرفته میشود.
- 2 - ارزیابی بدون کدام اعلان انجام میگردد.
- 3 - امتحان یک عملی غیر متداویم است.
- 3 - ارزیابی یک عمل دوامدار است.
- 4 - در امتحان خوف و ترس بسیار است.
- 4 - ارزیابی ترس و بیمی ندارد.
- 5 - امتحان درجه بندی و نمره هردو را دارد.
- 5 - ارزیابی درجه بندی دارد و نمره ندارد.
- 6 - امتحان کامیابی و ناکامی دارد.
- 6 - ارزیابی کامیابی و ناکامی ندارد.

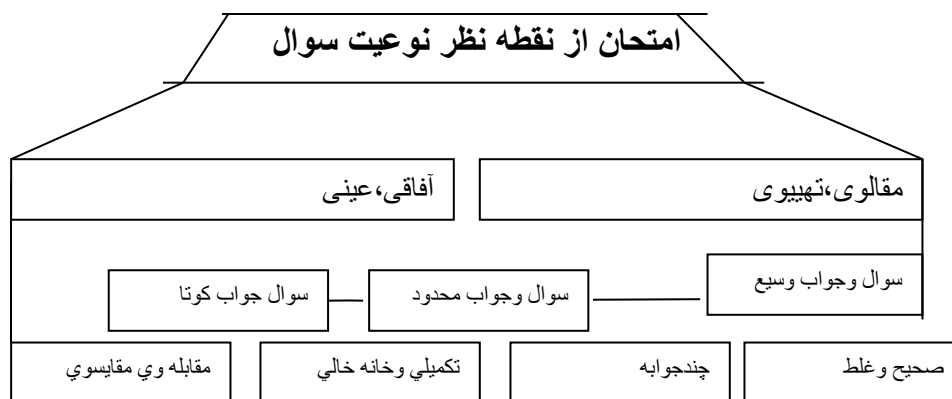
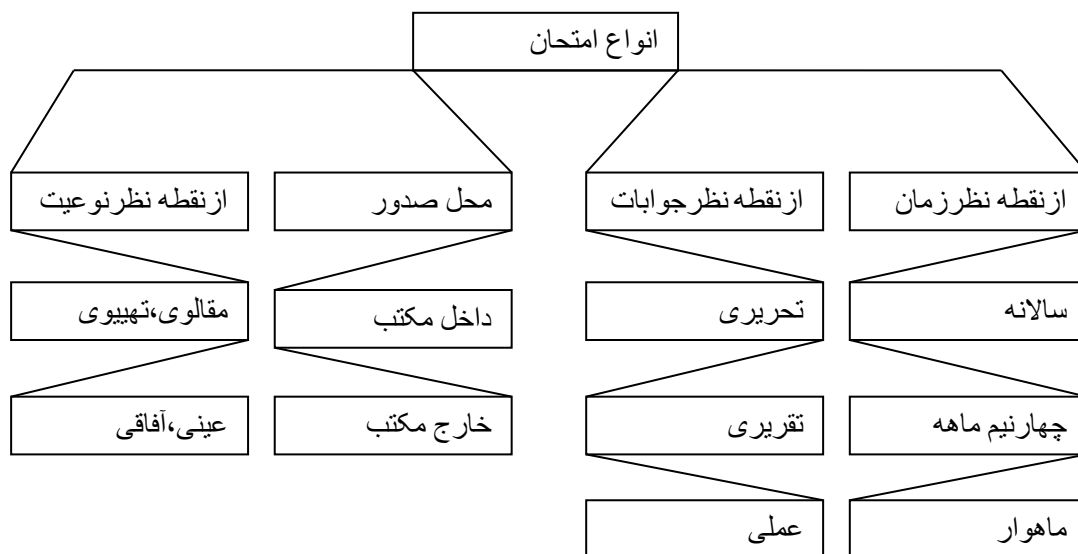
## فرق ارزیابی و نظارت

نظارت:- یک پروسه ای است که پیشرفت و تغییر راندازه گیری میکند و تعقیب پیشرفت در ارتباط تطبیق یک پلان، فعالیت و هم چنان استراتژی و پالیسی توسط آن اندازه میشود مثلاً تغییر در حالت اطفال. ارزیابی:- یک پروسه ای است که کوشش میکند تا ارزش معنی یک پروگرام را بصورت سیستماتیک و هدفمند تشخیص نماید. تعیین ارزش و معنی یک پروگرام معمولاً به اساس یک پروگرام اجرا میشود مثلاً مؤثریت و فعال بودن، تاثر و دوام دار بودن یک فعالیت.

## فرق امتحان چهارنیم ماهه و سالانه

- 1 - در امتحان چهارنیم ماهه شقه و نتایج بطور یک نقله و در امتحان سالانه شقه هادونقله و نتایج در نقله یاسه نقله ترتیب میشود.
- 2 - امتحان چهارنیم ماهه نصف مجموعه ندارد و امتحان سالانه نصف مجموعه دارد.
- 3 - امتحان چهارنیم ماهه مشروطی و محرومی ندارد امتحان سالانه مشروطی و محرومی دارد.
- 4 - هرگاه شاگرد در امتحان چهارنیم ماهه در یک مضمون کمتر از (40) نمره اخذ کرده باشد ناکام محسوب میشود.
- 5 - هرگاه اوسط نمرات امتحان سالانه شاگرد در یک مضمون از (40) نمره کمتر باشد، مشروط یک مضمون و اگر اوسط نمرات یک شاگرد در دو مضمون کمتر از (40) نمره باشد مشروط دو مضمون محسوب میشود.
- 6 - هرگاه در امتحان سالانه نمرات شاگرد در سه مضمون کمتر از (40) نمره باشد و در یک مضمون به یک نیم نمره ضرورت داشته باشد و 40/ فیصد مجموعه نمرات را تکمیل کرده باشد مجلس معلمین میتواند در یک مضمون یک نیم نمره برای شاگرد موصوف بدهد تا مشروط در مضمون محسوب نشود.

7 - نمرات امتحان چهارنیم ماهه و سالانه هر مضمون جمع و برد و تقسیم میشود و حاصل تقسیم درستون اوسط نتایج درج میشود.



### مواد درسی :-

عبارت از اشیاء و وسایل است که معلم و شاگردان را برای بدست آوردن هدف درس کمک مینمایند و یا به عبارت دیگر آن وسایل سمعی و بصری که معلم را در تدریس همکاری میکند به نام مواد درسی یاد میگردد.

## منابع مأخذ:

- 1- قرآن کریم.
- 2- نهج البلاغه ، ترجمه محمد دشتی ، انتشارات موعود اسلام ، چاپ انصارالمهدی ، نوبت چاپ پنجم 1383.
- 3- مکارم شیرازی ، ناصر و همکاران ، تفسیر نمونه ، نشر دارالکتوب الاسلامیه ، چاپ سرود 1385.
- 4- خوشبخت ، پوهنمل عبدالکریم ، رویش های نوین اصول تدریس ، انتشارات الا هزار 1383 .
- 5- مشفق آرانی ، بهمن ، رهنمایترین معلمی ، انتشارات مدرسه 1377
- 6- حسنی ، سیدمهدی ، مشاوره و رهنمای درتعلیم و تربیه اسلامی ، انتشارات امیر کبیر، چاپ سپهر 1375
- 7- شریعتمداری ، داکتر علی ، فلسفه تعلیم و تربیه ، دانشگاه تهران چاپ دوم . 1348.
- 8- مظاهری حین ، تربیت فرزند از نظر اسلام ، انتشارات روحانی ، چاپ سپهر . 1378.
- 9 - فلیپ جی اسمیت ، مترجم: سعید بهشتی ، فلسفه آموزش و پرورش ، انتشارات آستان قدس . 1377.
- 10- ابراهیمی زاده ، عیسی ، فلسفه تربیت، انتشارات دانشگاه پیام نور. 1381.
- 11- بهمن ، محمد نعیم ، اصول تدریس ، چبتر اصول تدریس ، دارالمعلمین عالی سید جمال الدین . 1388.
- 12- دارالمعلمین عالی سید جمال الدین ، چبتر روان شناسی تربیتی . 1388.
- 13- موسیسن مربیان دفتر سی آی سی ، کورس ارتقاق ظرفیت معلمین. اسد 1387 چغچران
- 14- ریاست عمومی مؤسسات عالی تربیه معلم ، ترینینگ معلمین ولایت غور ، جدی 1385 چغچران
- 15- ریاست عمومی مؤسسات عالی تربیه معلم ، ترینینگ معلمین ولایات ، حمل 1385 چغچران
- 16- وزارت معارف و یونیسیف ، پروگرام تربیه معلم ، هنر های زبان و تعلیمات خطر ماین ، حوت 1381 لعل
- 17- مؤسسه هیئت معاونیت بین المللی هرات، کورسصحت روانی ، پروژه مقدماتی صحت روانی ، حمل 1387. لعل و سر جنگل
- 18- دولت افغانستان به کمک مردم ایالات متحده امریکا ، برنامه پلان گذاری و رشد مهارت های مدیریتی کار مندان دولت ، حمل 1388 چغچران

## فهرست

صفحه	عنوان	شماره
	بخش اول:	
	تعلیم و تربیه	
3	تعلیم و تربیه از دیدگاه قرآن	1 -
4	ارزش تعلیم و تربیه در آئینه نهج البلاغه	2 -
5	تعلیم و تربیه از دیدگاه پیامبر و امامان	3 -
6	تعلیم و تربیه از نگاه بزرگان	4 -
7	اهداف تعلیم و تربیه	5 -
7	تعریف تربیت	6 -
7	تعریف تعلیم	7 -
8	ارتباط تعلیم و تربیه	8 -
8	آموزش و یادگیری چیست؟	9 -
9	آموش و اهمیت آن در زنده گی انسان ها	10 -
10	تاریخچه پیدایش آموزش	11 -
10	از آموزش دیدگاه نظریات	12 -
11	تعریف یادگیری	13 -
12	یادگیری و اهمیت آن	14 -
12	مراحل یادگیری	15 -
12	یادگیری از دیدگاه نظریات	16 -
14	قوانین ارانه شده توسط ثوراندايك	17 -
14	چگونه مي توان زمينه یادگیری بامعني را مساعد ساخت	18 -
15	نکات مهم همکاري با یادگیری	19 -
	بخش دوم :	
	معلم	
16	معلم	20 -
17	معلم و ارزشش در جامعه	21 -
18	اهمیت معلم از دیدگاه نظریات	22 -
19	اوصاف معلم از دیدگاه نظریات	23 -
21	مشخصات يك آموزگار خوب	24 -
22	صفات مسلکي معلم	25 -
22	چهار دسته از معلمین از نظر روش تدریس	26 -
23	معلم و مطالعه	27 -
23	اصول و شیوه مطالعه	28 -
25	معلم و فرهنگ اجتماعی	29 -
25	وظایف نگران های صنف	30 -

26	31 - ویژه گی های معلم خوب از دیدگاه حقوق بشر
27	32 - وظایف و مسؤلیت های سرمعلم
28	33 - شایستگی و لیافت های يك ترینر
29	24 - اهمیت مدیریت
30	25 - نظر به تاریخچه مدیریت
30	26 - تعریف مدیریت
30	27 - پنج وظیفه مدیریت
32	28 - ویژه گی های مدیر موفق مکتب از دیدگاه حقوق بشر
32	29 - ویژه گی های رفتاری مدیر موفق باشاگردان و والدین آنها
32	30 - ویژه گی های فردی مدیر موفق

### بخش سوم

#### طفل و شاگرد

35	31 - طفل کیست؟
36	32 - مراحل نمو یا تکامل طفل از زمان تولد الي رفتن به مکتب
36	33 - فکر کردن پیرامون چیز های که طفل می آموزد
38	34 - حفاظت طفل
38	35 - سطوح انکشافی طفولیت
39	36 - بهبود روان اجتماعی در اطفال
39	37 - حفاظت و بهبود روان اجتماعی طفل چیست ؟
41	38 - تشویق ، ترویج ، وفق و انعطاف پذیری در اطفال
42	39 - اطفال در معرض سوء استفاده
43	40 - علایم سوء استفاده جسمی
43	41 - علایم سوء استفاده روحی
43	42 - اطفال در معرض سوء استفاده و تجاوز جنسی
44	43 - بد بختی های بشر
44	44 - ماین چیست ؟
45	45 - چرا اطفال توسط ماین ها کشته می شوند؟
45	46 - باکدام راه ها اطفال را از خطر ماین نجات دهیم
45	47 - علایم ساحات خطر ناک
47	48 - پیام های اساسی برای اطفال
48	49 - نتیجه رساندن پیام به اطفال
48	50 - جنگ و پیامدهای ناگوار در جامعه
49	51 - تأثیرات جنگ بالای بزرگ سالان
49	52 - تأثیرات جنگ بالای اطفال
50	53 - شاگردان مهم ترین سرمایه کشور
50	54 - اهمیت شاگردان
50	55 - وظایف شاگردان در تدریس
50	56 - مهارت مورد نیاز شاگردان

52	57 - هوش هفت گانه شاگردان
54	58 - روانشناسي يا سلوك شناسي
55	59 - شخصيت
55	60 - انواع شخصيت
56	61 - عوامل تشكيل دهنده شخصيت
56	62 - موضوع كه ما آنرا به ديگران مي آموزيم
57	63 - چه وقت آموزش بهتر صورت مي گيرد
57	64 - طفل از کدام طريقه ها بهتر مي آموزد
58	65 - چهار طريقه قصه نويسي
59	66 - انواع ميتود ها
59	67 - آموزش از طريق قصه ها
59	58 - خصوصيات يك قصه خوب
60	59 - اطفال کدام نوع مهارت ها را از قصه هاي حلقوي مي آموزند
60	60 - راپور نويسي حقيقي
60	61 - صنف به حيث محيط آموزشي
61	62 - شاگردان بحيث مركز فعاليت يا تدریس
61	63 - اداره سلوك يا رفتار در صنف

#### بخش چهارم

#### میتود و مواد

65	64 - تعريف مكتب
65	65 - مكتب چيست ويابه کدام محل مكتب گفته مي شود
66	66 - معيار هاي انتخاب نام مكتب
66	67 - معيار هاي انتخاب نام تابلو
67	68 - چند نمونه از تابلو هاي مكتب
68	69 - تدریس
68	70 - اهداف اساسي تدریس
68	71 - تعريف اصول تدریس
68	72 - عناصر مهم تدریس
69	73 - ساختار و نقش آن در تدریس فعال
69	74 - محتوا عامل مهم وتأثير گذار بر تدریس
69	75 - اصول و قواعد در انتخاب محتوا
70	76 - آماده گي چيست
70	77 - درس خوب چه قسم درس است
71	78 - نکات مهم وقابل تفکر يك درس
72	79 - هدف شخصي يا آموزشي
72	80 - طرز درست نوشتن يك هدف
73	81 - سوال
73	82 - فرق بين تدریس قديم وجدید
74	83 - اهداف شناخت شاگردان

74	84 - ترتیب و تنظیم صنف
74	85 - نکات مهم در ترتیب و تنظیم صنف
75	86 - روش لکچر یا خطابه
76	87 - روش اجرای نقش
76	88 - نمایش باکار گروهی
76	89 - مسابقه
77	90 - توجه درپاداش و تنبه برای شاگردان
77	91 - راه های کنترل بد نظمی در صنف
78	92 - تفریح و ارزش تفریح از دیدگاه اسلام
79	93 - پلان درسی
79	94 - عناصر عمده يك پلان درسی
81	95 - نکات مهم و اساسی يك پلان درسی
82	96 - مراحل پلان يك ساعته درسی
82	97 - اهمیت پلان درسی ساعتوار
83	98 - جنبه های اساسی يك پلان
83	99 - پلان درسی يك ساعته
84	100 - پلان درسی روزانه
85	101 - پلان را از کجا آغاز کنیم
86	102 - کار خانگی و اهداف آن
86	103 - خصوصیات کار خانگی از نظر تجربه جهانی
86	104 - انواع کار خانگی
87	105 - خصوصیات کار خانگی
87	106 - ارزیابی
88	107 - امتحان
88	108 - فرق امتحان و ارزیابی
89	109 - فرق ارزیابی و نظارت
89	110 - فرق امتحان چهار و نیم ماهه و سالانه
89	111 - انواع امتحان
90	112 - مواد درسی
90	113 - منابع و مأخذ